

شماره سوم - سال ۱۴۰۲

ویژه‌نامه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری

مرکز پژوهش‌های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

با همکاری اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی

گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

و مرکز مطالعات و پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزه علمیه

السلامة خير من
السرعة







انتخاب امیدبخش

ویژه‌نامه انتخابات
مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری
اسفند ۱۴۰۲

ویژه‌نامه چهارم _ زمستان ۱۴۰۲

انتخاب امیدبخش

ضمیمه ماهنامه مبلغان - مرکز پژوهش‌های تبلیغ

ویژه‌نامه چهارم: انتخاب امیدبخش

مرکز پژوهش‌های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه

ضمیمه ماهنامه مبلغان (ویژه‌نامه چهارم)

هیئت تحریریه: علیرضا پناهیان، سید محمد حسین راجی، محمود مقدمی،

رضا زند وکیلی، مصطفی آزادیان، نصرالله درویشی، علیرضا

مظاهری، جواد آقاییان، علیرضا زنگویی، محمدرضا نیکوکلام

صفحه‌آرایی: محمد صادقی

چاپ: زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

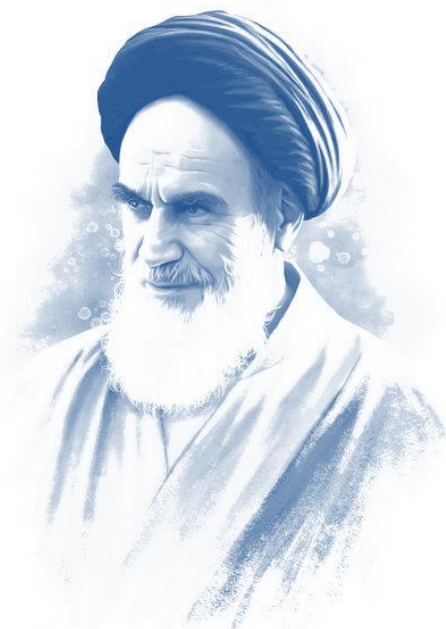
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان





فهرست مطالب

از نگاه دیدبان	۶
سخن نخست	۹
بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات	۱۳
اصول حرفه‌ای جهاد تبیین در انتخابات (مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدحسین راجی (زید عزه)).....	۱۸
شیوه‌های پاسخ به شبهات انتخاباتی	۲۴
بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟	۴۳
مسئله دوقطبی‌سازی جامعه (مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان (زید عزه))	۴۵
کارآمدی نظام و مجلس انقلابی در مصاحبه با رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس (زید عزه)	۵۴
سوژه‌های سخن (شاخصه‌های نماینده اصلاح) تقوا؛ راه برون‌رفت؟!	۶۱
سوژه‌های سخن (شاخصه‌های نماینده اصلاح) امانت یا خیانت؟!	۶۶
قهر دوسر باخت؛ (ضرورت حضور حداکثری و آثار قهر با صندوق رأی)	۷۱
الگوی انتخاب اصلاح	۸۴
بخش سوم: شبهات انتخاباتی	۹۳
بخش چهارم: احکام انتخاباتی	۱۳۳



اگر مسامحه کنید، مسئول هستید پیش خدای تبارک و تعالی. اگر نروید و رأی ندهید و آن‌ها که جدید دارند به اینکه وارد بشوند در مجلس و به هم بزنند اوضاع ایران را، آن‌ها خدای نخواستہ بروند، مسئولیتش به عهده شماست مستقیماً. مسئولیت همه طبقات دارند. مراجع مسئول اند، علما مسئول اند، ائمه جماعت مسئول اند، خطبا مسئول اند، تجار مسئول اند، بازرگانان مسئول اند، دانشگاهی‌ها مسئول اند، طلاب علوم دینیہ مسئول اند، کارگرا مسئول اند، همه مسئول اند.

۲۲ اسفند ۱۳۵۸، صحیفه امام علیه السلام، ج ۱۲، ص ۶





همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعاتی‌ها، جوان‌ها، افراد در داخل خانواده، این‌ها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد. اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف خواهد شد و مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت. اگر می‌خواهیم مشکلات برطرف بشود، باید مشارکت را بالا ببریم. این وظیفه همه است. هر که می‌خواهد مشکلات کشور برطرف بشود، راهش این است.

بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مردم خوزستان و کرمان، ۱۴۰۲/۱۰/۰۲





سخن نخست

مبلغان سربازان خط مقدم جبهه جهاد تبیین هستند و وظیفه ما به عنوان مراکز پشتیبانی این لشکر توحیدی، تولید محتوای تبلیغی و به‌روزرسانی پیوسته روش‌های نوین تبلیغی است. از این رو چهار مرکز محتوایی حوزوی یعنی «مرکز پژوهش‌های تبلیغ حوزه»، «گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»، «اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی» و «مرکز مطالعات و پاسخ به شبهات حوزه» در اقدامی هماهنگ تلاش کردیم در راستای منویات رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای علیه السلام مبنی بر تأمین محتوا و روش برای مبلغان، ویژه‌نامه‌ای برای انتخابات پیش رو با عنوان «انتخاب امیدبخش» تهیه نماییم و امیدواریم این ویژه‌نامه که در چند شماره تولید و منتشر خواهد شد بتواند دست مبلغان محترم را در سراسر کشور پر کند.

شایان ذکر است مطالب این ویژه‌نامه‌ها به هیچ عنوان نگاه جانبدارانه به نامزدهای هیچ کدام از احزاب، گروه‌ها و جناح‌های کشور ندارد و صرفاً به دنبال مشارکت حداکثری و در ادامه تعیین و تبیین معیارهای انتخاب اصلح از نگاه امامین انقلاب خواهد بود و به هیچ عنوان برای شاخصه‌ها و معیارهای اصلح تعیین مصداق نخواهد کرد.

مخاطب ما در این ویژه‌نامه، مبلغان هجرت، روحانیون مستقر، مبلغان امین، مبلغان گروه‌های جهادی و... هستند. بنابراین تلاش کردیم آن را از نظر حجم مختصر و در قالب

علمی - ترویجی ارائه نماییم تا هر مبلغی با توجه به اقتضائات منطقه و سطح مخاطبان خاص خودش مطالب را فرآوری و متناسب‌سازی نماید.

ویژه‌نامه انتخاب امیدبخش دارای چهار بخش است: بخش روش‌های تبلیغ انتخاباتی و بخش محتوای تبلیغ در انتخابات، بخش پاسخ به شبهات و بخش احکام. هدف آن است که مبلغان گرامی با استفاده از روش‌های مطلوب و متناسب با فضای انتخابات و ارائه محتوای غنی، مخاطبان خود را برای حضور گسترده در پای صندوق‌های رأی تشویق کنند.

مراد از بخش اول، یعنی روش تبلیغ انتخاباتی، ابزارها و قالب‌هایی است که مبلغان گرامی می‌توانند جهت انتقال پیام حساس و ویژه انتخابات به مخاطبان خود به کار گیرند. این روش‌ها ساحت‌های گوناگونی مانند تبلیغ چهره‌به‌چهره، منبر، پرسش و پاسخ، فضای مجازی، مصاحبه، آگهی نما (بیلبرد)، روزنامه، مجله، استفاده از مستند و برنامه‌های تلویزیونی، رادیو، بازی‌های رایانه‌ای و ... دارند. افزون بر همه این‌ها، نحوه سخن گفتن و نوع ادبیات گفتمانی مبلغ و روش ورود و خروج به بحث‌های تبلیغی انتخاباتی نیز بسیار مهم است که در این عرصه تبلیغی نقشی بسیار جدی ایفا می‌کند.

هدف از کاربست روش‌های تبلیغی مناسب، ایجاد ارتباط بهتر و عمیق‌تر میان مبلغ و مخاطب برای این پیام نسبتاً سخت است. روش‌های تبلیغی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین نحوه دسترسی به مخاطبان و جلب توجه آن‌ها ایفا می‌کند.

در کنار روش‌ها، محتوای تبلیغی نیز دارای اهمیت است. محتوای تبلیغی گستره وسیعی دارد و شامل متن سخنرانی، شعارها، تصاویر، فیلم‌ها و هرگونه پیامی است که درصدد ارائه آن هستیم. محتوای تبلیغی نیز همانند روش تبلیغی باید جذاب، قابل فهم، متناسب با هدف تبلیغ و مخاطبان باشد و به همه ابعاد وجودی مخاطب یعنی بُعد اندیشه، امیال، گرایش‌ها و رفتارهای واقعی، ممکن و مقدور برای مخاطب، توجه لازم داشته باشد. پاسخگویی به شبهات و بیان احکام شرعی مرتبط با انتخابات نیز از دیگر بخش‌ها و دغدغه‌های این ویژه‌نامه است.

ما در ویژه‌نامه انتخاب امیدبخش به دنبال آن هستیم که ذهن و زبان مخاطب را با خود

همراه کنیم و دل و دست او را برای حضور در پای صندوق‌های رأی و انداختن برگه رأی در صندوق‌های انتخاباتی فعال سازیم. می‌خواهیم دغدغه‌ها و دل‌شوره‌های مردم را در حد توان برطرف کنیم و سوالاتشان را پاسخ دهیم و آن‌ها را برای همراهی با جریان مقدس و معقول جمهوری اسلامی همراه کنیم. می‌خواهیم دست دشمنان را از این نظام کوتاه کنیم و مانند سربازان حاج قاسم سلیمانی و همراه با او در رکاب ولی زمان خود، از جمهوری اسلامی و این مملکت، یعنی از این حرم دفاع کنیم که به حق سردار دل‌ها فرمود: «جمهوری اسلامی حرم است...» و دفاع از آن بر همه ما واجب است. ما مبلغان افتخار می‌کنیم که در کنار دیگر دلسوزان ایران، خود را مدافع حرم بنامیم و با تمام توان، با روش‌ها و محتواهای تبلیغی متفاوت از این حرم دفاع کنیم و با عنایت شهدا و سردار شهیدان، مثل همیشه انتخابات پرشوری برگزار کنیم.

کارگروه تخصصی راهبری محتوای تبلیغی
(همکاری مراکز تبلیغی)



۱

بخش اول:

شیوه‌های تبلیغ
مبلّغان در انتخابات



چگونه در انتخابات تبلیغ کنیم؟

حجت الاسلام مصطفی آزادیان

روش‌های ویژه برای تبلیغ در انتخابات

برای جذب و تشویق مردم به شرکت در انتخابات، آگاه‌سازی مردم به اهمیت انتخابات و برانگیختن انگیزه‌ها و تمایلاتشان برای حضور در پای صندوق‌های رأی بسیار مهم است. برای این امر، هم باید از روش صحیح و مناسب و هم از محتوای غنی و عالمانه بهره برد. در اینجا، به چند روش کلی اشاره می‌شود:

۱. **تعامل فعال با مخاطبان:** بایسته است مبلغان محترم در میان مردم حاضر شوند و از نزدیک با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. مبلغان فرهیخته باید به مخاطبان فرصت دهند تا سؤالات خود را بپرسند، نظرات خود را ارائه کنند و در موضوعاتی که برای آن‌ها مهم است، مشارکت کنند.

۲. **تبیین همدلانه:** مبلغان عزیز باید از صمیم قلب با مردم همدل و همراه باشند، مشکلات مردم و سختی‌های زندگی‌شان را به‌درستی بشناسند و درک کنند و به بیان دیگر، خود از مردم باشند و زندگی همدلانه با آن‌ها داشته باشند. اکثر مردم سخنان مبلغان مردمی را بهتر می‌فهمند و می‌پذیرند. این دسته از مبلغان به‌خوبی می‌توانند

با استفاده از محتوای غنی و منصفانه و با بیان صمیمی و انگیزه‌بخش خود اهمیت مشارکت در انتخابات را تبیین و مردم را به شرکت در انتخابات دعوت و تشویق کنند.

۳. استفاده از شخصیت‌ها و چهره‌های محبوب: برخی از شخصیت‌های محبوب می‌توانند با حضور و همراهی در کمپین‌ها و تبلیغات انتخابات، افراد را ترغیب به مشارکت در انتخابات کنند؛ افرادی از خانواده‌های شهدای برجسته، قهرمانان ملی و دل‌باخته میهن، فرماندهان و جانبازان دفاع مقدس و...

۴. استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی: قطعاً تبلیغات در رسانه‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. باید از محتواهای جذاب، نثری قوی و رسانه‌هایی که بیشترین تأثیر را بر مخاطبان دارند، بهره برد. با ابزارهایی مانند پست‌ها، ویدئوها، پادکست‌ها و کمپین‌های آنلاین می‌توان به آگاهی‌بخشی مخاطبان و مشارکت آنان در انتخابات کمک کرد.

۵. نمایش فیلم و مستند: یکی از ابزارهای مهم تبلیغاتی، نمایش و ارائه فیلم‌های مستند همراه با تحلیل و بررسی است. مردم از این طریق با خیلی از مسائل آشنا و نسبت به سرنوشت خود حساس خواهند شد.

۶. تشکیل جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ: مبلغان گرامی می‌توانند با حضور در جمع مردم به سخنرانی پردازند و با تشکیل جلسات پرسش و پاسخ به بسیاری از ابهامات و پرسش‌های آنان پاسخ دهند و گره‌های ذهنی‌شان را برطرف سازند. حضور در جمع گروه‌ها و صنف‌های خاص مانند ورزشکاران و هنرمندان در همین راستا قرار دارد.

۷. حضور در مدارس و دانشگاه‌ها: مبلغان گرامی باید توجه داشته باشند که حضورشان در جمع دانشجویی و دانش‌آموزی و پاسخگویی به پرسش‌های آنان، نقشی ممتاز در اقناع‌سازی دارد. راه قانع‌سازی مخاطبان، داشتن دانش کافی و استفاده از براهین و

استدلال‌های قوی است؛ به همین جهت مبلغان عزیز باید خود را به سلاح علم و کسب مهارت‌های مرتبط مسلح سازند.

۸. **برگزاری جلسات ویژه بانوان:** باید توجه داشت که بانوان محترم و عقیف ایران اسلامی نقش پررنگی در نظام اسلامی ما دارند و اقدامات آن‌ها در عرصه‌های مختلف تعیین‌کننده است. حضور تخصصی و عالمانه مبلغان گرامی در جمع بانوان و تبیین ارزش زن از نگاه اسلام و جمهوری اسلامی ایران، مقایسه جایگاه زنان در ایران پس از انقلاب با قبل از انقلاب، نشان دادن موقعیت ارزشمند زنان در جامعه ایرانی در مقایسه با جوامع غربی، روشنگری در خصوص اغتشاشات سال گذشته و طراحان واقعی شعار «زن، زندگی، آزادی» و معرفی زنان برجسته و مادران و همسران و دختران فرهیخته شهدای گران‌قدر از موضوعاتی است که توجه به آن‌ها نویدبخش حضور گسترده زنان در انتخابات خواهد بود.

والحمد لله رب العالمین



اصول حرفه‌ای جهاد تبیین در انتخابات

مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد حسین راجی (زید عزه)

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

بی شک انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی پیش رو یکی از مهم‌ترین انتخابات‌های ۴۴ سال اخیر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه با توجه به تحولات داخلی و خارجی در نظام مقدس جمهوری اسلامی امیدهای فراوانی در بین ملت‌های جبهه مقاومت و ملت‌های مستضعف جهان به وجود آورده است.

از سویی دیگر بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به قله‌ها نزدیک شده‌ایم. جهاد تبیین در عرصه تبلیغ دینی خصوصاً انتخابات پیش رو به پرچم‌داری روحانیت انقلابی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.

از این رو بر آن شدیم تا با جناب حجت‌الاسلام والمسلمین راجی که از مبلغان موفق عرصه جهاد تبیین است مصاحبه‌ای در خصوص تکنیک‌های تبلیغ و جهاد تبیین داشته باشیم.

هرچند بیشترین رویکرد این مصاحبه بیان تکنیک‌های تبلیغ و تبیین است و اختصاصی به موضوع خاصی از جمله انتخابات ندارد ولی مبلغین محترم می‌توانند برای موضوعات خاص و منطقه و مخاطب‌های گوناگون به‌ویژه در عرصه انتخابات، این روش‌ها و تکنیک‌ها را بومی‌سازی کنند.

ویژه‌نامه: سلام‌علیکم. حاج‌آقا به نظر شما با توجه به شرایط و فضای اجتماعی غبارآلودی که دشمن با به‌کارگیری تمام قوای رسانه‌ای خود برای به‌گمراهی کشاندن ذهن مخاطبین ایجاد نموده است، چه تکنیک‌هایی توسط مبلغین و روحانیون باید مورد دقت قرار بگیرد؟

حجت‌الاسلام‌والمسلمین راجی: از این‌که این فرصت را در اختیار بنده قرار دادید از شما سپاسگزارم. با توجه به شرایط موجود و موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون و نیز مقابله همه‌جانبه دشمنان کشورمان رعایت اصول حرفه‌ای ذیل در عرصه جهاد تبیین برای مخاطبان ضروری به نظر می‌رسد:

۱. شکستن گارد مخاطب

اولین اصل در تکنیک‌های تبلیغ و تبیین که باید همیشه به آن توجه داشت شکستن گارد مخاطب است. رویدادهای سال ۱۴۰۱ موجب شده تا مخاطبین مقاومت ویژه‌ای نسبت به معارفی که از طرف ما منتقل می‌شود داشته باشند. برای مثال با ورود به یک دبیرستان بعضی از دانش‌آموزان تلاش می‌کنند که به فرد اجازه گفت‌وگو ندهند. حتی در دانشگاه‌ها نیز تلاش برخی بر این است که به صحبت‌های طرف مقابل گوش ندهند. این مسئله راهبرد جریان ضدانقلاب برای مقابله با جریان انقلابی است تا جلوی ایجاد گفت‌وگو و مفاهمه را بگیرد. لیدرهای ضدانقلاب می‌گویند سخن طرفداران حاکمیت را گوش ندهید و به آن‌ها اجازه حرف زدن ندهید. اغلب آن‌ها نیز با استناد به این جمله که «۴۳ سال است که حرف شما را شنیده‌ایم! دیگر کافی است» یا «مگر مجلس قبلی چه کار کرده که باز هم رأی بدهیم؟» از گفت‌وگو فاصله می‌گیرند.

این مقاومت نیز گاهی با شوخی و گاهی با همراه شدن با او صورت می‌پذیرد. می‌توان با این جمله آغاز کرد: «مگر شما اعتراض نداری؟ من هم اعتراض دارم. من هم مثل شما به گرانی و اختلاس و بسیاری از مشکلات اعتراض و انتقاد دارم. مثلاً حرف شما این است که صنعت خودرو ضعیف است، من هم می‌گویم ضعیف است.» با این روش، مقاومت طرف مقابل شکسته می‌شود و راحت‌تر می‌توان با او درباره مسائل بعدی گفت‌وگو کرد.

۲. تخاطب واقعی

دومین مورد از این تکنیک‌ها تخاطب واقعی است. تخاطب واقعی به معنای گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره و مستقیم است. بخش عمده‌ای از عمر افراد در فضای مجازی می‌گذرد. فضای مجازی یک فضای اقماعی نیست؛ بلکه فضایی خشن است. وقتی یک فرد محتوایی منتشر می‌کند، دیگران به او توهین می‌کنند و این مسئله به صورت متقابل است؛ یعنی فضا به صورت کاملاً تقابلی است و تخاطب اتفاق نمی‌افتد؛ در حالی که در فضای حقیقی گفت‌وگو رخ می‌دهد.

یکی از فواید فضای واقعی و گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره این است که دلیل شکل‌گیری شبهه در ذهن مخاطب مشخص می‌شود. بیشتر شبهات این‌گونه است که افراد یک مسئله را مطرح می‌کنند؛ مثلاً «جمهوری اسلامی به زن ظلم می‌کند!» حال آنکه دلیل شکل‌گیری این شبهه برای آن‌ها متفاوت است. برای مثال یکی از آن‌ها شب گذشته مورد بداخلاقی شوهرش قرار گرفته و او را نماد حاکمیت می‌داند. در نتیجه می‌گوید جمهوری اسلامی به زنان ظلم می‌کند. اگر در پاسخ به این فرد، افزایش تعداد ورزشگاه‌های بانوان با پیشرفت‌های دیگر مطرح شود، شبهه او پاسخ داده نخواهد شد. مهم‌ترین فایده تخاطب و گفت‌وگوی واقعی این است که ابتدا ریشه شکل‌گیری شبهه کشف می‌شود. یا برای خانم‌هایی که کشف حجاب کرده‌اند، نمی‌توان یک نسخه مشترک تجویز کرد؛ هرکدام از آن‌ها عقیده‌ای دارند: یکی می‌گوید اسلام را قبول ندارم. دیگری می‌گوید با تحقیقاتی که انجام داده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که حجاب واجب نیست و مستحب است. فرد دیگری می‌گوید پدرم مرا به این کار مجبور کرده بود، می‌خواستم او را اذیت کنم. یک نفر می‌گوید می‌خواهم این نظام ساقط شود. شخص دیگری می‌گوید نمی‌خواهم اجبار بالای سرم باشد. اگر اجبار را بردارید من پوشیه هم می‌زنم.

بنابراین ما نمی‌توانیم برای همه یک نسخه واحد بپیچیم. تنها راه فهم این مسئله گفت‌وگوست. گاهی یک فرد مشکل اعتقادی و گاهی فرد دیگری مشکل ذهنی دارد و این نظام را کارآمد نمی‌داند و تصور می‌کند که نظام به زنان ظلم کرده است. فایده تخاطب واقعی شناخت روحیه طرف مقابل و فهم نقاط اشتراک و افتراق با اوست.

۳. اقناع مخاطب

سومین تکنیک در حوزه تبلیغ و جهاد تبیین اقناع مخاطب است نه وادار کردن او. جهاد تبیین به معنای قانع کردن مخاطب است. گاهی اوقات در طی گفت‌وگو فرد مقابل ساکت می‌شود؛ اما مسئله اصلی ساکت کردن نیست؛ بلکه قانع شدن طرف مقابل است. مثلاً در مسئله انتخابات باید طرف پذیرد که بیاید پای صندوق و در صف بایستد تا رأی بدهد. البته گاهی اوقات در طی گفت‌وگو مطالبی گفته می‌شود که طرف مقابل را به فکر فرومی‌برد. این مسئله ایرادی ندارد؛ اما باید به این نکته توجه شود که هدف نهایی اقناع و جا انداختن موضوع برای مخاطب است تا کاری انجام دهد.

۴. پاسخ به سؤالات مخاطب

چهارمین نکته مربوط به این است که باید سؤال مخاطب جواب داده شود. گاهی اوقات فرد تنها به دنبال پاسخ سؤال خودش است و کاری به مخاطب ندارد. عموم کسانی که منبر می‌روند، دغدغه خودشان را می‌گویند. برای مثال دغدغه همه طرفداران نظام این است که چرا نظام با اغتشاشگران مماشات می‌کند و باید دیگر کار را تمام کند. اما شبهه مخاطب اصلاً این نیست؛ مخاطب می‌گوید: چرا نیروی انتظامی مردم را با باتوم می‌زند؟! و این کاملاً متفاوت است. گاهی در یک مدرسه سؤال دانش‌آموزان این است که چرا جلوی بی‌حجابی را نمی‌گیرند! در مدرسه دیگری حرف همه این است که ما حجاب نمی‌خواهیم. پس باید دقت کرد که سؤال مخاطبان چیست. یا در مسئله انتخابات گاهی می‌گویند مجلس کار نکرده پس من شرکت نمی‌کنم. گاهی می‌گویند نظام را قبول ندارم و شرکت نمی‌کنم.

۵. داشتن منطق صحیح پاسخگویی

اگر در یک مسئله منطق صحیح آن به کار گرفته شود، بسیاری از شبهات پاسخ داده می‌شود. برای مثال در حوزه چرایی کمک به محور مقاومت سؤالات زیادی مطرح شده که در

اذهان بسیاری از افراد بی‌پاسخ مانده است، اما پاسخ ساده است. تمام پولی که ما به کشورهای محور مقاومت مانند عراق و سوریه و یمن داده‌ایم به چه میزان است؟ در سال ۲۰۰۰ بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر آمریکا نقشه‌ای با عنوان خاورمیانه جدید منتشر کرد در آن نقشه قرار بود در یک افق ۲۰ ساله کشورها تجزیه شوند.^۱

ترامپ اعلام کرد در سال ۲۰۲۰ آمریکا برای شکل‌گیری خاورمیانه جدید ۷ هزار میلیارد دلار خرج کرده است. این رقم بالاتر از هزینه جنگ جهانی دوم بوده است. کل بودجه نفت ایران از ابتدای اکتشاف تا به امروز ۱۳۰۰ میلیارد دلار بوده است. همچنین ترامپ اعلام کرد که ایران ۱۶ میلیارد دلار در منطقه هزینه کرده است.^۲ سال ۲۰۲۰ تمام شد. حال چه کسی پیروز شد؟ این در حالی است که اگر جنگ به وقوع می‌پیوست، ایران می‌بایست هزینه بسیار بالاتری متحمل می‌شد. خانم سوزان مالونی در کتاب اقتصاد سیاسی ایران بعد از انقلاب می‌نویسد حداقل خسارت ایران در جنگ تحمیلی ۵۹۶ میلیارد دلار بوده است. نکته حائز اهمیت این است که آن ۱۶ میلیارد دلار از محل بودجه اقتصادی کشور خرج نشده است؛ بلکه از محل بودجه نظامی استفاده شده است. مسئله اساسی اینجاست که ضعف اقتصادی به پای توانمندی نظامی گذاشته می‌شود.

۶. دانش کافی و مرتبط

داشتن دانش کافی یکی از شروط مهم برای پاسخ به شبهات است. فرد باید در زمینه‌هایی که ذهن مخاطب با آن درگیر است اطلاعات کافی داشته باشد و این موضوع ناشی از اشراف کلی و مطالعه است. تنها در این صورت است که می‌توان در گام بعدی به شبهات ذهنی مخاطبین پاسخ داد. برای مثال پاسخ‌دهندگان به شبهات می‌بایست چه در زمینه ایران قبل از

1. Ralph Peters, "Blood borders: How a better Middle East would look", Armed Forces Journal (AFJ), (June

۲. برای تماشای فیلم پیام نوروزی ترامپ به صفحه زیر مراجعه کنید: (<http://www.4307511-trump-year-now/a7News.com>).

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

انقلاب و چه نقاط قوت و ضعف ایران پس از انقلاب و همچنین وضعیت دیگر کشورها اطلاعات کافی داشته باشند. یا در مسئله انتخابات مثلاً وظایف و اختیارات خبرگان را بشناسند و به اهمیت آن واقف باشند. یا نسبت به عملکرد مجلس شورای اسلامی آگاهی داشته باشند.



شیوه‌های پاسخ به شبهات انتخاباتی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات

۱. با وجود اینکه انتخابات وظیفه‌هر ایرانی است، بعضی افراد به این بهانه که حکومت ما، حکومت شایسته‌ای نیست و تبعیض در جامعه وجود دارد، شرکت نمی‌کنند چگونه می‌توان این افراد را توجیه کرد؟

معمولاً آن‌هایی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، در قالب سه گروه قابل ارزیابی‌اند. عده‌ای بر اثر مخالفت با نظام، هرگونه عملی را که موجب تقویت نظام شود نفی می‌کنند و از آنجایی که انتخابات نیز موجب مشروعیت‌بخشی به نظام کنونی خواهد شد، طبیعتاً در آن شرکت نمی‌کنند. عده‌ای نیز بر اثر تبلیغات سوء شرکت نمی‌کنند که عدم شرکتشان، نه به خاطر مخالفت با نظام، بلکه تحت تأثیر تبلیغات منفی گروه اول است. گروه سوم نیز بر اساس بی‌توجهی و شاید هم ناآگاهی سیاسی در انتخابات شرکت نمی‌کنند؛ چون به اهمیت این شرکت واقف نیستند.

در علوم سیاسی پدیده‌ای را که در مقابل مشارکت سیاسی مطرح می‌کنند، بی‌تفاوتی سیاسی (Political Apathy) نام دارد. البته بعضی نیز آن را بی‌اعتنایی، کناره‌گیری یا عزلت سیاسی نیز ترجمه کرده‌اند. در مورد علل پیدایش این نوع بی‌تفاوتی، بحث گسترده‌ای وجود

دارد که بیشتر در روان‌شناسی سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال گفته می‌شود در مجموع، سه دسته عوامل روان‌شناسانه، اقتصادی اجتماعی، و سیاسی در پیدایش این وضعیت مؤثرند.

از نظر روان‌شناسی مشاهده شده که در شرایطی که افسردگی، احساس یأس و احساس تنهایی در میان عامه مردم یا بخش‌هایی از آن‌ها گسترش پیدا کند، عزلت سیاسی و بی‌تفاوتی سیاسی نیز پدید می‌آید.

در خصوص عوامل اقتصادی و اجتماعی، معمولاً مشاهده شده که افزایش میزان آموزش، بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی، افزایش ثروت و شهرنشینی و بالاخره افزایش دسترسی به ارتباطات، میزان بی‌تفاوتی سیاسی را کاهش می‌دهد. از نظر سیاسی نیز معمولاً در رژیم‌هایی که مشارکت سیاسی تشویق نمی‌شود و با تشکیل گروه‌ها و نهادهای مستقل مخالفت می‌شود، مشارکت سیاسی نیز محدود است.^۱

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که علت اصلی کناره‌گیری بخشی از مردم، بی‌تفاوتی سیاسی است که این بی‌تفاوتی، محصول عوامل روانی، اقتصادی و سیاسی است. با این حال، می‌توان بخشی از همین مخالفین را با روش‌های ذیل، راضی به شرکت در انتخابات کرد.

یک: ابتدا باید این‌گونه افراد را با ادله صحیح قانع کرد که منکر برخی بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها در سطوح جامعه نیستیم، اما باید توجه داشت که این تبعیض‌ها در نظام اسلامی یک امر ناخواسته و تحمیلی است که باید با آن برخورد شود. علت اصلی شکل‌گیری نظامی به نام «جمهوری اسلامی ایران» ایجاد و اجرای عدالت است. حال اگر در برخی سطوح جامعه ما، برخی از مدیران تبعیضات ناروایی را اعمال می‌کنند، این مسئله را نباید به تمام ارکان نظام تسری داد.

۱. انتخابات ریاست جمهوری؛ مظهر اقتدار ملی، گروه تحقیق دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی،

چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۲۳.

دو: در مرحله بعد باید به این‌گونه افراد گفت که بر فرض هم ایراداتی بر حکومت وارد باشد و تبعیض در آن وجود داشته باشد، آیا این امر موجب خواهد شد تا از حق قانونی و ملی خود که همانا شرکت در انتخابات و استیفای حقوق خود است بگذریم؟! اصلاً در یک جامعه‌ای، بر فرض تبعیض وجود داشته باشد، در این صورت شرکت در انتخابات امری لازم است؛ چرا که می‌توانیم با انتخاب انسان‌های شایسته، مدیران ناصالح و غیرمتعهد را کنار بزنیم و حکومت شایسته‌ای روی کار آوریم. آیا با کناره‌گیری از انتخابات و با شرکت نکردن در انتخابات، مشکلات حکومت حل می‌شود؟! آیا با عدم حضور ما در صحنه، آن عده از مدیران ناصالح با دلگرمی بیشتر به تبعیض‌های ناروای خود ادامه نخواهند داد؟

سه: باید به آن‌هایی که به بهانه‌های مختلف در انتخابات شرکت نمی‌کنند، متذکر شد که شرکت در انتخابات یک حق و یک وظیفه ملی و اسلامی است و بی‌تفاوتی در مقابل این حق، خیانت به اسلام و کشور است. همان‌طور که حضرت امام خمینی علیه السلام معتقدند: «باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی [انتخابات] خیانت به اسلام و کشور است و موجب مسئولیت عظیم است»^۱

همچنین باید از منظر «شرعی» به آنان خاطر نشان کرد که شرکت در انتخابات یک امر شرعی و دینی است و شرکت نکردن در آن حرام است. این سخن را می‌توان با استناد به کلام برخی از بزرگان بیان نمود. به عنوان نمونه حضرت امام علیه السلام معتقدند: «باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف، همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند»^۲ همین‌طور می‌توان به فتوای بسیاری از مراجع کنونی اشاره نمود که در آستانه هر انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مقلدان خود و عموم مردم را به شرکت در این امر فرامی‌خوانند و این مسئله را یک تکلیف شرعی و دینی قلمداد می‌نمایند.

۱. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳.

۲. پیشین، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

چهار: یک جهت قضیه هم به خود مسئولین و همه دلسوزان نظام برمی‌گردد. اگر فضای کشور در آستانه هر انتخاباتی، سالم و رقابتی باشد و اگر این فضا آرام و دلنشین باشد و مردم هم احساس کنند که رأی آنان نافذ و مؤثر است، قطعاً بسیاری از مردم به سمت شرکت در انتخابات تشویق خواهند شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد می‌فرمایند: «... کاری کنیم که فضای کشور در آستانه انتخابات، یک فضای معتدل، آرام و دلنشین باشد، تا مشوق مردم برای انتخابات شود.»^۱ بی‌گمان هر وقت فضای کشور در آستانه انتخابات، سالم و غیر مسموم باشد، رغبت مردم برای شرکت در این امر مهم بیش از پیش خواهد بود. اما باید دانست برخی هم که از اساس با این نظام مخالف‌اند و با هرگونه عملی که موجب تقویت و تحکیم و نظام جمهوری اسلامی شود مخالف‌اند، با هیچ استدلال و منطقی، راضی به شرکت در انتخابات نخواهند شد و طبیعتاً بحث و مناظره با این‌گونه افراد غیر مؤثر و بیهوده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. انتخابات و مردم، علی شیرازی، مؤسسه فرهنگی خادم الرضا، قم، ۱۳۸۲.
۲. انتخابات ریاست جمهوری؛ مظهر اقتدار ملی، گروه تحقیق دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، تهران، ۱۳۸۰

۲. روش‌های دشمنان برای کم‌رنگ شدن انتخابات و راهکارهای مقابله با آن چیست؟

بی‌گمان، بررسی موانع مشارکت مردم در انتخابات و ارائه راهکارهای مثبت در جهت رفع آن‌ها موجب ازدیاد شور و حال در این انتخابات خواهد بود. در این نوشتار سعی شده است تا با بررسی موانع پیش روی شرکت در انتخابات به به تبیین این مشکل پرداخته و راهکارهای در این خصوص ارائه شود:

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۸۳/۶/۹.

موانعی که به طور معمول از اجرای انتخابات پرشور و با مشارکت حداکثری جلوگیری می‌کند به دو قسم موانع درونی و موانع بیرونی قابل تقسیم هستند:

۱. موانع درونی

منظور از موانع درونی آن موانعی است که از درون طراوت و شادابی انتخابات را مورد تهدید قرار می‌دهد. می‌توان برخی از این موارد را با توجه به کلام امام و رهبری ارزیابی کرد:

الف) دلسرد کردن مردم: از جمله موانع درونی شرکت مردم در انتخابات، دلسرد کردن مردم است. یکی از نقشه‌های حساب شده دشمنان خارجی و داخلی، دلسرد کردن و مأیوس نمودن مردم و در نتیجه نهادینه کردن بی‌انگیزگی در آنان است. دلسرد کردن مردم، عموماً از دو راه صورت می‌پذیرد.

ب) ایجاد شک و دودلی: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام می‌فرمایند: «مبادا در روزنامه یا رسانه‌ای _ به هر نحوش _ یا در تبلیغاتی، طوری حرف زده بشود که مردم را نسبت به انتخابات دودل بکنند... مبادا کسانی در داخل محدوده نظام اسلامی پیدا بشوند که به این خواسته دشمن کمک کنند. به علت اختلافی که با زید و عمر و بکری دارند، برای خاطر یک امر جزئی، کم‌اهمیت و احیاناً شخصی یا گروهی، بیایند مردم را نسبت به این حقیقت عظیم _ که حضور آن‌ها را در صحنه نشان می‌دهد _ مردّد و دلسرد بکنند.»^۱

ج) تبلیغ ضعف مدیریت: یکی دیگر از مواردی که موجب دلسرد کردن مردم در انتخابات می‌شود، تبلیغ ضعف مدیریت مدیران عالی نظام است. ایشان تأکید می‌کنند: «... از عوامل دیگری که از موجبات واگرایی مردم است، تبلیغ ضعف مدیریت در کشور و نبود اقتدار است که متأسفانه تبلیغات گوناگونی از جناح‌های مختلف کشور وجود دارد که انسان از این رنج می‌برد.»^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۱۰/۱۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۸۲/۶/۵.

د) وجود تبعیض و بی‌عدالتی

از دیگر موارد موانع درونی می‌توان به «وجود تبعیض و بی‌عدالتی» توسط برخی مسئولان اشاره نمود. رهبر انقلاب در این مورد تأکید می‌کند: «... مسئله دیگری که از موجبات واگرایی و دلسرد شدن مردم است، تبعیض‌ها و فرصت‌های اختصاص داده شده به اشخاص است که گاهی مشاهده می‌شود...»^۱

ه) تبلیغ سوءِ برخی افراد و گروه‌های منحرف

انحراف برخی افراد و گروه‌ها موجب خواهد شد تا موجبات بدگمانی و در نتیجه دلسرد شدن مردم فراهم آید. حضرت امام علیه السلام می‌فرمایند: «آن مقدسی که خیال می‌کند که کنار نشسته و دخالت در امور اسلامی نمی‌کند، او بر خلاف اسلام دارد رفتار می‌کند. اگر خدای نخواستہ یک همچو آدمی باشد، آن آدمی که به واسطه اینکه مثلاً یک چیز اعوجاجی از یک نفر می‌بیند یا از یک گروهی می‌بیند کنار برود، این برخلاف مصالح اسلام عمل می‌کند...»^۲

۲. موانع بیرونی

منظور از موانع بیرونی آن موانعی است که از بیرون طراوت و شادابی انتخابات را مورد تهدید قرار می‌دهد. بزرگ‌ترین مانع بیرونی همان تبلیغ دشمنان است. بی‌گمان، دشمنان ملت ایران درصدد یافتن راه‌های مختلف در جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی‌اند. یکی از این راه‌ها تبلیغ منفی در جهت کاستن از حضور گسترده مردم در انتخابات مختلف است. در این مورد به چند شیوه متوسل می‌شوند:

الف) با پاشیدن بذر تردید و شک و بدبینی، درصدد کم‌رنگ کردن شور مردمی هستند. رهبر معظم انقلاب این توطئه دشمن را خاطر نشان کرده و هشدار می‌دهند: «دشمن می‌خواهد مردم را

۱. همان.

۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۰۵.

نسبت به آینده خودشان بدبین و ناامید کند... دشمن می‌خواهد بگوید مردم ایران نسبت به مسئولینشان خوش‌بین نیستند و به آن‌ها اعتماد ندارند. دشمن می‌خواهد بگوید فاصله میان مردم و مسئولین به وجود آمده و این فاصله هر روز بیشتر می‌شود. این چیزها را دشمن دارد تفهیم می‌کند و سم‌پاشی می‌کند. دشمن می‌خواهد بذر تردید و شک و بی‌اعتمادی و بدبینی در جامعه پیاشد.^۱

ب) با پخش شایعاتی از قبیل وجود تقلب در انتخابات در پی نیل به خواسته‌های شوم خود هستند. به تعبیر مقام معظم رهبری علیه‌السلام، «دشمن به همان اندازه‌ای که از اجتماع آرا در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم در صدد است که اگر این تجربه به وسیله ملت ایران با موفقیت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدتی پیش دارند برای این قضیه برنامه‌ریزی می‌کنند. شایعه تقلب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و مَثَل درست کردند و در دهان مردم انداختند...»^۲

راهکارها

در مقابل این موانع، راهکارهایی را می‌توان پیش‌بینی نمود. این راهکارها می‌تواند برون‌رفتی مناسب از حصار موانع باشد:

۱. تشویق به شرکت در انتخابات

مبلمان و نخبگان جامعه می‌توانند با تشویق مردم به شرکت در انتخابات، موجب پرشوری این انتخابات شوند. حضرت امام علیه‌السلام در وصیت‌نامه خویش تأکید می‌کنند: «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات در صحنه باشند...»^۳ و به این طریق مردم را

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۶۸/۷/۲۷.

۲. همان، ۷۶/۲/۳۱.

۳. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۷.

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

تشویق به شرکت در این امر مهم می‌نمایند. ایشان همچنین با گوشزد کردن این مهم که حفظ اسلام در گرو شرکت مردم در انتخابات است، همگان را به شرکت در انتخابات تشویق و خاطرنشان می‌کنند: «مردم اگر اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می‌خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند.»^۱

۲. ایجاد فضای متعادل

ایجاد فضای متعادل و عقلایی در جامعه می‌تواند بر کثرت حضور مردم در انتخابات بیفزاید. مبلغان به‌ویژه آنان که مسجد، هیئت یا پایگاهی در بین مردم دارند، باید تلاش کنند در محدوده مخاطبان خود این فضای متعادل را ایجاد سازند. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، جلسات گفت‌وگو محور می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد چنین فضایی باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام معتقدند: «مردم به انتخابات علاقه دارند. آنچه مردم را می‌راند، برخی از صحنه‌های ناخشنودکننده‌ای است که در سطوح ماها به چشم آن‌ها می‌آید. فضا باید متعادل، منطقی و عقلایی باشد. گفت‌وگوی انتقادی اشکالی ندارد، اما گفت‌وگو با های وهوی فرق دارد. در مردم‌سالاری اسلامی، گفت‌وگو با عربده‌کشی و چاقوکشی در بعضی از دموکراسی‌ها تفاوت دارد.»^۲

۳. رعایت امانت در انتخابات

از جمله راهکارهایی که می‌تواند موانع شرکت گسترده در انتخابات را از سر راه بردارد، رعایت «اصل امانت» در انتخابات است: معظم‌له تأکید می‌کنند: «مردم باید احساس کنند که در کار انتخابات، خدانا کرده، دخالت و سوءاستفاده‌ای نیست؛ مردم باید بدانند که اجازه

۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۸۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۸۲/۵/۱۵.

سوءاستفاده به کسی داده نمی‌شود تا از روی میل و رغبت در انتخابات شرکت نکنند. باید انتخابات از روی نهایت امانت انجام بگیرد.^۱ مبلغین عزیز باید به مردم اطمینان بدهند که علاوه بر امانت‌داری مسئولین نظام، سیستم انتخابات در ایران به گونه‌ای است که امکان تقلب گسترده در آن نیست.

۴. برآوردن توقعات مردم

بی‌گمان، برآورده کردن انتظارات و توقعات مردم موجب خواهد شد تا نوعی علاقه در آنان واقع و به ترغیب شرکت در انتخابات منتج شود. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «مردم از اعماق وجودشان نظام اسلامی را می‌خواهند؛ منتها از این نظام اسلامی توقعاتی دارند و این توقعات باید برآورده شود. این توقعات، به حق هم هست. توقع عدل و رفاه و پیشرفت در امور زندگی و برطرف شدن مشکلات و کم شدن شکاف‌های طبقاتی، این توقعات توقعاتِ درستی است؛ همین چیزهایی است که اسلام به ما و مردم یاد داده. این‌ها تعلیمات اسلامی است.»^۲

روش‌ها و راهکارهای افزایش مشارکت در انتخابات

مشارکت سیاسی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی و اختیاری که اعضای یک جامعه انجام می‌دهند تا به وسیله آن در انتخاب حاکمان و سیاستمداران ایفای نقش کنند و به این ترتیب به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی مشارکت کنند. مشارکت سیاسی امروزه یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه محسوب می‌شود. با نگاهی به کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته درمی‌یابیم که مردم در آن کشورها در برابر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود بی‌تفاوت و منفعل نیستند و همواره در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲۶/۱۰/۷۴.

۲. همان، ۱۳/۱۲/۸۱.

می‌کنند. مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی هر کشور و جامعه علاوه بر آثار و برکاتی که در همبستگی اجتماعی و وفاق ملی دارد، در بُعد بین‌المللی نیز اثرات قابل توجهی دارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «ما می‌بینیم که پشتوانه مردم از نظام و از مسئولین چقدر در محاسبات ابرقدرت‌ها مؤثر است. آن‌ها اگر احتمال می‌دادند که مردم ما در مسائل کشور بی‌تفاوت‌اند، به آینده کشور خود نمی‌اندیشند، به نظام سیاسی کشور نمی‌اندیشند، به خطوط سیاسی که از متن اسلام برگرفته شده، بی‌اعتنا هستند، بدانید فشارهایشان روی جمهوری اسلامی چندبرابر می‌شد. چون امیدوار بودند که بتوانند دولت‌مردان و مسئولان را با فشار به یک طرف متمایل کنند. اما امروز چنین چیزی محال است چون که مسئولان از یک پشتوانه مردمی برخوردارند. آن هم مردمی که در همه این مسائل فکر می‌کنند.»^۱ همچنین ایشان به طور مکرر فرموده‌اند که آنچه مهم است، مشارکت حداکثری است و اینکه نفس مشارکت از انتخاب فرد اصلح بسیار مهم‌تر است.^۲

با توجه به مقدمه‌ای که ذکر شد و با توجه به اینکه مشارکت عمومی یکی از شاخصه‌های اصلی نظام توسعه‌یافته و دموکراتیک محسوب می‌شود، باید دید که چه عوامل و زمینه‌هایی می‌توانند در مشارکت عمومی مردم در امور سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار باشند و راهکارهایی که موجب مشارکت حداکثری مردم می‌شوند کدام‌اند؟
به طور کلی روش‌ها و راهکارهایی که برای مشارکت عمومی و سیاسی مردم به کار برده می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه

دین یکی از مؤلفه‌های اصلی و مهم و موتور محرکه جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در

۱. پرسش و پاسخ، سید علی خامنه‌ای علیه‌السلام، ج ۳، ص ۳.

۲. برای مثال رک: بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در جمع مردم جیرفت، ۱۳۸۴/۲/۱۷.

جامعه است. متغیر مستقل دین در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. تأثیر دین در گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ به ویژه در جهان اسلام انکارناپذیر است. ابن‌خلدون، جامعه‌شناس بزرگ اسلامی، درباره نقش دین در مشارکت می‌گوید: «دین در بین نیروها وحدت می‌آفریند، رقابت‌ها را از بین می‌برد و به افراد روحیه ایثار می‌دهد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت‌های وسیع می‌انجامد. چنانچه باورهای مذهبی به دلیل تجمل‌پرستی و... به رکود گراید، وحدت اجتماعی متزلزل می‌گردد.» از این رو یکی از اهداف استعمارگران در سکولاریزه کردن جوامع مسلمان، بی‌تفاوت ساختن آنان در قبال سرنوشت اجتماعی خود و زمینه‌سازی برای تسلط آسان بر این جوامع است؛ چراکه دین اسلام جامع امور دنیوی و سیاسی و معنوی و انگیزه مهمی در تقویت مشارکت مسلمانان است. ولی سکولاریسم قائل به این است که دین با سیاست ارتباطی ندارد و در پی بی‌تحرك کردن توده‌های جامعه و مسلمانان است و با این عقیده به دنبال این است که مسلمانان تنها به عبادت پردازند و از مسائل و امور اجتماعی و سیاسی غافل بمانند.

بنابراین با تبیین صحیح جایگاه دین و مبانی دینی در جامعه و جلوگیری از افکار انحرافی می‌توان مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی را بالا برد؛ چرا که دین واقعی طالب مشارکت عمومی است و به عبارتی، دین واقعی ذاتاً مشارکت‌جوست.

۲. اطلاع‌رسانی و بالا بردن سطح آگاهی مردم

یکی از موانع مشارکت عمومی ناآگاهی است؛ به گونه‌ای که قشر زیادی از جامعه نسبت به توان خود ناآگاه‌اند. از آنجایی که در رژیم گذشته اکثریت بزرگی از جامعه در خارج از صحنه قرار داشتند و در هیچ تصمیم‌گیری مشارکت نمی‌کردند، به طور عملی به انزوا کشانده و ایمان به توان خویش را از دست داده بودند. عدم ایمان به توان خویش هنوز هم در قشر زیادی از جامعه وجود دارد. از طرفی یکی از دلایل شرکت فرد در امور سیاسی و اجتماعی

پیوستن به جمعیتی است که به‌گونه‌ای آرزوها، ارزش‌ها، نارضایتی‌ها و برداشت‌های او را منعکس می‌کند. در دوره جوانی که فرد می‌خواهد هویت مستقلی در جامعه به دست آورد، پیوستن به گروه‌های سیاسی یا اجتماعی را برای این کار برمی‌گزیند. وابستگی‌ها و آگاهی‌های هر فرد به‌گونه‌های مختلف بروز می‌کند که پیوستن به گروه‌ها و هیئت‌های دلخواه، یکی از این روش‌هاست. در این روند نقش آگاهی‌های عمومی در گسترش مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی غیرقابل انکار است. درجه آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان با میزان و کیفیت جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی به منابع تغذیه اطلاعاتی رابطه‌ای مستقیم دارد.^۱

معمولاً گرایش‌های حزبی، صنفی، گروهی، اجتماعی و سیاسی مردم و واکنش آنان در برابر عملکرد حکومت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به پیش‌زمینه آگاهی بستگی دارد. در این میان هر چند داشتن تحصیلات بالا و مدرک تحصیلی به‌تنهایی نشان‌دهنده ارتقای آگاهی‌های عمومی در مسائل یاد شده نیست، ولی بی‌سوادی و عدم دسترسی به اطلاعات حقوقی، اداری، فنی، مانع اصلی سازمان‌دهی نیازهای مشترک و چگونگی مشارکت برای برآوردن آن‌هاست. آگاهی‌های عمومی علاوه بر گسترش مشارکت، افراد را در برابر تهاجم اخبار و تبلیغات بیگانه مقاوم‌تر می‌سازد. تحقیقات نشان‌دهنده این است که افراد با اطلاعات سیاسی متوسط، بیشتر از کسانی که دارای اطلاعات وسیع هستند، مستعد تغییر عقیده‌اند و رسانه‌های جمعی نیز از این موقعیت استفاده کرده و برای تغییر عقیده قشر متوسط^۲ تلاش می‌کنند. بنابراین، می‌توان با گسترش عرضه مطالب و اطلاعات برای آشنایی مردم با مبانی قانون اساسی و دیدگاه اسلام درباره مشارکت از طریق رسانه‌های گروهی و

۱. رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، سعید کریمی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۶۲.

۲. ر.ک: به کتاب مک کونل، ترجمه پرویز اجلائی، نظریه‌های ارتباط جمعی، انتشارات صدا و سیما.

همچنین تبلیغ احادیث اسلامی و سخنان امام خمینی علیه السلام یا مقام معظم رهبری علیه السلام در زمینه مشارکت عمومی، به افزایش مشارکت عمومی دامن زد.

۳. جلوگیری از تسلط گروه‌های ذی نفوذ

مشارکت عمومی به طور طبیعی قدرت تصمیم‌گیری را توزیع می‌کند و آن را از انحصار گروهی خاص بیرون می‌آورد. در چنین شرایطی آنان که قدرت فائده در تصمیم‌گیری دارند، نمی‌توانند از آن خشنود باشند. از این رو با روش‌های مختلف به عدم تحقق مشارکت عمومی کمک می‌کنند. شبهات دینی، اشکالات سیاسی، اقتصادی چیزی جز تخریب و بی‌اعتبار ساختن این نوع فعالیت‌ها نیست که همه آن‌ها به انگیزه بیرون راندن عموم مردم از صحنه فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی ... انجام می‌گیرد.

بنابراین با جلوگیری از تسلط این گروه‌ها بر ارکان سیاسی و اقتصادی جامعه و حفظ عدالت اجتماعی می‌توان عموم مردم را به مشارکت در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ترغیب کرد.

۴. عملکرد فقها در از بین بردن ابهامات فقهی

بدون شک یکی از موانع مشارکت عمومی، برداشت‌های فقهی مختلفی است که فقها و صاحب‌نظران ارائه می‌دهند. از آنجایی که فقه مبتنی بر اجتهاد است، طبیعی است که با توجه به مدارک احکام و برداشت استنباط‌کنندگان در هر موضوعی جواب‌های گوناگون داشته باشند. به ویژه که در فقه عنوان مخصوصی به نام «مشارکت عمومی» و به طور مستقل وجود ندارد و آنچه که به نام واجب کفایی در فقه وجود دارد، در موضوعات محدود منحصر شده است و پاره‌ای از مسائل و موضوعات به طور ماهوی از دایره آن خارج است. از این رو در مواردی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عرصه مشارکت عمومی در نظر گرفته است، فقه نیازمند فقهای پرجرئت است که بتوانند با دیدی وسیع‌تر به منابع احکام بپردازند و راه‌های عملی جدیدی برای پیاده کردن مشارکت عمومی ارائه دهند. این نوع کار نیازمند فقهایی است

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

که موارد را مقید به قواعد کلی احکام ندانند و تفریع اصول معصومین علیهم‌السلام را وظیفه اصلی مجتهد تلقی کنند.^۱

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، انتشارات دفتر تبلیغات.
۲. نظریه‌های ارتباط جمعی، مک کوئل (پرویز اجلالی)، انتشارات صدا و سیما.
۳. حسین بشیریه، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، نشر علوم نوین.

بایدهای حضور حداکثری در انتخابات

ثبات هر نظامی، بسته به میزان مقبولیت عمومی و مشارکت حداکثری همسو، در عرصه‌های مختلف آن است و این اصلی است که نسبت به جوامع مختلف جاری و ساری است؛ به این معنا که هیچ اجتماع بشری نمی‌تواند خود را از این قاعده مستثنا کند؛ زیرا مشارکت عمومی و عدم آن در قوام نظامات حاکم بر جوامع بشری و زوال آن‌ها امری بدیهی و انکارناپذیر است.

آنچه امروزه به عنوان دموکراسی (با مدل‌های مختلف آن) در جهان مطرح است، فرایندی است که به منظور جلب آرا و مقبولیت عمومی طراحی گردیده و در پی همگانی کردن حکومت‌ها با عناوین نه‌چندان تمامی مانند «حکومت مردم بر مردم» است. البته این سؤال که آیا دموکراسی با همه آوازه‌ای که پیدا کرده است، توانسته است شاهد موفقیت‌هایی در راستای اهداف خود باشد یا خیر، بحث دیگری است. اما رویکرد مثبت‌گرایانه دموکراسی (لااقل در حد ادعا) نسبت به جلب مشارکت عمومی و حضور حداکثری آحاد جامعه در حکومت امری

۱. مجله حوزه، آذر و دی ۱۳۶۶، شماره ۲۳، ص ۱۱۱.

انکارنشدنی است؛ زیرا این مدل نظام سیاسی، حضور آحاد جامعه را منشأ استحکام پایه‌های نظام حاکم بر آنان می‌داند. البته نیازمندی حکومت‌ها به جذب آرای عمومی همسو چیزی نیست که مختص جوامع دموکراتیک باشد؛ بلکه جوامع غیردموکرات نیز بر این مهم اذعان دارند و به این دلیل است که حتی حکومت‌های توتالیتری و دیکتاتوری و... که غالباً منشأ تحقق آن‌ها رضایت عمومی نبوده است، در بقا محتاج جلب مقبولیت حداکثری بوده‌اند و در راه تحصیل آن می‌کوشیده‌اند.

با حفظ مقدمه یاد شده، آنچه مهم است چگونگی دستیابی به مشارکت عمومی و حضور حداکثری جامعه در لایه‌های مختلف نظام حاکم بر آن‌هاست. بدیهی است یکی از راه‌های کشف مشارکت مردمی و اذعان به حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف تصمیم‌گیری، انتخابات است.

در فرهنگ سیاسی، انتخابات به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن کسانی یک یا چند نامزد را برای انجام دادن کار معین برمی‌گزینند. انتخابات انواع گوناگون دارد. هر رأی‌دهنده ممکن است فقط به یک نامزد رأی بدهد یا به چند نفر (به شرط اینکه چند کرسی نمایندگی وجود داشته باشد). انتخاباتی را که رأی‌دهندگان نمایندگان خود را مستقیماً از میان نامزدها انتخاب کنند، انتخابات یک‌درجه‌ای می‌نامند و انتخاباتی که در آن رأی‌دهندگان نخست به کسانی رأی دهند که آن کسان نمایندگان اصلی را از میان خود انتخاب کنند، انتخابات دودرجه‌ای می‌نامند.^۱

بنابراین غرض اصلی از برگزاری انتخابات تحصیل پشتوانه حداکثری برای نظام حاکم یا نظامی است که بنای حاکمیت دارد. از این‌رو هرگاه مشوب به تقلب و انحراف نگردد، به نحو قابل‌اعتنایی می‌تواند نسبت به مقبولیت عمومی و رأی حداکثری کاشفیت داشته باشد. اکنون که جامعه اسلامی ما خود را در آستانه انتخابات می‌بیند و با توجه به اینکه حضور

۱. ر. ک: آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ ششم، ۱۳۸۰، ص ۴۳.

در انتخابات با در نظر داشتن شرایط و مصالح داخلی و بین‌المللی نظام اسلامی، امری لازم است، این پرسش تولید می‌شود که از چه راهی باید به حضور حداکثری در انتخابات دست یافت و به تعبیری، باید‌های حضور حداکثری در انتخابات چیست؟

در این میان می‌توان راهکارهای مورد نظر درباره حضور حداکثری در انتخابات و باید‌های حضور حداکثری در انتخابات را چنین برشمرد:

۱. لزوم توجه حاکمیت به مطالبات عمومی: یکی از مهماتی که توجه به آن می‌تواند موجب حضور گسترده مردم در انتخابات باشد، عنایت حاکمیت به مطالبات عمومی و تلاش در راه رفع معضلات عمومی و مشکلات مردم است. در اینکه نظام اسلامی در طول این سال‌ها گام‌های بلندی در این راستا برداشته است، شکی نیست اما تکیه‌گاه مردمی نظام اقتضا دارد مسئولین امر بیش از پیش به رفع مشکلات جامعه بپردازند و فعالیت‌های کارشناسی را در راه تأمین هر چه بهتر و بیشتر مطالبات عمومی شدت بخشند و زمینه آرامش و آسایش عمومی را در کنار حفظ آرمان‌های دینی و ملی نظام جمهوری اسلامی توسعه بخشند. وجود اختلاف طبقاتی، اقتصاد ناپایدار رانت‌خواری‌های کلان در برخی لایه‌های نظام و جامعه، لابی‌گری برخی مسئولین نسبت به ترویج و اشاعه بی‌هویتی اجتماعی - اخلاقی از سوی کسانی که از موفقیت این نظام و مردم برومند ایران خرسند نیستند، از جمله آسیب‌هایی هستند که حضور عمومی مردم در عرصه‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌تواند به شدت متأثر از آن‌ها باشد. مسئولین وظیفه دارند نسبت به تأمین مایحتاج عمومی مردم به نحو احسن و با استفاده از پتانسیل‌های موجود آرام نباشند؛ چرا که به قول حضرت امام راحل علیه السلام، «ما هر چه داریم از این ملت است.»^۱ ایشان در خصوص لزوم توجه به مصالح فرمودند: «شما فکر این ملت، فکر این زاغه‌نشین‌ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شما را به مسند نشانند، فکر آن‌ها را بکنید. شب وقتی خلوت می‌کنید، فکر بکنید که من امروز که کار کردم برای خودم کار کردم یا

۱. صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ بهمن ۱۲ - ۱۳، ج ۱۳، ص ۷۲.

برای مردم؛ امروز که صحبت می‌کنم برای خودم صحبت می‌کنم یا برای مصالح کشور.»^۱

۲. توجه به عدالت اجتماعی و فعال کردن آن در لایه‌های مختلف حاکمیت و اقشار جامعه: چنان‌که گذشت، مردم از وجود ناعدالتی طبقاتی موجود در بسیاری از مناصب و شغل‌ها و رانت‌خواری‌های قشری در عذاب‌اند. اینکه برخی از سیری بمیرند و برخی از گرسنگی، آن پول‌های بادآورده‌ای که فقط جیب قشر خاص و بی‌دردی را می‌شناسد، همه و همه اینها می‌تواند به عنوان ناعدالتی اجتماعی، حضور مردم را در عرصه‌های مشارکتی تقلیل دهد و کم‌رنگ کند. مسئولین امر نباید فراموش کنند که اساس احکام الهی و میزان تشریح، عدالت است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»؛^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قیام به عدالت کنید. (در راستای برقراری آن بکوشید).» عدالت در قانون آن است که همه آحاد جامعه در برابر قانون علی‌السویه باشند و مفاد آن بدون هیچ استثنایی برای همه عملی گردد. عدالت اقتصادی از توصیه‌های اکید اسلام برای حاکمان است. عدالت در زمینه روابط اجتماعی در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است و برای حفظ عدالت اجتماعی برای اقشار مختلف جامعه حقوق خاصی معین کرده است. بدیهی است اگر نظامی نتواند حقوق افراد را مورد توجه قرار دهد، نه تنها از پشتوانه مردمی بهره‌مند نمی‌شود، بلکه در مقابل موجی علیه خود قرار می‌گیرد. امام خمینی علیه السلام در خصوص لزوم پرهیز از اختلافات و ضرورت توجه به مصالح کشور و مشکلات مردم در جمع هیئت‌دولت شهید رجایی فرمودند: «اگر بنا باشد که شما به جای اینکه اقتصاد مردم را درست کنید، به جای اینکه این کشور را بررسی کنید، ببینید کجاست که مخروبه هست و مردم از همه چیز ساقط هستند، به جای این، اگر بنشینید سر مسند و با حروف و یا فحاشی به همه مسائل را غفلت از آن بکنید، این همان است که

۱. صحیفه امام، همان، ص ۷۵.

۲. نساء/۱۳۵.

قدرت‌های بزرگ می‌خواهند تا این مملکت خرابه بماند و صدای مردم درآید. اگر شما به مردم کار نداشته باشید، به مصالح مردم، به مصالح کشور کار نداشته باشید، فقط مشغول این باشید که من چطور، شما چطور، من چطورم شما چطوری، مردم با من هستند، مردم با شما هستند، اگر فکر این باشید، این همان است که آمریکا می‌خواهد.^۱ همچنین فرمودند: «بپرهیزید از اینکه از ملت جدا شوید، شما را بخوانند جدا کنند.»^۲ «هر چه خوف دارید، از خودتان بترسید از اینکه مبادا خدای نخواستہ مسیر یک مسیر دیگر بشود، راه راه دیگری باشد و توجه به این چیزی که الآن هست از دست برود و مردمی بودن از دستتان برود که، خدای نخواستہ، یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از مردمی بودن بیرون رفتید و یک موضع دیگری پیدا کردید... آن وقت بدانید که آسیب می‌بینید.»^۳ روشن است متصدیان امر باید با الهام گرفتن از آموزه‌های دینی و توصیه‌های اکید بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب بر رفع آسیب‌هایی که عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند بکوشند و بدانند که رعایت قانون در اقسام مختلف آن می‌تواند عامل مهمی در مشارکت عمومی مردم در امر انتخابات باشد.

۳. ایجاد فضای رقابتی سالم در انتخابات: درصد فضای رقابتی سالم بین نامزدهای انتخابی از عناصر قابل توجه در اقبال عمومی به انتخابات و حضور حداکثری در آن‌ها به شمار می‌آید. ضروری است هم حاکمیت و هم جامعه در راستای ایجاد فضای رقابتی سالم برای انتخابات تلاش وافر می‌کنند تا از این رهگذر زمینه مشارکت عمومی در رأی‌گیری فراهم آید. هرچند وظیفه خود نامزدها را نیز در این خصوص نباید از نظر دور داشت.

۴. درخواست برنامه‌ها و اهداف از نامزدها: ارائه برنامه‌ها و اهداف از سوی نامزدهای انتخاباتی، برای مردم مهم و حیاتی است. لذا مبلغ باید از نامزدها بخواهد که

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۲، در جمع هیئت‌دولت شهید رجایی، ۵۹/۶/۲۰.

۲. همان، ج ۹، ص ۱۴۴، در جمع افسران و درجه‌داران نیروی هواییروز، ۵۸/۴/۲۸.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۴۴۶، در جمع اعضای هیئت دولت، مورخ ۶۱/۶/۱۷.

برنامه‌ها و اهداف خود را از این کاندیداتوری بیان کنند زیرا دغدغه اساسی مردم، از حیث درون اجتماعی، رفع مشکلات و معضلات جامعه، ارتقای سطح بهینه‌سازی و توسعه کشور در عرصه‌های مختلف رشد و تکنولوژی، و در حوزه بین‌الملل رساندن ایران همراه با اقتدار دینی و ملی به جایگاهی است که شایسته آن است. از این رو آنچه برای مردم حائز اهمیت است و بالتبع در مشارکت آن‌ها در انتخابات مؤثر می‌نماید، عملیاتی کردن آن اهداف است. بدیهی است بیان راهکارهای اجرایی کردن برنامه‌ها برای مردم تأثیر بسزایی در ارزیابی آن‌ها نسبت به تأیید یا رد نامزدها با حضورشان در انتخابات دارد. بدیهی است اگر نامزدهای انتخابات از داشتن برنامه‌های تأثیرگذار و نیز راهکارهای عملیاتی کردن آن‌ها تهی باشند یا در اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی آن‌ها برای افکار عمومی منعی باشد، نه تنها در جلب آرا موفق نخواهند بود بلکه در اقبال مقتدرانه مردم به انتخابات نیز تأثیر منفی دارد.

۵. پرهیز از نزاع‌های فردی و جناحی انحرافی: هم مبلغان و هم نامزدها باید بدانند که مردم از نزاع‌های جناحی خرسند نیستند؛ بنابراین لازم است کاندیدها گرایش‌های خاص حزبی و جناحی را کنار گذارند و کاری کنند که گرهی از کار مردم باز شود. همچنین در ارائه طرح‌ها و راهکارهای عملیاتی کردن آنها، به دور از بزرگ‌نمایی، شعارهای چشمگیر و دهان‌پرکن، صادقانه با مردم بر سر سفره پر نعمت مکالمه درآیند. روشن است که مردم وقتی صداقت را در شخصی ببینند، او را می‌جویند و اگر انتخاباتی بر این رویه حسنه محقق شود، حضور مردم در آن، به اوج شدت خود می‌رسد.



۲

بخش دوم:
در انتخابات چه
بگـوییم؟



مسئله دوقطبی سازی جامعه

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان (زید عزه)

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

دشمنان ایران اسلامی همواره برای ناامید ساختن مردم و مسئولان تلاش کرده‌اند. امروز «بدبین کردن مردم به انتخابات» یکی از شیوه‌های یأس‌آفرینی دشمنان است. از این رو لازم است مبلغان دینی با بصیرت انقلابی در راه خنثی کردن تلاش‌های دشمن بکوشند و با آگاهی‌بخشی به مردم دشمنان ایران اسلامی را در رسیدن به اهداف خود ناکام بگذارند. در این باره خدمت حجت الاسلام والمسلمین پناهیان رسیدیم تا از فرمایش‌های ایشان بیشتر بهره‌مند شویم.

سلام استاد. به نظر شما دشمن برای به چالش کشیدن انتخابات پیش رو چه راهبردی را مد نظر دارد؟

دشمنان برای دستیابی به خواسته‌های خود، احتمالاً در ماه‌های آینده بازهم بر تنور دوقطبی‌سازی و ایجاد شکاف میان آحاد مردم خواهند دمید. باید در این زمینه هوشیار بود. یکی از سؤال‌هایی که خیلی می‌شنوید این است: «چهل سال است انقلاب شده! در این

مدت جمهوری اسلامی چه کرده؟! اگر این مانع اصلی را برداریم، خیلی از مسائل حل می‌شود. ده سال اول انقلاب، مانع دیگری داشتیم. بزرگ‌ترین جنگ جهانی به ما تحمیل شد و ما هم خودمان را سازمان‌دهی نکرده بودیم؛ نه به طراحی و ساختارهای داخلی دقیقاً اقدام کرده بودیم و نه به خیلی از آمادگی‌ها برای اداره جامعه رسیده بودیم. پس ده سال اول معاف بودیم؛ اما در این سی و چند سال اخیر با یک مانع بزرگ روبه‌رو شدیم که در ادامه به آن اشاره خواهم کرد. بنده کاملاً مطمئن هستم تا وقتی این مانع را برنداریم، به آن قدرت لازم، به آن پیشرفت لازم، به آن آرامش و ثبات، به آن انتظاری که همه ناظران خارجی و داخلی از پیشرفت ایران دارند، به آن مرتبه عالی قدرت، نخواهیم رسید. یکی از روش‌های پیچیده‌ای که به زشت‌ترین شکل در کشور ما به کار گرفته شده و موجب ضعف کشور شده و خسارت‌بار بوده، دوقطبی‌سازی جامعه به اصلاح طلب و اصول‌گراست. واقعاً قیام ملی می‌خواهد تا این روش پلید جاری‌شده در جامعه را شناسایی و خنثی کنیم. تا این روش مطرود نشود، در بهترین شرایط، ۵۰ درصد مشکلات همین‌طور باقی خواهد ماند. این دوقطبی‌سازی موجب چه بدبختی‌هایی برای یک جامعه و یک ملت می‌شود؟ نمونه‌هایش را عرض خواهم کرد.

آیا دوقطبی‌سازی ریشه دینی دارد؟ یعنی مسئله دوقطبی‌سازی جامعه در آیات قرآن کریم هم مورد توجه قرار گرفته است؟

ابتدا درباره دوقطبی‌سازی باید سوره‌ای به شما معرفی کنم و بعد هم روایت‌هایش را برای شما می‌خوانم؛ سوره‌ای که استحباب دارد هر هفته ائمه محترم جمعه در یک رکعت از نماز جمعه بخوانند و آن را به یاد ملت بیاورند. این سوره یس، واقعه، ضحی، شمس و... نیست؛ سوره منافقین است. البته خواندنش مستحب است؛ ولی آیا این استحباب معنایی ندارد و آیا اهمیت خاص این سوره را نشان نمی‌دهد؟

می‌خواهیم درباره ریشه این دوقطبی‌سازی در دین بحث کنیم. خب سوره منافقین درباره کیست؟ منافقان در قرآن یک بار معرفی شده‌اند و تمام مذاهب اسلامی منافقی را که این

سوره درباره‌اش نازل شده است می‌شناسند: «عبدالله بن ابی»؛ اما این منافق چه کار کرد که خدا او را معرفی کرد؟! زیرا منافقانی که بعدها در خانه فاطمه را آتش زدند، در قرآن معرفی نشدند؛ منافقانی که سر از بدن حسین فاطمه جدا کردند، توسط امیرالمؤمنین معرفی نشدند؛ منافقانی که ضربت به سر امیرالمؤمنین زدند، ابن ملجم و اشعث، تا وقتی که خودشان را رسوا نکردند، توسط امیرالمؤمنین معرفی نشدند. حتی منافقانی که تصمیم گرفته بودند پیامبر اکرم ﷺ را در مسیر جنگ تبوک ترور کنند، باینکه دستگیر شدند معرفی نشدند. عبدالله بن ابی از بیت المال دزدی نکرده بود؛ هیچ قتلی انجام نداده بود و قصد هیچ قتلی هم نداشت. او فقط یک کار کرده بود: در مدینه «دوقطبی» درست کرده بود؛ دوقطبی‌ای که بستر طبیعی داشت. او گفت: ما انصار پیامبر باید با مهاجران در بیفتیم؛ یعنی دوقطبی مهاجر و انصار درست کرد!

پیامبر اکرم ﷺ و یارانش بیرون شهر و در محیط جنگی بودند. جابر بن عبدالله انصاری گفت: عبدالله بن ابی گفته وقتی به مدینه برگشتیم، ما انصار، مهاجران را بیرون می‌کنیم. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بروید تحقیق کنید. رفتند تحقیق کردند و آمدند گفتند بله یا رسول الله. او این سخن را گفته است. حضرت غضبناک شد و در زمانی که کاروان باید استراحت می‌کرد فرمان حرکت کاروان را داد و یک روز هم با مردم حرفی نزد. این تنها قهر پیغمبر ﷺ با امت خودش بود. از ایشان پرسیدند چرا این‌گونه رفتار می‌کنید؟! چرا این قدر با مردم غضبناک برخورد می‌کنید؟! چرا حرف نمی‌زنید؟! فرمودند: مگر نشنیدید چه گفته؟! اطرافیان عبدالله بن ابی به او گفتند: بیا برو به پیغمبر بگو من نگفتم. آمد قسم خورد و گفت: من نگفتم. پیامبر فرمود: قبول کردم، برو... بعد از این ماجرا سوره منافقین نازل شد. سوره منافقین سوره اخلاقی نیست، سوره قتل نیست، سوره دزدی نیست؛ سوره دوقطبی‌سازی در جامعه است؛ آن هم دوقطبی‌ای که حقیقت داشت! دوقطبی مهاجر و انصار حقیقت داشت؛ ولی با این حال نباید به این مسئله دامن می‌زدند و نباید حساسیت ایجاد می‌کردند و نباید گسل‌ها را فعال می‌کردند.

آیا در واقعه کربلا نیز اثری از دوقطبی‌سازی دیده می‌شود؟

اباعبدالله‌الحسین علیه السلام دشمنان خودش را این‌طور خطاب کردند: «فَتَبَّأ لَكُمْ وَ لِمَا تَرِيدُونَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ هُوَ لَاءِ قَوْمٍ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».^۱ «کفر بعد از ایمان»، در قرآن کریم تعریف از منافقان است. این‌ها بودند که امام حسین علیه السلام را کشتند.

یزید بر اساس یک غسل واقعی این کار را کرد. وقتی سر بریده اباعبدالله‌الحسین را جلوش گذاشتند، با چوب به لب و دندان حسین فاطمه می‌زد و از یک دوقطبی سخن گفت: لَعِبَت هَاشِمٌ بِالْمَلِكِ فَلَا خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحَى نَزَلَ.^۲ یعنی این دعوی دیرینه بین ما از گذشته بین بنی‌امیه و بنی‌هاشم بوده. گاهی بنی‌هاشم پیروز شده، الآن هم بنی‌امیه. دوقطبی‌سازی کاری یزیدی است. یزید هم با خبائثی بی‌نظیر بعد از شهادت امام حسین علیه السلام با دوقطبی‌سازی می‌خواست این ماجرا را حل و فصل کند

پس از پیامبر اسلام چه شد کار به دست علی بن ابی‌طالب علیه السلام نیفتاد؟ در شورای سقیفه دوقطبی اوس و خزرج درست شد؛ دوقطبی اوس و خزرجی که ده سال بود که پیغمبر آن را از بین برده بود. غسل اختلافی بین اوس و خزرج دوباره فعال شد. این‌ها وقتی با همدیگر اختلاف کردند، مهاجران دوقطبی بعدی مهاجر و انصار را درست کردند و طی یک جریان پیچیده دوقطبی، کار از دست علی بن ابی‌طالب خارج شد. ۱۴۰۰ سال است شما روضه می‌خوانید و می‌گویید: چرا بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام به شهادت رسید و همه ساکت بودند؟! شما نمی‌دانید دوقطبی چه جنایتی می‌کند! دوقطبی‌سازی‌هایی که در سوره منافقین و در سقیفه اتفاق افتاد، دوقطبی‌های واقعی‌ای بود که غسل‌هایش وجود داشت. آن‌ها فقط این غسل‌ها را فعال کردند؛ اما بدانید که دوقطبی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا خبیثانه‌تر از آن دوقطبی‌هاست؛ چون واقعیت ندارد و تمامش دروغ است. چقدر می‌تواند جامعه ما را عقب بیندازد. با وجود این

۱. مقتل‌الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. حیات‌الامام‌الحسین بن علی علیه السلام، باقر شریف القرشی، ج ۲، ص ۱۸۷.

دوقطبی، شاید در حد معجزه الهی باشد که ما تا الآن باقی مانده‌ایم. آن‌کسی که به‌عنوان اصول‌گرا برای بردن انتخابات در مقابل اصلاح‌طلب موضع جناحی می‌گیرد، همان‌قدر نادان است که در آن طرف، نادانی یا غرض‌ورزی وجود دارد. در میان هر دو بخش هم قطعاً نفوذی وجود دارد.

استاد می‌خواهیم کمی عمیق‌تر وارد این بحث بشویم. به نظر شما دوقطبی‌سازی چه مضراتی برای جامعه دارد؟

تا زمانی که فضای انتخابات متأثر از دوقطبی‌سازی باشد، شما هیچ وقت مجلس صددرصد قوی پیدا نخواهید کرد؛ شما هیچ وقت هیئت‌دولت قوی و مدیران قوی پیدا نخواهید کرد. البته همیشه مدیران خوب بوده‌اند. در هر جناحی که سر کار بوده، مدیر خوب بوده، وزیر خوب بوده، مدیرکل خوب بوده، معاون خوب بوده. من شخص سیاه‌بینی نیستم. در هر دو جناح هم با برخی از این افراد خوب از نزدیک آشنا بوده‌ام. ولی چرا ما به این بازی کثیف تن می‌دهیم؟! کسی باید این وسط باشد که این حرف را بزند.

هرکسی در آتش دوقطبی اصلاح‌طلب - اصول‌گرا بدمد، حتماً آدم خبیثی است؛ چون مانع رشد مملکت می‌شود. بنده تعدادی از پیامدهای شوم دوقطبی‌سازی را به‌اجمال عرض می‌کنم: اولین نتیجه‌اش روی کار آمدن افراد ضعیف است؛ یعنی هدف طرفداران دو جناح فقط این می‌شود که جناحشان پیروز شود؛ ولو با افرادی که خاصیت‌های پوپولیستی داشته باشند و ضعیف‌تر باشند.

دومین نتیجه‌اش روی کار آمدن افراد فرصت‌طلب است؛ آنان که فرصت‌طلبانه نگاه می‌کنند که دعوا به نفع کدام طرف است، کدام طرف می‌چربد، یا ادای مستقل‌ها را درمی‌آورند تا وقتی مردم از جناح‌بازی خسته شدند، از این اختلاف سوءاستفاده کنند.

سومین نتیجه‌اش عدم امکان روی کار آمدن بسیاری از افراد شایسته است. خیلی از افراد شایسته هستند؛ ولی می‌گویند: ما با این دولت همکاری نمی‌کنیم؛ چون نمی‌خواهیم انگ فلان جناح به ما

بچسبید. یا اینکه اصلاً آن جناح خودش این‌ها را برای همکاری دعوت نمی‌کند یا آن‌ها چون عضو جناحشان نیستند، مجبورند این‌ها را برندارند؛ چون افرادی باید شایستگی این‌ها را تأیید کنند. چهارمین اثرش این است که تا انتقاد کنید می‌گویند: «این آخوندِ اصول‌گرا گفت...» یا «آن فرد اصلاح‌طلب گفت...»؛ یعنی باب انتقاد بسته می‌شود. دهان بسیاری از منتقدان دلسوز و متفکران حوزه و دانشگاه را به این روش بسته‌اند. فضای انتقاد که بسته بشود، فضای دل‌سوزی بسته می‌شود.

ششمین پیامد، محدود شدن باب تحسین اقدامات خوب است. هیچ‌کس از افراد هر جناح، هیچ اقدام خوب آن جناح دیگر را تحسین نمی‌کند. انگار صهیونیست‌ها دارند روزنامه‌های ما و روزنامه‌های جناحی ما را اداره می‌کنند. اصلاً قانونی در این کشور وجود ندارد که بگوید روزنامه‌ای که در کنار انتقاد، خوبی‌های جناح‌های مختلف را نگوید، تعطیلش می‌کنیم! چرا اجازه می‌دهند روزنامه‌ها و رسانه‌ها روحیه مردم را به لجن بکشند!؟

استاد آیا به غیر از دوقطبی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا دوقطبی دیگری که هدفش شکاف در جامعه اسلامی باشد سراغ دارید؟

بله، دوقطبی ارزشی و غیرارزشی. ما اصلاً نیروی ارزشی و غیرارزشی نداریم. همه باید واقع‌بین باشند. این کلمه ارزشی‌ها را غربی‌ها درست کردند که به دین‌داران بگویند «ارزشی» و به دانشگاهیان بگویند «واقع‌بین». این دروغ است؛ چون دین به ما دستور داده باید بر اساس واقع‌بینی حرکت کنیم.

آقای که در دولت قبل مسئولیتی داشت، بعد از آن جلسه آمد و گفت: این حرف شما که حرف خوبی است؛ پس چرا به شما می‌گویند اصول‌گرا؟ گفتم این حرف درست نیست. وقتی می‌گویند «اصول‌گرا» منظورشان کسانی است که به اصول معتقدند و واقعیت‌ها را ندیده می‌گیرند؛ درحالی‌که ما اصلاً چنین چیزی نداریم. گفت: شما مگر دنبال ارزش‌هایتان نیستید؟! هر چه ما در مورد شما می‌دانستیم برعکسش را گفتید. گفتم تمامش دروغ بوده. این

سوء تفاهم‌های فزاینده در جامعه ایجاد شده است. لااقل کاش این‌ها واقعیت داشت و غسل واقعی بود؛ درحالی‌که اصلاً چنین چیزی نیست؛ دروغ پشت دروغ، تهمت پشت تهمت. ما جامعه‌ای هستیم که نه اوس و خزرج‌بازی از ما درمی‌آید، نه مهاجر و انصاربازی از ما درمی‌آید، نه قبیله‌گرایی در کشور ما رشد می‌کند. از این‌رو، برخی سراغ همین جنس دوقطبی‌سازی‌های پلید می‌روند.

استاد می‌شود بفرمایید این دوقطبی اصلاح‌طلب _ اصول‌گرا چگونه پدید آمد؟

از آن زمانی که دو نظریه اقتصادی بین علمای روحانیت مبارز پدید آمد: جامعه روحانیون و جامعه روحانیت. کسی به حضرت امام نامه نوشت: ما می‌خواهیم دو گروه شویم و در انتخابات بعدی دو لیست بدهیم. حالا که رقبای انتخاباتی قبلی مان بنی‌صدری‌ها و لیبرال‌ها، دیگر نیستند، می‌خواهیم خودمان باهم رقابت کنیم. امام فرمود: اشکالی ندارد. چرا امام فرمود اشکالی ندارد؟ برای اینکه رهبری اجازه اختلاف نظر می‌دهد. ولایت کارش همین است. حتی به یارانشان و نیز به نزدیک‌ترین افرادشان هم اجازه اشتباه کردن می‌دهند؛ همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه السلام اجازه اشتباه کردن به مالک اشتر می‌دادند. آن حضرت می‌خواست ابوموسی اشعری (والی کوفه) را از آنجا بردارد؛ ولی مالک اشتر گفت: نه، بگذارید بماند. این فعلاً آنجا خوب است بماند. آقا فرمود: روی حرف تو بماند. بعداً ابوموسی اشعری در ماجرای بار فرستادن و سرباز فرستادن برای جنگ جمل خیانت کرد. امام راحل هم جدا شدن روحانیت و روحانیون را پذیرفت. رهبری در مقابل اختلافات انعطاف نشان می‌دهد و میدان می‌دهد. البته امام در همان نامه، حدود بیست نصیحت و توصیه و حتی فرمان ذکر کردند که این بیست مورد را مراقبت کنند؛ یعنی اجازه داد ولی در کنار بیست توصیه.

در جریان اصلاح‌طلب _ اصول‌گرا و این بازی مسخره‌ای که راه افتاده، همه بیست توصیه امام لگدمال شده است. هیچ عاملی نباید جلوی مدیران شایسته را بگیرد؛ هیچ عاملی نباید

کاری کند که مدیران ضعیف بالا بیایند. وقتی کشور جناحی شد، کسی که ضعیف هم باشد، در جناحی جا خوش می‌کند و بعد هم چون آدم آن‌ها شده، بالاخره جایی منصوب و حمایتش می‌کنند و عیب‌هایش را هم می‌پوشانند. بعد در این مسیر باند سیاسی یا همان حزب درست می‌شود. ما نباید از ساختارهای غربی تبعیت کنیم و مثل همان دوقطبی‌های دروغینی که آنجا درست می‌کنند تا به مردم هیجان بدهند و آن‌ها را پای انتخابات بیاورند، در اینجا هم داشته باشیم. راه‌حل جایگزین ما چیست؟ باید در این باره صحبت کنیم. بدانید که دوقطبی‌سازی و جناح‌بازی‌های دروغین و کاذب رفتار پلید منافقانه‌ای است و همه باید برائت بجویند از اینکه بخواهند به دوقطبی‌سازی دامن بزنند. اگر از این روش‌های پلید عبور کنیم، مطمئن باشید در این نظام ولایی برای اداره جامعه راه‌حل وجود دارد.

اگر قدرت در جامعه ما تطهیر و آسیب‌هایش گرفته شود، چه آثاری در جهان خواهد داشت؟ الگو می‌شود و محل مطالعه اندیشمندان جهان قرار خواهد گرفت. این حرف‌ها، تبلیغاتی یا از سر اعتقاد به اسلام نیست؛ بلکه همه کدهایش موجود است. یکی از کدهایش به بن‌بست رسیدن جهانیان و تازه شروع کردن ماست. در این سی سال اخیر بعد از جنگ، به واسطه افکار پوسیده‌ای که از غرب آوردند و علما هم در نقد آن‌ها یا کوتاهی کردند یا همراهی‌های اشتباه، ما را عقب نگه داشتند. ما دین داریم و دینمان می‌گوید این کارها خلاف است. دین هم اگر نداشته باشیم، عقلمان می‌گویند جوامع دموکراسی سرانجام به پوپولیسم گرفتار می‌شوند. برای اینکه مردم را تهییج کنند که مردم در انتخابات حاضر شوند، مجبورند ساده‌سازی کنند؛ دیو و دلبر درست کنند؛ سیاه و سفید کنند و نظر بدهند تا مردم را پشت سر خودشان قرار دهند. مردم هم که تخصصی نمی‌آیند؛ بلکه هیجان پیدا می‌کنند و می‌آیند. خیلی زشت و پلید است که شبیه این کارها در ایران انجام شود. با این روش‌ها نمی‌توان به اسلام و خدا و پیغمبر و به عدالت و رفاه و آزادی رسید.

ممکن است برخی بگویند: «حالا دوقطبی باشد یا سه‌قطبی! چه اهمیتی دارد؟!»، نه، این باید دغدغه همه ما باشد. باید در قبال مقوله قدرت حساس باشیم. این‌ها پایگاه‌های اصلی

قدرت هستند. وقتی گفت‌وگوهای زائد سیاسی کنار برود، بسیاری از مدیریت‌ها تخصصی خواهد شد. یک رئیس‌جمهور که عوض می‌شود، غذای مرغداری‌ها که نباید عوض شود! مرغداری قاعده‌ای دارد. درس‌های آموزش و پرورش که نباید با رؤسای جمهور عوض شود. باید شورای سیاست‌گذاریِ باثباتی داشته باشد. رفتاری‌ها این‌طور پدید می‌آید که سیاست‌بازی‌ها جای مدیریت‌های تخصصی را می‌گیرد. امروز رهبر معظم انقلاب باکمال نجابت برخورد می‌کنند و خودشان با پشتیبانی مردم مملکت را از آسیب‌های دوقطبی‌سازی نگه داشته‌اند. هرکسی که روی کار آمده، ایشان با او همکاری کرده‌اند. مردم هم ایشان را باور کرده‌اند و پذیرفته‌اند که حمایت‌های ایشان از دولت فراتر از این حرف‌هاست؛ به خاطر ثبات جامعه است و اصلاً نگاه نمی‌کنند آن فرد از چه جناحی است. اگر مقام معظم رهبری علیه‌السلام و امام راحل عظیم‌الشان و عملکردهای پیامبرگونه این بزرگواران نبود، اصلاً مملکتی باقی نمی‌گذاشتند.



کارآمدی نظام و مجلس انقلابی در مصاحبه با رئیس کمیسیون

فرهنگی مجلس (زید عزه)

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

در خدمت رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هستیم. یکی از مسائل مهم برای مردم خصوصاً مؤمنین بحث کارآمدی نظام است. مردم می‌پرسند: این مجلس که به فرموده آقا «مجلس انقلابی» هم بود، چه خاصیتی داشت؟ چون در محضر رئیس محترم کمیسیون فرهنگی هستیم، می‌خواهیم چند سؤال درباره بحث‌های فرهنگی مجلس مطرح کنیم. ان‌شاءالله بتوانیم از طریق ویژه‌نامه «انتخاب امیدبخش» در اختیار مبلغان سراسر کشور قرار دهیم.

اولین سؤال این است که شما این مجلس را در انجام فعالیت‌های فرهنگی موفق می‌دانید یا نه؟ اگر موفق ارزیابی می‌کنید، اصلی‌ترین اقدامات فرهنگی مجلس را بیان بفرمایید.

قبل از ورود به بحث باید ببینیم ما نمایندگان چه وظیفه‌ای در مجلس داریم. دو تا وظیفه مجلس دارد: یکی بحث قانون‌گذاری که وظیفه اول مجلس است؛ وظیفه دوم نظارت بر حسن اجراست؛ یعنی این قانونی را که الآن تصویب شد دنبال کنند ببینند عملیاتی می‌شود یا نه. قوانین باید اجرا شوند؛ نه اینکه بایگانی شوند.

گاهی حدود ۲۰ سال قبل قانونی نوشته شده و کنار گذاشته شده است. این وظیفه نماینده مجلس است که آن‌ها را احیا کند.

مجلس اگر مجلس است باید نظارت کند، دنبال کند که آیا این بخش اجرایی نسبت به این قانونی که داده شده است پایین آمده یا نه، اثر داشته است یا نه.

من یادم هست دوره هشتم مجلس، چهار سال اول بنده در کمیسیون آموزش و تحقیقات بودم که مربوط به دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه بود، مربوط به آموزش و پژوهش بود، دوره بعد که دوره نهم بود، در کمیسیون فرهنگی به عنوان رئیس کمیسیون فرهنگی انتخاب شدم. در زمان ریاست یکی از کارهایی که انجام دادم، نامه‌ای برای رؤسای قبل و گذشته مجلس نوشتم که شما مدت چهار سال مسئولیت این صندلی و منصب را داشتید. از تجارب بسیار خوب و بسیار بد خود برای من بنویسید.

به نظرم یکی از رؤسای قبلی نوشت: مجلس در زمینه فرهنگ، قانون‌بردار نیست. گفتم پس برای چه کمیسیون تشکیل دادید؟! با این اعتقادی که آقایان داشتند معلوم است کار دیگری می‌کردند؛ اما ما معتقدیم فرهنگ، قانون می‌خواهد، قانون محکم هم می‌خواهد؛ قانونی که شدنی و قابل اجرا باشد، جواب بدهد، جوابش و ثمره‌اش هم دیده شود و پایش بایستیم.

از قوه اجراییه هم بخواهیم پای اجرای قانون بایستد. اگر نایستاد، از وزیر سؤال شود، تذکر داده شود. اگر دیر اقدام کرد، حتی استیضاح شود. حتی اگر وزیر هم صلاحیت نداشت، خود رئیس‌جمهور استیضاح شود، رأی اعتمادی را که مجلس داده پس بگیرد.

یکی از ابزارهای القای فرهنگ، قانون است. اول باید قانون تدوین شود، نوشته شود تا مردم انجام دهند. بنابراین قدم اول قانون‌گذاری است.

خدا را شکر طی این دوره مجلس که حدود سه سالش گذشته است، چند کار مهم انجام دادیم که به دو مورد اشاره می‌کنم: یکی بحث جمعیت و دوم بحث فضای مجازی.

اول از همه، موضوع جمعیت بود که متأسفانه الآن جمعیت ما رو به پیری است و این یک خیانت جدی است که به کشور ما شده است که القای بیرونی‌ها و دشمنان ما بوده است که «فرزند کمتر، زندگی بهتر».

خوشبختانه قانون جمعیت نوشته شد که باید به صحن مجلس می‌آمد و ۱۷۰ نماینده باید نظر می‌دادند که در بین آن‌ها برخی تخصص کافی ندارند و نسبت به موضوع اطلاعات کافی ندارند که این موضوع خیلی وقت می‌گیرد.

هرچند الآن مشکل اولیه کشورمان بحث اقتصادی و زندگی مردم است، اما فرهنگ هم از نکات مهم و اساسی است. نباید اشتباه کنیم. باید هر دو را عملیاتی کنیم. البته با حفظ اولویت زمانی، ابتدا اقتصاد و سپس فرهنگ را رسیدگی کنیم.

بنابراین آمدم درخواست کردیم که مجلس به ما اعتماد کند و ما کمیسیونی تشکیل دهیم که تنها متخصصین دور هم بنشینند، نه همه. در بحث جمعیت کمیسیون بهداشت باید ورود پیدا کند، کمیسیون اجتماعی باید باشد، دوستان قضایی باید باشند تا اگر کسی کوتاهی کرد و خیانت به نسل جامعه کرد با او برخورد شود.

به همین دلیل گفتیم این موضوع باید هشتاد و پنج شود یعنی کمیسیون تخصصی تشکیل شود.

در مدت شش یا هفت ماه، ۹۲ ماده برای جمعیت تدوین شد و به‌جای اینکه موضوع جمعیت به صحن مجلس بیاید و طول بکشد، با حضور ۲۰ تا ۳۰ متخصص کار با سرعت بیشتری انجام شد.

سپس این ۹۲ ماده به صحن مجلس می‌آید و باید رأی‌گیری شود و رأی بیاورد. سپس به شورای نگهبان فرستاده می‌شود.

الآن قانون جمعیت تدوین شد، در صحن مجلس هم رأی آورد، شورای نگهبان هم تأیید کرد. موضوع دیگری که ما کنار این موضوع قرار دادیم بحث تسهیل ازدواج بود. برای چه جوانان ما نتوانند ۱۹ سالگی ازدواج کنند؟!

حاج آقا متأسفانه بحث‌هایی از طرف مخالفانِ کودک‌همسری مطرح می‌شود. پاسخ شما به آن‌ها چیست؟

بله، ما هم با کودک‌همسری مخالفیم. اینکه ۶ ساله یا ۷ ساله ازدواج کند یا پیرمرد ۹۰ ساله با کودک ازدواج کند، ما نیز مخالفیم.

این‌ها ۱۸ ساله‌ها را نیز کودک می‌دانند؟

متأسفانه بله. درحالی‌که این‌گونه نیست؛ بلکه در دنیا انسان ۱۸ ساله از جهات مختلف بالغ است. رشته تحصیلی خودم روان‌شناسی است. ما بلوغ را به انواع مختلف تقسیم می‌کنیم: بلوغ جنسی، اجتماعی، اخلاقی، احساسی، فکری و... که تقریباً انسان ۱۸ ساله همه این‌ها را داراست.

متأسفانه برخی طوری تصور کرده‌اند که شخص باید ۳۵ سالش بشود و بعد ازدواج بکند. آیا مسائل جنسی ۳۵ سالگی می‌فهمد؟ در این زمان که بین ۸ تا ۱۲ سالگی زمان بلوغ جنسی افراد است تا ۳۵ سالگی صبر کنیم؟

خودمان را به نادانی نزنیم. موضوع تسهیل ازدواج که مجلس و عقلاً آمدند محکم پای آن ایستادند، هشتاد و پنجی هم شد، یعنی کمیسیون تخصصی تشکیل شد الآن هم هر دوسه هفته یک بار کمیته‌ای تشکیل می‌شود که مسئولین را به مجلس دعوت می‌کنند که بیایند و گزارش بدهند که چه کاری انجام داده‌اند. آیا بانک‌ها پای‌کار ایستاده‌اند؟ وام‌ها و تسهیلات را داده‌اند یا نه؟ گاهی بانک‌ها می‌گویند ما مشکلاتی داریم پیگیری می‌شود. از مسئولین مرتبط موضوعات دنبال می‌شود تا مشکلات برطرف شود. بحمدالله، در این زمینه کمیسیون فعال است.

حضرت آقا یکی از نکاتی که از برکات این دوره از مجلس ذکر کردند همین بحث جمعیت بوده است که فرمودند: من تشویق می‌کنم کسانی که این کار را انجام دادند.

این از موفقیت‌های کمیسیون فرهنگی مجلس بود که قانونش تمام شد که باید نسبت به

اجرای آن نظارت شود و مردم عزیز هر کجا دیدند انجام نشده، به‌عنوان مطالبه‌گر به بنده گزارش بدهند و بگویند حاج‌آقا فلان جا رفتیم، کاری انجام ندادند. ما پیگیری می‌کنیم.

حاج‌آقا به نظر شما مبلغان در این زمینه چه وظیفه‌ای دارند؟

مبلغان باید قانون را بخوانند و از قوانین آگاه باشند؛ چون اگر مطالعه نکنند، نمی‌دانند چه چیزی را مطالبه کنند. قوانین نیز در سایت‌های معتبر موجود است.

لطفاً درباره دومین اقدام مهم کمیسیون فرهنگی مطالبی بفرمایید.

دومین کاری که کمیسیون فرهنگی مجلس انجام داد و با همان هشتاد و پنج بود، درباره فضای مجازی بود که خیلی اهمیت دارد. شما هر چیزی داشته باشید که با ارزش باشد، اگر خوب مدیریت نشود، تأثیری عکس و ضد دارد و هرچقدر ارزش داشته باشد، بی‌ارزش می‌شود و خطرش بیشتر است؛ شبیه پله‌های یک نردبان است که اگر از یک پله پایین بیفتی، خیلی خطری ندارد. حالا اگر ده تا پله بشود، هرچند بالا رفته‌ای، اما اگر بیفتی آسیب بسیاری می‌بینی.

خیلی از افراد اصلاً توجه ندارند که فضای مجازی چقدر اهمیت دارد. غربی‌ها می‌گویند این (فضای مجازی) زندگی دوم ماست؛ ولی این واقعاً اشتباه است؛ زندگی اولِ برخی از ما شده است. اصلاً جزو زندگی ما شده! انواع خوراکی‌ها و انواع اطلاعات را به بهترین شکل در اختیار می‌گذارد. اما همین‌طور که به‌سرعتِ برق ما را به اعلی‌علیین می‌رساند، به جهنم هم می‌برد. این سگ‌ها را باید کنترل کرد. اگر بدون قلابه ره‌ایش کنید مردم را می‌درد. همین‌الآن در آمریکا صدها قانون برای فضای مجازی و مدیریت آن گذاشته و کنترل می‌کند. شما نگاه کنید تیک‌تاک وقتی خواست در آنجا فعالیت کند، مقابلش ایستاد، اما ما چگونه عمل می‌کنیم؟ ما واتساپ و اینستاگرام آمد، چه کار کردیم؟!

وقتی سخن از مدیریت می‌کنیم، منظور فیلترینگ نیست. مدیریت یعنی برای استفاده برنامه

داشته باشیم. شرایط کشور ما این است. این بحثِ حاکمیتی است که در این دولت اقداماتی انجام شده است. در دولت قبلی که کوتاهی و اشتباه جدی صورت گرفت و کار را رها کردند.

ما گفتیم این باید مدیریت بشود و برای مدیریتش دیدیم اگر بخواهیم این موضوع را در صحن علنی مجلس با ۲۷۰ نماینده بررسی کنیم، از باب آنکه گاهی نظرات غیرتخصصی است و در این شرایطی که اقتصاد جامعه مشکل دارد و مردم حساس می‌شوند که مشکلات اصلی ما اقتصادی است و از بیرون دشمنان نیز دخالت و فشار می‌آوردند و خیلی در این جهت ورود می‌کردند که بگویند که گاهی در یک روز ۲۰ هزار فحش و ناسزا می‌دادند و برخی جوانان هم اهمیت موضوع را نمی‌دانستند و تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و جمعیتی در برابر ما قرار می‌گرفت و از آنجا که متأسفانه فضای مجازی دست بچه‌های ما (انقلابی‌ها) نیست و بیشتر در اختیار دشمنان و بیگانه‌هاست. در همین فتنه اخیر در ماجرای مهسا امینی در تیک‌تاک در مدت ده روز اول که بررسی کردیم بیش از ۸۰۰ میلیون مرتبه اسم این خانم را آوردند و برخی این آمار را انکار می‌کنند و می‌گویند آقا این‌ها ربات است. خوب مگر نمی‌گویید این‌ها ربات است؟! شما هم برای امام زمان درست کنید از این ربات‌ها. برای مقام معظم رهبری درست کنید. چرا تو نمی‌توانی و او می‌تواند؟! دارند تمام ارزش‌های شما را نابود می‌کنند و کاری نمی‌توانید بکنید. گاهی خود رئیس مجلس را، رئیس دولت، رئیس قوه قضاییه را مورد هجمه قرار می‌دهند و نمی‌توانیم کاری کنیم. نمی‌شود که این حربه را دست دشمن بدهیم بعد تسلیم شویم و دست بالا کنیم. این حتماً غلط است.

یک وقتی حدود ۴۵ سال قبل در برابر حکومت شاه ایستادید و مقتدرانه آن مردک را بیرون کردید. حالا چطور است که نمی‌توانید مدیریت کنید؟ مدیریت به معنای تعطیلی نان و کاسبی مردم نیست؛ یعنی به بهترین شکل کاری کنی که حق مردم ضایع نشود.

به واسطه همین فضای مجازی مال و اموال مردم را می‌خورند، بعد به قوه قضاییه می‌گوییم دزد را بگیر؛ می‌گوید: نمی‌توانیم؛ چون خارج از کشور است. چرانی می‌توانید؟ قرارداد ندارید؟ نه. مرز نداریم؟ قانون نداریم؟ نه.

خب ما گفتیم پای این موضوع می‌ایستیم، مهم هم هست، هشتاد و پنجمی هم بررسی می‌شود و در صحن مجلس نمی‌آید که مجلس به بحث بودجه و اقتصاد پردازد. ما بحث فضای مجازی را در کمیسیون مشترک که افراد متخصص هستند و این‌کاره هستند و فرهیخته هستند، انقلابی هم هستند، دورهم نشستیم و قانونی تدوین شد و مرحله بعد باید به صحن مجلس بیاید. خیلی سریع رأی‌گیری می‌شود که الآن منتظریم و بیش از یک سال است که ما منتظر این چند دقیقه رأی‌گیری هستیم که متأسفانه نشده است.



سوژه‌های سخن (شاخصه‌های نماینده اصلح)

تقوا؛ راه برون‌رفت؟!

محمدرضا نیکوکلام

گاهی سالیان سال گره‌های کوری در سطح خُرد و کلان در زندگی و اقدامات مردم و مسئولین جامعه می‌افتد که به‌سادگی باز نمی‌شود. از ریشه‌های بروز گرفتاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عدم توجه به تقوا در افراد جامعه به‌خصوص کارگزاران است. بدون شک اگر بی‌تقوایی سیاسی در سطح جامعه کاهش پیدا کند، به همان میزان رشد و موفقیت سیر صعودی خواهد داشت. این یک سخن احساسی نیست؛ یک وعده قطعی و حتمی پروردگار است که در جای‌جای قرآن کریم بارها به آن سفارش شده است که تقوا راه برون‌رفت از مشکلات و راه‌حلی قطعی برای رشد کمالات است به‌شرط آنکه مردم و مسئولین جامعه به آن پایبند باشند. از جمله آیاتی که تقوا را شاه‌کلید باز کردن قفل مشکلات معرفی می‌کند، می‌توان به این آیات اشاره کرد: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» و «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» و «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» که هر سه آیه تقوا را راهگشا و چاره‌ساز بیان می‌کند.

همه ما ناچاریم که در این مسیر حرکت از دنیا به آخرت، مابین دو جاده و مسیر یک راه را انتخاب کنیم: راه اول تدین و تقواست که اگرچه در این مسیر سختی‌های راه بیش از مسیر دوم است، اما نتیجه‌اش صددرصد پیروزی و قهرمانی است. مسیر دوم که خلاف تدین و تقواست، شاید به ظاهر هموارتر و راحت‌تر است؛ اما پایانی زجر‌آور و همراه با شکست خواهد داشت.

در آخرین روزهای عمر خلیفه دوم، به دستور او شورایی تشکیل دادند که از شش نفر تشکیل شد: امیرالمؤمنین علی علیه السلام، عثمان، عبدالرحمن بن عوف، سعد ابی وقاص، طلحه و زبیر. خلیفه دستور داد پس از مرگ وی به مشورت بنشینند و از میان خویش یک نفر را به خلافت برگزینند. پس از برگزاری شورا، زبیر حق رأی خود را به علی علیه السلام بخشید و طلحه به عثمان و سعد ابی وقاص هم به عبدالرحمان بن عوف. قهراً شش رأی تبدیل به سه نظر شد. عبدالرحمان مشاهده کرد که باوجود علی علیه السلام و عثمان، نوبت خلافت به او نمی‌رسد؛ پس خواست نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد؛ از این رو به علی علیه السلام گفت: «با تو بیعت می‌کنم به شرط آنکه به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سیره دو خلیفه پیشین رفتار کنی.» امام علیه السلام فرمود: «به کتاب خدا و سنت پیامبر و آنچه وظیفه دارم عمل می‌کنم.» عبدالرحمان روی خود به عثمان کرد و با او این سه شرط را مطرح کرد. عثمان پذیرفت. این موضوع چند مرتبه ردوبدل شد. علی علیه السلام از پذیرش شرط اخیر یعنی متابعت سیره‌ی خلفای پیشین که خلاف مدار تدین بود، امتناع ورزید و عثمان قبول کرد تا بالاخره عبدالرحمان به‌عنوان امیر مؤمنان با عثمان بیعت کرد. آری علی علیه السلام حاضر نشد رضایت پروردگار و تدین و تقوای خود را برای رسیدن به بالاترین سمت و مسئولیت جهان اسلام ترجیح دهد.

جناب مالک اشتر که نامش در زمره بهترین و برترین یاران امیرالمؤمنین می‌درخشد در مرحله بالایی از حیث تقوا بود؛ اما از زمانی که در منصب حکومتی قرار گرفت، حضرت با شدت بیشتری به او سفارش به تقوا می‌کرد.

همچنین امام به فرمانده جنگی خود شریح‌بن‌هانی هنگامی که او را به فرماندهی لشکری در مقابله با سپاه شام قرار داد فرمود: «اتَّقِ اللَّهَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ وَحَفَّ عَلَي نَفْسِكَ الدُّنْيَا

الْغُرُورَ وَلَا تَأْمَنُهَا عَلَيَّ حَالٌ؛^۱ در هر صبح و شام تقوای الهی را پیشه کن و از دست دنیای فریبنده بر خودت بیمناک باش و در هیچ حالتی ایمن مباش. حضرت به مقبل بن قیس ریاحی، یکی دیگر از فرماندهان خویش فرمودند: «اتق الله الذی لا بُدَّ لک من لِقائه و لا مُنتهی لک دونه و لا تُقَاتِلَنَّ الا من قاتلک؛^۲ از خدایی که حتماً او را ملاقات می‌کنی و سرانجامی غیر از او نداری بترس و جنگ مکن مگر با کسی که با تو بجنگد.»

آن حضرت با نگاهی وسیع و جهان‌شمول می‌فرمایند: «اتقوا لله فی عبادهِ و بلادهِ فَاتَّكُم مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ؛^۳ تقوای الهی را در مورد بندگان او و شهرهای او رعایت کنید؛ زیرا شما مسئول هستید حتی در مورد مناطق زمین و حیوانات. لازمه تقوا رعایت حال حیوانات و همچنین بهره‌برداری صحیح از سرزمین یک کشور است.

در زمان بنی اسرائیل آن ساحرانی که فرعون در برابر موسی برای نبرد و مبارزه انتخاب کرده بود، و یک‌عمر برای پیروزی فرعون از هیچ کوششی دریغ نکرده بودند، پس از نبردی حساس هنگامی که راه نجات را در تبعیت موسی دیدند، مسیر هدایت را انتخاب کردند؛ اگرچه از سختی این راه آگاه شدند و فرعون آن‌ها را تهدید به شکنجه و مرگ کرد و سرانجام آن‌ها را به طرز وحشیانه شهید کرد؛ اما در مسیر تدین استوار بودند.

طرف مقابل این ماجرا نیز کسانی هستند که عمری در جاده هدایت در حال حرکت بوده‌اند که به‌ناگاه با انتخاب‌های نادرست به‌طرف جاده بی‌دینی گمراه شدند.

زبیر که جزو بهترین یاوران رسول خدا بود، از اطرافیان نزدیک امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام بود و در ایام مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام، از شمشیربه‌دستان مدافع فاطمی بود؛ اما در جنگ جمل پسرش او را گمراه کرد و رفیق نااهل در او اثر گذاشت و رضای حضرت علی علیه السلام را

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۶.

۲. همان، نامه ۱۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

که ملاک رضایت خدا و عین تقواست، نادیده گرفت و سرانجام کشته شد. رعایت تقوا اختصاصی عموم جامعه نیست بلکه شخص هرچقدر مسئولیت او بیشتر باشد توجه به تدین باید در او بیشتر باشد.

متأسفانه در همین ایام شاهدیم عده‌ای با علم به عدم احراز کفایت، بازهم برای انتخابات ثبت‌نام می‌کنند تا نامی به هم زنند یا هزینه سیاسی و اعتباری برای نظام ایجاد کنند. برخی نیز با علم به مسئله‌دار بودن خود و رد صلاحیت، بازهم می‌آیند تا بتوانند در جامعه بلوا ایجاد کنند و سوژه رسانه‌های خارجی شوند.

سؤال من اینجاست: آیا این کارها نشانه تقوای این افراد است یا بی‌تقوایی؟ به نظر شما چنین افرادی در قلوب مردم جای دارند؟!

چگونه است که وقتی نظرسنجی‌ها درباره حاج قاسم سلیمانی انجام می‌گیرد، بیش از ۹۰ درصد مردم ابراز محبت و علاقه می‌کنند؛ اما وقتی از مشارکت در انتخابات و رأی دادن به کاندیدها صحبت می‌شود، آمار رضایت مردمی کاهش چشمگیر دارد؟!

مردم چه ویژگی‌هایی در این شخصیت بزرگ مشاهده کرده‌اند که در سایرین به چشم نمی‌آید؟ افرادی که نامزد انتخابات می‌شوند، اگر الگوی خود را همانند شهید سلیمانی، اهل بیت پیامبر قرار دهند و در مسیر تدین و تقوا حرکت کنند، تمدن‌سازی اسلامی سیر صعودی پیدا خواهد کرد و در موضوعاتی مثل انتخابات بدون تردید اوضاع و احوال اعتماد مردمی و مشارکت آنان تغییر خواهد کرد. کافی است که هم مسئولین و عموم جامعه اقدامی تازه و مؤثر در خود و انتخاب خود انجام دهند.

خشت نو از قالب دیگر بزن قالب این خشت تو بر هم بزن

تقوا یعنی اینکه در انتخاب کاندیداهای انتخاباتی، طرف خدا را بگیریم و مطابق رضایت پروردگار افراد را انتخاب کنیم. اینکه گاهی دلیل رأی دادن به شخصی، دوست و فامیل بودن، هم‌شهری و هم‌محله‌ای بودن، و لیست حزب موردعلاقه من ملاک می‌شود، در صورت نداشتن ملاک‌های واقعی، این انتخاب عین بی‌تقوایی است.

آن شخص کاندیدا هم که با شعار احساس تکلیف پای به عرصه می‌گذارد، اگر ملاک‌های شخص اصلح را در خود نمی‌بیند و در صحنه ورود پیدا می‌کند یا می‌داند رقیبش از او صلاحیت بیشتری دارد و باز وارد عرصه می‌شود، یعنی خدا را در نظر نگرفته و بی‌تقوایی کرده است.

اگر کسی تقوا داشته باشد، مخالفان را بر مکتب اسلام ترجیح نمی‌دهد؛ معاویه را بر علی علیه السلام ترجیح نمی‌دهد؛ یزید فاسق را بر حسین علیه السلام ترجیح نمی‌دهد.

مردم، باور کنیم که انتخاب‌های ما در سعادت و شقاوت و خوشبختی و بدبختی فرد فرد جامعه مؤثر است. اگر حادثه کربلا دل همه ما را آتش می‌زند، علت اصلی واقعه بزرگ و ناگوار کربلا در بی‌تقوایی برخی مسلمانان بود که یزید مست لایعقل را بر مظهر تقوا یعنی حسین علیه السلام ترجیح دادند و در انتخاب یاری نمودن حسین و یزید، حسین را انتخاب نکردند.

البته اثر بی‌تقوایی تنها در برکناری شخص شایسته نیست؛ بلکه گاهی مانند روز عاشورا، سر اسوه تقوا را از بدن جدا می‌کنند و اسب‌های تازه نعل زده را بر پیکرش می‌تازانند و بدون آنکه پیکرش را دفن کنند، روی خاک گرم کربلا رها می‌کنند.



سوژه‌های سخن (شاخصه‌های نماینده اصلح)

امانت یا خیانت؟!

محمدرضا نیکوکلام

کسانی که دغدغه ایجاد آرامش و خوشبختی در سطح زندگی فردی و ملی دارند، گاهی با مشاهده آسیب‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مکدر و ناامید می‌شوند و به دنبال راهکاری نجات‌بخش برای حل مشکلات هستند که آموزه‌های مکتب اسلام راهکارهای مؤثری در این باره ارائه کرده است.

این در حالی است که مکتب تمدنی اسلام، روش‌های دقیقِ پیشگیرانه برای دفع آسیب‌ها و تهدیدها احتمالی، همچنین شیوه‌های کاربردی برای اصلاح و درمان مشکلات ارائه داده است. اگر همه افراد جامعه از این روش‌ها مطلع و آگاه شوند و در سطح زندگی شخصی، خانوادگی و ملی و اجتماعی به کار ببندند، هیچ یک از افراد در تیررس این حوادث تلخ و ناگوار قرار نمی‌گیرند. تنها کافی است به الگوهای پیشنهادی اسلام در سبک زندگی اعتماد کنیم.

یکی از شدیدترین عتاب‌ها و مهم‌ترین خطاب‌های مکتب اسلام که در زندگی فردی و

اجتماعی انسان‌ها نقشی حیاتی دارد، موضوع امانت و خیانت است. اهمیت این موضوع به قدری است که در طول تاریخ گاهی سرنوشت و مسیر زندگی بشر را تغییر داده و جنایت‌ها و قتل و غارت‌های فراوانی ایجاد کرده است.

تمام صاحب‌منصبان الهی از انبیا امین بودند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ؛^۱ هر پیامبری را خدا مبعوث کرد، از او دو تعهد گرفت: راستگویی و امانت‌داری.»

پیامبر عزیز اسلام ﷺ نیز شهرت به «محمد امین» داشت و اعراب جاهلی و حتی مسلمانان بارها این خصیصه را در او مشاهده کردند. در ماجرای فتح مکه زمانی که پیامبر می‌خواست داخل کعبه را از بت‌ها پاک کند، کلیددار کعبه شخصی مشرک به نام عثمان بن طلحه بود؛ چون کلیدداری خانه خدا از قبل اسلام یک منصب و مقام رفیع بود. پس از آنکه داخل کعبه پاکیزه شد، عباس عموی پیامبر نزد حضرت آمد و عرض کرد: یا رسول الله، دیگر کلید را به این مشرک ندهید و این منصب را به من بدهید. آیه نازل شد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». ^۲ پیغمبر امانت را باید به اهلش برگردانید. رسول خدا ﷺ کلید را به عثمان مشرک بازگرداند.^۳

امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمودند: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِآدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَىٰ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ائْتَمَنَنِي عَلَىٰ أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ؛^۴ تقوای الهی پیشه کنید و امانت را به کسی که شما را امین دانسته است بازگردانید، زیرا اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی را به من بدهد آن را به او برمی‌گردانم.»

در همین ایام و لیالی، دختر رسول خدا ﷺ این ویژگی بارز خود را به رخ جهانیان می‌کشد و

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۲ ص ۱۰۴.

۲. نسا / ۵۸.

۳. مجمع البیان، طبرسی، ذیل آیه ۵۸ سورة نساء.

۴. الامالی، شیخ صدوق، ص ۳۱۸.

به همه همسران و خانواده‌ها درس زندگی برتر و راه رسیدن به خوشبختی را تعلیم می‌دهد. وقتی حضرت امیر علیه السلام کنار حضرت زهرا علیها السلام نشست، به حضرت عرض کرد: سه چیز در زندگی من با شما نبود: «مَا عَهْدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً» دروغ و خیانت مرتکب نشدم و هرگز با تو مخالفت نمودم.^۱ همه کسانی که از محبت زهرا ی اطهر دم می‌زنند، در هر جایگاهی که هستند و می‌خواهند عیار محبت فاطمه علیها السلام و ایمان خود را بسنجند، ملاک امانت‌داری است؛ چراکه خداوند در سوره مؤمنون به صراحت امانت‌داری را عیار و شاخصه ایمان بیان می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾^۲ مؤمنون کسانی هستند که امانت‌دارند.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به یکی از مسئولین حکومتی خود می‌نویسد: «مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَلَمْ يُنْزِرْهُ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الدَّلَّ وَالْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَدْلُّ وَأَخْزَى وَإِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَأَفْظَعَ الْعِشِّ غِشُّ الْأَيِّمَةِ»^۴ هر که کار امانت (مسئولیت) را سبک بشمارد و در آن خیانت روا دارد و جان و دین خود را از خیانت پاک نسازد، در این جهان در خواری و رسوایی را به روی خویش بگشاید و به آخرت خوارتر و رسواتر درآید. بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به مسلمانان است و زشت‌ترین دغل‌کاری دغل‌کاری بازمامداران است.»

بنابراین کسانی که خائن به امانات هستند، نه تنها در آخرت بلکه در دنیا نیز طعم تلخ خواری را خواهند چشید.

مصدق دیگری از امانت که مربوط به این ایام می‌شود، اتفاقاتی است که در پیش روی جامعه ما قرار دارد و نقش حیاتی در آینده جامعه ما خواهد داشت که انتخابات و انتخاب شخص اصلح یکی از مهم‌ترین این اتفاقات است و همگان باید نسبت به آن دغدغه داشته باشند؛ چراکه اگر

۱. بحرانی، عوالم العلوم، ج، ۱۱، ص ۱۰۶۶.

۲. مؤمنون / ۸؛ «و آنان که امانتها و پیمانهای خود مراعات می‌کنند.»

۳. مؤمنون / ۸.

۴. نهج البلاغه، نامه ۲۶.

شخص ناشایستی بر این منصب تکیه بزند، از چند جهت خیانت به آرمان‌های اسلام عزیز است: جهت اول آن است که اخبار سرّی حکومت و جامعه در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و موارد فراوانی از اسرار حکومتی را مطلع هستند و اگر شخصی نسبت به حفظ اسرار کوتاهی کند، خیانت کرده است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَفْشَى سِرّاً اسْتُودِعَهُ فَقَدْ خَانَ؛^۱ هر که رازی را که به او سپرده شده فاش کند خیانت کرده است.»

جهت دوم این است که تصویب و تأیید مهم‌ترین قوانین کشور را که گاهی دغدغه دینی و ملی دین‌داران جامعه به آن وابسته است، همین نمایندگان تأیید یا رد می‌کنند که در صورت امانت‌شکنی گاهی جامعه را با آسیب‌های جدی روبه‌رو خواهد ساخت. سومین جهت، وظیفه نظارتی نمایندگان و پیگیری آنان است که اگر نماینده‌ای اهل اهمال و بی‌توجهی باشد، زمینه گسترش خیانت را فراهم می‌سازد.

اگر ما مردم در انتخابات به شخص غیراصالح رأی بدهیم نه تنها خیانت کرده‌ایم، بلکه این انتخاب نادرست سبب ایجاد بی‌اعتمادی و ضعف اعتقادی عموم جامعه خواهد شد و در انتخابات آتی نیز درصد مشارکت مردم را پایین آورده و جایگاه نظام را دچار تنزل خواهد کرد. لذا همه ما وظیفه داریم شخص امین و صالح را انتخاب کنیم.

همین جا لازم است نکته‌ای را به نامزدهای انتخاباتی گوش زد کنیم: کسی که مسئولیت کاری را قبول کند که بیش از حد توان اوست یا شخصی بهتر از او نیز وجود دارد، قطعاً چنین شخصی خائن و امانت‌شکن است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: شایسته نیست که مؤمن خودش را خوار کند. پرسیدند: مولا جان چگونه مؤمن خوار می‌شود؟ حضرت فرمودند: «يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ فَيُدْلُّهَا؛^۲ به کاری مشغول شود که از توان او بیشتر است.»

۱. غررالحکم، ج ۵، ص ۲۶۸.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۳.

گاهی مشغول شدن نمایندگان به غیر اولویت‌ها، کشمکش‌های حزبی و جناحی، بی‌جواب گذاشتن اعتراضات و دغدغه‌های همین مردمی که آن‌ها را انتخاب کرده‌اند، از مصادیق خیانت در حق مردم است که خدایی نکرده بی‌توجهی به آن در دنیا و آخرت گریبان‌گیر خواهد بود. عرض آخر اینکه، به اهل بیت علیهم‌السلام که بزرگ‌ترین امانت الهی هستند، بیشترین خیانت در طول تاریخ شد و سوگمندانه باید گفت: نمونه‌های بسیاری از این امانت‌شکنی‌ها نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام در تاریخ ثبت شده است.

اگر بر مظلومیت صدیقه طاهره علیها‌السلام گریان هستیم و از استغاثه‌ها و ناله‌های بی‌جواب آن حضرت می‌گوییم، باید بدانیم که فریادهای فاطمه علیها‌السلام بر سر کسانی بود که امانت‌دار خوبی نبودند. گریه‌های فاطمه علیها‌السلام از امانت‌شکنی مسلمانان بود.

هم فاطمه علیها‌السلام امانت خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، هم امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام امانتی الهی بود، مثل این ایام امیرمؤمنان علیه‌السلام که حقش غصب شد مردم امانت‌شکنی کردند، امانتی پیغمبر هم حرمتش حفظ نشد. در خانه فاطمه علیها‌السلام را شکستند^۱ و با تازیانه و غلاف شمشیر^۲ و حتی با سیلی^۳ و لگد^۴ او را آزار دادند. امانت‌شکنی مردم بی‌وفای تمامی نداشت؛ روز عاشورا در گودال قتلگاه امانتی را که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده بود: «حَسِينٌ مِّنِي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»^۵ فرزندش حسین علیه‌السلام را با سلاح‌های متعدد شمشیر و تیر و سنگ و نیزه و عصا بین دو نهر آب ذبح کردند.^۶

۱. عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۵۷۸.

۲. بحارالانوار، ج ۳۰ ص ۳۴۸.

۳. الاختصاص، شیخ مفید، ص ۱۸۵.

۴. همان.

۵. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱.

۶. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۸، ص ۳۰۷.



قهر دوسر باخت؛

ضرورت حضور حداکثری و آثار قهر با صندوق رأی

علیرضا مظاهری، جواد آقایان

مقدمه

نظام مردمسالار دینی نظامی است که دارای دو مؤلفه مردمسالاری و دینی بودن و شاخص‌های این دو مؤلفه باشد. شاخص‌های مردمسالاری در نظام مردمسالار دینی قاعدتاً با شاخص‌های مردمسالاری در نظام‌های دیگر متفاوت است. از آن‌جا که کلمه «دینی» صفت برای کلمه «مردمسالاری» است، پس بیانگر نوعی از مردمسالاری است که در چهارچوب دین باشد. همان‌طور که در اصطلاح «لیبرال‌دموکراسی»، نوعی از دموکراسی که در چهارچوب اصول لیبرالیسم است، مد نظر است.

نظام مردمسالاری دینی دارای شاخص‌هایی همانند مقبولیت مردمی و مشروعیت الهی، مشورت با مردم و مشارکت آن‌ها در اداره جامعه، آزادی مردم و گروه‌های سیاسی در نظام اسلامی، نقد و نصیحت نسبت به حاکم اسلامی و... است که می‌تواند ملاکی برای سنجش ماهیت و عملکرد آن باشد.

مقبولیت مردمی و مشروعیت الهی

نظام اسلامی به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، باید از دو رکن مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی (ناظر به دو مؤلفه مردم‌سالاری و دینی بودن) برخوردار باشد. برخلاف نظام‌های غربی که مشروعیت و مقبولیت با رأی و انتخاب مردم تحقق می‌یابد، در نظام اسلامی، طبق معارف قرآنی و روایی، مشروعیت و حق حاکمیت را خداوند به حاکم اسلامی می‌دهد نه مردم. طبق آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ خداوند بدون نظرسنجی از مردم، حاکم و ولی جامعه را مشخص می‌کند. بر همین اساس حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه وقتی از غضب حق خودش در حاکمیت سخن می‌گوید، می‌فرماید خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله او را انتخاب کرده بودند^۲ ولی مردم ایشان را به عنوان حاکم نپذیرفته بودند. بنابراین مردم در اعطای حق حاکمیت به حاکم اسلامی نقشی ندارند؛ حاکم یا به نصب خاص الهی است مثل معصومین علیهم السلام یا به نصب عام یعنی تعیین ویژگی‌های حاکم که بر اساس روایات معصومین علیهم السلام، در عصر غیبت، فقیه عادل باکفایت، در این مقام نصب شده است.

شاخص مشروعیت قوانین در دوران غیبت امام علیه السلام، فقه جعفری است که عدم مغایرت قوانین با فقه شیعه، معیار مشروعیت قوانین است. اما تحقق حاکمیت و نظام اسلامی نیازمند مقبولیت مردمی است. چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه به آن اشاره می‌کنند: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَازُوا عَلَى كُفَّةِ ظَالِمٍ، وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ، لِأَلْتَقِيَتْ حَبِلَهَا عَلَى غَارِبِهَا»^۳ اگر حضور شما نبود خلافت را نمی‌پذیرفتم. بنابراین یکی از شاخص‌های یک نظام مردم‌سالار دینی برخوردار از مقبولیت مردمی در عین

۱. مانده/ ۵۵.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، انتشارات تشیع، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش، خطبه ۳.

۳. همان.

بخش دوم: محتوای تبلیغی در انتخابات

مشروعیت الهی است.» منظور از مقبولیت مردمی، پذیرش عمومی مردم نسبت به تشکیل نظام اسلامی و عدم مخالفت و مانع تراشی برای تحقق و تداوم این نظام است. مهم‌ترین معیارهای مقبولیت مردمی عبارت‌اند از:

حضور و مشارکت مردم در انتخابات برای انتخاب مسئولین کشوری در رده‌های مختلف

حضور و مشارکت مردم در مراسم‌هایی که نوعی اعلام وفاداری به اصل نظام و ارزش‌های مبنایی نظام است، مثل راهپیمایی‌ها، حضور در مراسم رحلت امام راحل علیه السلام، استقبال عمومی از مسئولین رده‌بالای نظام و... .

عدم اعتراض‌های جدی مردمی نسبت به اصل نظام^۱

با روشن شدن جایگاه حضور و مشارکت مردم در انتخابات، به بیان ضرورت، علل و نتایج آن و سپس نتایج قهر با صندوق‌های رأی پرداخته خواهد شد.

ضرورت حضور و مشارکت مردم در انتخابات

حضور مردم در نظام جمهوری اسلامی دارای یک اصل محکم و یک سند متقن فکری است و صرفاً یک مسئله سیاسی نیست. با اینکه فواید سیاسی حضور مردم بی‌شمار است لکن اصل، فلسفه حضور مردم در نظام جمهوری اسلامی است؛ یعنی در جمهوری اسلامی، «جمهوری» یک بخش و «اسلامی» یک بخش دیگر هست که اگر جمهور حضور نداشته باشند، جمهوری اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند.

۱. چهار شاخص برای مردم‌سالاری دینی، ابوطالبی، مهدی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۹۲/۶/۱۷: <https://khl.ink/f/23847>

در اندیشه سیاسی حضرت امام و مقام معظم رهبری علیه السلام، حضور حداکثری و فعال مردم در عرصه انتخابات یک اصل است و اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی، حق همه آحاد جامعه و اصلی عقلانی و شرعی است. لزوم احساس مسئولیت انسان نسبت به سرنوشت فردی و جمعی خویش، از ارزش‌های پذیرفته شده اسلام است؛ به گونه‌ای که این مطلب در آیات، روایات و سیره مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است. بر همین اساس، مشارکت افراد در اداره امور اجتماعی و تعیین کارگزاران، از حقوق اولیه هر مسلمانی به حساب می‌آید. طبیعی است که هر انسانی حق دارد از حق خود استفاده نماید و در سرنوشت جامعه خود تأثیرگذار باشد. از همه مهم‌تر اینکه در جامعه دینی، حفظ نظام و تعیین سرنوشت جامعه وظیفه الهی است. از این رو حضرت امام خمینی علیه السلام همواره بر اهمیت انتخابات و ضرورت مشارکت حداکثری مردم تأکید داشتند: «این وظیفه‌ای است الهی، وظیفه‌ای است ملی، وظیفه‌ای است انسانی... همه ما باید در انتخابات شرکت بکنیم.»^۱

در منظومه فکری مقام معظم رهبری علیه السلام نیز شرکت در انتخابات مظهر احقاق حق و وظیفه الهی است؛ چنانچه ایشان فرموده‌اند: «انتخابات مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق است... هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خود معین کنند... این حق مردم است و متعلق به آن‌ها؛ اما تکلیف هم هست.»^۲ «کار بزرگ مردم در روز جمعه اولاً اصل مشارکت، ثانیاً نوع مشارکت و نوع انتخاب خواهد بود که امیدواریم خدای متعال همه دل‌های ما را، دل‌های ملت ایران را هدایت کند تا بتوانیم به بهترین وجهی در این عرصه ظاهر بشویم. من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در

۱. صحیفه امام، امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۸، ص ۳۸۱.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار کارگزاران حج، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۲۶/۱۱/۱۳۷۸، ۲۹۹۴، <https://khl.ink/f/2994>.

انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهمتر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.^۱

علل حضور و مشارکت مردم در انتخابات

امام خمینی علیه السلام، لزوم حضور حداکثری را تکلیف عقلی و شرعی دانسته و آن را موجب حفظ جمهوریت نظام می‌داند. مقام معظم رهبری علیه السلام نیز ضمن تکلیف خواندن لزوم حداکثری، عزتمندی، وفاق ملی، اقتدار ملی، استقلال، تحکیم نظام، آبروی اسلام، آبروی ملت و تقویت نظام جمهوری اسلامی را به عنوان عوامل و آثار لزوم حضور حداکثری یاد کرده است. در ادامه به توضیح مختصر برخی از علل می‌پردازیم.

الف) انجام تکلیف و واجب شرعی

شرکت در انتخابات هم حق مردم است و هم تکلیف شرعی و واجب شرعی است. در خصوص تکلیف و حق بودن حضور حداکثری در مشارکت‌های سیاسی و انتخابات، دو رویکرد وجود دارد. برخی آن را حق می‌دانند؛ یعنی حق همه شهروندان است که برای تعیین سرنوشت خود، در حکومت نقش داشته باشند؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام در بیان حقوق متقابل مردم و حکومت می‌فرمایند: «فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بُولَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ»^۲ خداوند برای من بر شما حقی قرار داد که زمام‌داری شما را بر عهده‌ام نهاد و شما را نیز بر من حق است، همان‌گونه که مرا بر شما. البته این حق به معنای بی‌تفاوتی یا عدم شرکت در مسائل سیاسی نیست. بر همین اساس است که در اسلام برخی از

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مردم شهرستان جیرفت، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۷/۰۲/۱۳۸۴، ۲۹۹۴، <https://khl.ink/f/2994>.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

وظایف مردم، مانند اطاعت از رهبر مطرح شده است. از سوی دیگر، اسلام به انسان‌ها این حق را داده است که خودشان سرنوشت کشورشان را تعیین و آزادانه مسئولان و رهبران کشور را انتخاب کنند. بر این اساس عدم حضور در پای صندوق‌های رأی، مذموم و ناپسند است؛ زیرا پشت پا زدن به وظیفه شهروندی است که در هیچ جای دنیا پسندیده نیست. طبق این دیدگاه، شرکت در انتخابات وظیفه‌ای شهروندی است و کسی نباید در انجام این وظیفه کوتاهی کند.

رویکرد دوم این است که حضور مردم در عرصه سیاسی، تکلیف الهی است؛ یعنی در جامعه دینی، همه انسان‌ها باید در تعیین سرنوشت خویش اثرگذار باشند؛ بنابراین هر یک از شهروندان، باید این حضور همگانی را تکلیف الهی بدانند. مشارکت سیاسی و حضور حداکثری در انتخابات، در اندیشه حضرت امام علیه السلام، هم حق و هم تکلیف است؛ بدین بیان که از یک سو، حق اولیه هر فرد است از حق خود استفاده کند: «هر کسی... حق اولی‌اش این است که خودش انتخاب بکند یک چیزی را که راجع به مقدرات مملکت خودش است.»^۱ از سوی دیگر، حضور حداکثری تکلیفی شرعی است: «نگوید که دیگران رأی می‌دهند. من هم باید رأی بدهم، تو هم باید رأی بدهی، آن روستایی هم که در کنار مزرعه خودش کار می‌کند باید رأی بدهد. تکلیف است. این یک تکلیف الهی است.»^۲

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات را هم حق می‌داند و هم تکلیف الهی: «انتخابات یک حق است و یک وظیفه. ما هر کدام به عنوان یک فرد از افراد این ملت، هم حق داریم در انتخابات شرکت کنیم و هم وظیفه. کسانی که به نظام جمهوری اسلامی معتقدند، قانون اساسی را قبول دارند، هم از این حق می‌خواهند استفاده کنند، هم این وظیفه را می‌خواهند انجام دهند...^۳ اولاً روز انتخابات روز یک جشن ملی است... ثانیاً روز

۱. صحیفه نور، امام خمینی علیه السلام، ج ۴، ص ۴۹۲.

۲. صحیفه نور، امام خمینی علیه السلام، ج ۱۵، ص ۱۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مردم قم، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام،



احقاق حقّ مدنی ملت است که می‌خواهند بیابند رأی بدهند و شرکت خودشان در اداره امور کشور را که حقّ آنهاست به دست بیاورند؛ ثالثاً یک تکلیف شرعی است.^۱

همچنین ایشان در جواب سؤالی درباره اصل و جوب حضور در انتخابات و هم درباره واجب عینی بودن آن فرمود: «شرکت در انتخابات نظام جمهوری اسلامی، برای افراد واجد شرایط یک وظیفه شرعی، اسلامی و الهی و واجب عینی است.»^۲

مهم‌تر از همه اینکه طبق نظر امام راحل، اگر عدم شرکت در انتخابات موجبات صدمه به اسلام را فراهم نماید و مصالح اجتماعی را در خطر اندازد، همه مسئول هستند و باید در برابر خداوند جواب‌گو باشند. از این‌رو هشدار می‌دهند: «اگر خدای نخواست بر اسلام یا کشور اسلامی، از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه‌ای وارد شود، یک یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهارِ توانا مسئول خواهیم بود و نسل‌های آینده که ممکن است از کناره‌گیری‌های کنونی مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند. پس یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه و رأی دادن است.»^۳

ب) انجام وظیفه اجتماعی خویش

حضور در انتخابات یک وظیفه عمومی و یک امر به معروف (یکی از مهم‌ترین معروف‌ها حکومت حق و عدل است) است. در جامعه حکومت عادلانه و حکومت حق باید باشد؛ باید

<https://khl.ink/f/21890> : ۹۷/۱۰/۱۹

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در گفت‌وگو با خبرنگار صداوسیما پس از شرکت در انتخابات، پایگاه اطلاع‌رسانی

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۹۸/۱۲/۲ : <https://khl.ink/f/44989>

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام دیدار با وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب، پایگاه اطلاع‌رسانی

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۶۸/۵/۳۱ : <https://khl.ink/f/323>

۳. صحیفه نور امام خمینی علیه السلام، ج ۱۸، ص ۳۳۶.

مردم به این معروف امر کنند و از ایجاد انحراف در دولت اسلامی یا از تشکیل یا ادامه حکومت طاغوتی جلوگیری کنند. پس حضور در انتخابات، انجام این مسئولیت توسط مردم را نشان می‌دهد.

پ) حضور مردم در انتخابات از مصادیق نصرت خداوند است

قرآن می‌فرماید: «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛^۱ «اگر شما خدا را نصرت کردید، خدای متعال هم شما را نصرت خواهد کرد.» نصرت کردن خدا یعنی سعی در تحقق اراده تشریحی الهی در روی زمین که جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین مصداقش است. هرکسی که جمهوری اسلامی را به هر شکلی نصرت کند، خدا را نصرت کرده است. جواب نصرت الهی هم «يَنْصُرْكُمْ» است؛ یعنی خدا هم شما را نصرت می‌کند.

در اول انقلاب، وقتی قدرت‌های مادی درجه‌یک دنیا روبه‌روی نظام جمهوری اسلامی بودند، نتوانستند کاری بکنند. می‌خواستند کشور را تجزیه کنند و نتوانستند. جنگ تحمیلی را راه انداختند و از همان روزهای اول تحریم کردند و روبه‌روز هم تشدید کردند؛ ولی هیچ‌گاه نتوانسته‌اند نظام را ساقط کنند!

ت) مشارکت بالا نشانگر اعتماد به نظام اسلامی

مشارکت گسترده در انتخابات، بسیار پرمعنا و مهم هست. مردم با میزان حضور بالا به معنای واقعی کلمه اعتماد خودشان را به نظام اسلامی نشان می‌دهند. یکی از هدف‌های دائمی جبهه دشمن از اول انقلاب تا امروز ایجاد یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام بوده است تا آمیختگی کامل نظام با مردم را از بین ببرد. انتخابات نشان‌دهنده ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه دشمن را به کلی از بین می‌برد.

۱. محمد/۷.

ج) حفظ جمهوریت نظام اسلامی

امام خمینی علیه السلام با طرح اندیشه حکومت اسلامی و نظریه‌سازی ولایت فقیه، نظام اسلامی را تشکیل دادند که در آن همه مردم، توانایی مشارکت در تقسیم و توزیع قدرت سیاسی را دارند. بر این اساس حضرت امام در شکل‌گیری و استمرار نظام اسلامی، بر دو مؤلفه «اسلامیت» و «جمهوریت» نظام سخت پافشاری نمودند و فرمودند: «ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم قوانین الهی است.»^۱ جمهوریت یعنی شرکت همه مردم در انتخابات.

چ) حفظ استقلال و آزادی

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقلال در عرصه سیاسی و اقتصادی است؛ اما حفظ این حاکمیت و استقلال، نیاز به حفظ و پاسداری دارد. یکی از راه‌های حفظ استقلال، حضور حداکثری در انتخابات است.

ح) همبستگی و انسجام ملی

یکی از ابزار مهم ایجاد همبستگی و انسجام ملی، انتخابات حداکثری است؛ چون زمینه وفاق و وحدت ملی را فراهم می‌نماید؛ چنانچه مردم با همبستگی انقلاب را به وجود آوردند. بر این اساس، ایجاد و استمرار آن نیز منوط به حضور حداکثری مردم در انتخابات است. مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند: «انتخابات یکی از میدان‌های مهم همبستگی است... مهم این است که مردم در این میدان گزینش، همبستگی خود را نشان دهند. ملت ایران این فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌ای نداشت. انقلاب اسلامی است که این

۱. صحیفه نور، امام خمینی علیه السلام، ج ۵، ص ۳۹۸.

فرصت را در اختیار ملت ایران گذاشته است.»^۱

و) افزایش عزتمندی

یکی از عوامل مهم شکل‌گیری و استمرار عزتمندی در سطح داخل و خارج کشور، حضور همه‌جانبه مردم در عرصه انتخابات و مشارکت سیاسی است؛ زیرا جامعه‌ای عزتمند است که از پشتوانه و سرمایه اجتماعی بیشتر برخوردار باشد و همه مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته باشند.

ه) تبلور مردم‌سالاری دینی

از مهم‌ترین راهکارهای استمرار و نهادینه‌سازی مردم‌سالاری، حضور مردم در انتخابات است؛ زیرا مردم رکن مهم نظام هستند و در شکل‌گیری، استقرار و استمرار آن نقش بسیار مؤثری دارند. بر این اساس است که امروزه جمهوری اسلامی از کشورهایی است که بیشترین انتخابات را دارد و این همان استمرار مردم‌سالاری دینی است که با حضور حداکثری نمود پیدا می‌کند.

ی) دعوت به شرکت در انتخابات، توأسی به حق است

در کنار مشارکت تک‌تک افراد، دعوت به مشارکت در انتخابات توسط همه آحاد مردم، با توجه به اسلامی بودن نظام، مصداق توأسی به حق است؛ پس دعوت به شرکت در انتخابات وظیفه‌ای است که همه باید این کار را انجام بدهند و افراد خانواده، دوستان، همکاران، آحاد مردم و کسانی را که با آنها سروکار دارند، به شرکت در انتخابات دعوت کنند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر

آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، ۳/۳/۸۴: <https://khl.ink/f/3291>

علل عدم حضور و مشارکت مردم در انتخابات

یکی از عواملی که باعث دلسرد شدن مردم از حضور در عرصه‌هایی همچون انتخابات می‌شود، عملکرد نامناسب مسئولان و نیز ناکارآمدی نهادهایی است که به صورت انتخابی شکل یافته‌اند. با این حال راهکار مقابله با چنین مشکلی، فاصله‌گیری از انتخابات و مشارکت‌های عمومی نیست؛ بلکه این امر با مسئولیت‌پذیری منتخبان و افزایش کارایی نهادها، ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، کارآمدی نظام به دو مقوله نظر دارد: نخست اینکه مردم با حضور حداکثری در انتخابات، مسئولان را انتخاب و سپس از آن‌ها حمایت کنند تا بتوانند در مدیریت و اداره کشور خوب ظاهر شوند. از سوی دیگر، مشارکت عمومی نشانگر آن است که نظام در مقبولیت و کارآمدی خود موفق بوده است؛ زیرا مردم با شرکت در انتخابات، میزان گرایش خود به نظام را نشان می‌دهند. امروزه دشمنان وانمود می‌کنند که نظام اسلامی ایران مقبولیت خود را از دست داده است؛ زیرا حضور آن‌ها در انتخابات کاهش یافته است. مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند: «امروز تبلیغات دشمنان سوگندخورده این ملت، متوجه این است که این انتخابات را کم‌رنگ و بی‌رونق کند.»^۱ بر این اساس آنچه به عنوان محور کلیدی بحث انتخابات می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، مسئله کارآمدی است. کارآمدی تا آنجا در مسئله مدیریت کشور اهمیت دارد که می‌تواند شاخصه‌ای برای مشروعیت داشتن یا نداشتن کارگزاران در نظام اسلامی قرار گیرد. رهبر فرزانه انقلاب درباره نسبت بین کارآمدی و مشروعیت می‌فرمایند:

«مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که روی کارایی‌ها و کارآمدی مسئولان، طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و برای وزیر شرایطی

۱ بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، در مراسم شانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ۱۴/۳/۸۴: <https://khl.ink/f/3295>.

قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت بر عهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند.»^۱

«آنچه برای مردم در این انتخابات و همه‌گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روزبه‌روز ارتقا پیدا کند. این اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئیس‌جمهور یا دنبال نماینده مجلس می‌گردند یا دنبال دیگر کسانی هستند که می‌خواهند آن‌ها را با انتخاب تعیین کنند، در پی آن هستند که انسان‌های کارآمدی را بر اریکه مسئولیت بنشانند تا بتوانند سطح کارآمدی نظام را افزایش بدهند و مشکلات مادی و معنوی مردم را حل کنند؛ این خواست مردم است... مردم می‌خواهند کسانی مسئولیت‌ها را بر عهده بگیرند که دلسوز، باکفایت و کارآمد باشند.»^۲

در نتیجه، کارآمدسازی نظام جمهوری اسلامی را می‌توان مهم‌ترین دستاورد انتخابات دانست؛ انتخاباتی که در آن مردم با حضور حداکثری رأی‌دهندگان با آگاهی کامل و مبتنی بر فهم صحیحی از شرایط و نیازها و اولویت‌های کشور، به نامزدهایی رأی دهند که شایسته‌ترین افراد برای تصدی مسئولیت باشند. از این‌رو، بهترین راهکار جهت افزایش کارآمدی نظام، انتخاب مسئولان شایسته و حضور همه‌جانبه مردم در عرصه‌های سیاسی است.

نتایج عدم حضور و مشارکت مردم در انتخابات

در نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی حاکم است و باید تمامی اداره امور کشور طبق آن باشد. قانون اساسی انتخابات را اصلی اساسی می‌داند و همه ارکان حکومت از سوی مردم

۱. مقام معظم رهبری علیه‌السلام، حکم انتصاب رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، ۶/۶/۲۰۱۸: <https://khl.ink/f/325>.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در خطبه‌های نماز عید فطر، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، ۸۳/۸/۲۴: <https://khl.ink/f/3260>.

انتخاب می‌شوند. پس رأی مردم مهم است. قهر کردن با صندوق رأی هیچ اتفاقی را رقم نخواهد زد؛ چراکه با حضور حداقلی عده‌ای از مردم نیز انتخابات برگزار می‌شود و کسانی مسئولیت امور را بر عهده خواهند گرفت. پس رأی ندادن بدترین کار است. از طرفی با مشارکت پایین در انتخابات، هیچ مشکل حقوقی ایجاد نمی‌شود و اعتبار و مشروعیت آن همچنان پابرجاست. نتایج عدم حضور و مشارکت حداکثری عکس نتایج حضور حداکثری هست.

نتایج زیر تنها بخشی از عواقب عدم حضور در انتخابات و مشارکت حداقلی است: عدم انجام تکلیف و واجب شرعی، کاهش مقبولیت مردمی، عدم انجام وظیفه اجتماعی مردم، عدم یاری حکومت دینی، کاهش اعتماد به نظام اسلامی، در معرض خطر قرار گرفتن جمهوریت نظام اسلامی، مشکلات امنیتی و کاهش استقلال و آزادی کشور، کاهش همبستگی و انسجام ملی، کاهش عزتمندی و توان خارجی کشور و روی کار آمدن مسئولانی با رأی حداقلی، نداشتن پشتوانه مردمی کارگزاران، پاسخگو نبودن به مردم، رونق بی‌رمقی و کسالت کنش اجتماعی و سیاسی در مسئولان و مردم.



الگوی انتخاب اصلح

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

انتخابات در پیش است و مبلغان به مانند سایر اقشار فرهنگی جامعه در این همایش شکوهمند نقش‌آفرین‌اند. شاید بتوان گفت وظیفه ما به‌عنوان مبلغان حوزه علمیه‌ای که مسئولیت روشنگری و هدایت جامعه را بر عهده دارد، ارائه بهترین روش مشارکت و بهترین معیار برای تشخیص افراد واجد شرایط نمایندگی است. در این راستا با اطمینان کامل، شاخصه‌های مدنظر مقام معظم رهبری علیه‌السلام را به‌عنوان بهترین معیارهای انتخاب اصلح تأکید و بر معیار بودن این شاخصه‌ها برای انتخابات به‌عنوان یک الگوی مورد قبول عقل و شرع، سفارش می‌کنیم. بدین ترتیب به‌جای تکیه به تمایلات محله‌ای، قبیله‌ای، حزبی و... بر شاخصه‌های مدنظر امام و ولیّ جامعه تکیه کنیم.

جدول زیر نمونه فرمی است که به‌صورت عملیاتی می‌تواند ما را به نماینده اصلح برساند. این جدول توسط برخی از گروه‌های فرهنگی حوزوی در راستای ترویج این الگو به‌عنوان یک رفتار انتخاباتی معقول و مشروع استخراج و دسته‌بندی شده است.

مبلغین محترم همچنان می‌توانند اصل این شاخصه‌ها را بدون توجه به مصادیق فردی آن در محله و منطقه ترویج کنند.

ضمناً قبل از ارائه جدول، لیستی از مطالبات مقام معظم رهبری علیه السلام از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود تا مبلغین گرامی از نامزدهای انتخابات مجلس که برای تبلیغ به میان مردم می‌آیند مطالبه کنند و خواستار ارائه برنامه خود در این زمینه‌ها شوند:^۱

۱. تقویت عوامل اقتدار کشور؛
۲. دنبال‌کننده کارهای مهم و اساسی؛
۳. تلاش برای ارتقای روش‌های قانون‌گذاری؛
۴. اقدام برای حذف قوانینی که قابلیت عملیاتی شدن ندارند؛
۵. برای تصویب قوانینی که در پی حل مشکلات عمومی، به‌ویژه مشکلات طبقات ضعیف باشد تلاش کند؛
۶. نمایندگان نگذارند قانون در اختیار کسانی قرار بگیرد که از زر و زور استفاده می‌کنند؛
۷. مراقب باشند در تنظیم قانون جنبه کارشناسی به شدت رعایت شود؛
۸. قانون‌های تحت تأثیر سبک زندگی غرب تصویب نشود؛
۹. برای تصویب قوانین در راستای اقتصاد مقاومتی تلاش کنند؛
۱۰. پیگیری اجرای قوانین مصوب؛
۱۱. لزوم رفتار و برخورد انقلابی؛
۱۲. نگهبانی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبانی نظام؛
۱۳. حضور جدی در جلسات عمومی و جلسات کمیسیون‌ها؛
۱۴. نماینده اشرافی‌گرا نباشد؛
۱۵. نماینده باید دشمن‌شناس باشد و روحیه و خباثت دشمن را بشناسد؛
۱۶. نمایندگان به‌گونه‌ای عمل کنند که مجلس مظهر اقتدار کشور باشد؛
۱۷. مجلس باید نماد امید باشد نه نماد خودکم‌بینی و یاس و بی‌مبالاتی؛

۱. مستندات مطالب ذیل در زمینه ارائه شده در پایان مقاله موجود است.

۱۸. نماینده باید از لحظه لحظه وقت استفاده کند و تنها مسائل اولویت دار را طرح کند؛

۱۹. لازم است سفرهای خارجی نمایندگان در حد ضرورت باشد؛

محرورها	شاخصه‌ها	ضریب	کاندیدا (۱)	کاندیدا (۲)	کاندیدا (۳)	کاندیدا (۴)
محور اعتقادی	<p>۱. اعتقاد به اسلام و اجرای احکام آن (صحیفه، ج ۱۴، ص ۴۱۱)</p> <p>۲. مؤمن، اگر نگوییم مؤمن‌ترین (۱۳۷۴/۱۲/۰۱)</p> <p>۳. متدین (۱۳۸۲/۱۱/۲۴)</p> <p>۴. پایبند به مبانی اسلام و ارزش‌های اسلامی (۱۳۸۶/۱۲/۲۲)</p> <p>۵. کفایت اعتقادی (۱۳۸۲/۹/۲۶)</p>	۳				
الزام عملی	<p>۱. پایبندی به نظام و قانون اساسی (۱۳۸۲/۱۰/۱۸)</p> <p>۲. معتقد و پایبند به ولایت فقیه و نظام اسلامی و قانون اساسی (صحیفه امام <small>علیه السلام</small>، ج ۱۴، ص ۴۱۱)</p>	۴				
فهم سیاسی	<p>۱. عدم اعتماد به افراد منحرف (۱۳۷۱/۱/۷)</p> <p>۲. نماینده باید دارای فهم و درک سیاسی باشد؛ هم مسائل خارجی و توطئه‌های دشمنان را و هم مسائل داخلی و نیازهای مردم را بفهمد (۱۳۷۴/۱۱/۲۰)</p> <p>۳. دشمنی‌های استکبار جهانی را بفهمد (۱۳۷۱/۱/۷)</p> <p>۴. نگاه کلان ملی داشتن (۱۳۷۱/۱۱/۲۰)</p> <p>۵. وجدان سیاسی داشته باشد (۱۳۷۱/۱/۷)</p>	۲				

مخبرها	شاخصه‌ها	ضرب	کاندید (۱)	کاندید (۲)	کاندید (۳)	کاندید (۴)
انقلابی باشد	<p>۱. باید انقلابی باشد؛ اگر نگوئیم انقلابی‌ترین (۱۳۷۴/۱۲/۰۱)</p> <p>۲. باید دنبال راه امام و در خط او باشد (۱۳۷۴/۱۲/۰۱)</p> <p>۳. مدافع اسلام ناب محمدی ﷺ (صحیفه امام <small>علیه السلام</small>، ج ۴۱، ص ۱۱)</p> <p>۴. ترجیح مصالح عمومی بر مقاصد حزبی و گروهی (صحیفه، ج ۱۲، ص ۱۸۵)</p> <p>۵. عدم وابستگی و تمایل به شرق و غرب (۱۳۷۵/۳/۱۱)</p> <p>۶. پابندی به وحدت و انسجام ملی (۱۳۷۴/۳/۸)</p> <p>۷. حفظ عزت ملی (۱۳۷۱/۱۱/۲۰)</p>	۳				
جوان‌گرایی	<p>تأکید فراوان مقام معظم رهبری <small>علیه السلام</small> بر جوان‌گرایی در بیانیه گام دوم از جمله «آینده در انتظار جوانان عزیز است»</p>	۱				

مخبرها	شاخصه‌ها	ضرب	کاندید (۱)	کاندید (۲)	کاندید (۳)	کاندید (۴)
استکبار ستیزی	<p>۱. کسانی باشند که مرز روشنی با دشمن داشته باشند (۱۳۸۶/۱۲/۲۲)</p> <p>۲. بعضی، از دشمن رودر بایستی دارند؛ بعضی ملاحظه دشمن را می‌کنند... کسانی که مرزشان با دشمن و دست‌نشانندگان دشمن کم‌رنگ است، اینها برای ورود به مجلس اصلاح نیستند (۱۳۸۶/۱۲/۲۲)</p> <p>۳. دلش نخواهد که از استکبار جهانی تملق بگوید (۱۳۷۱/۱/۷)</p> <p>۴. تملق‌گوی استکبار مجلس را خراب می‌کند (۱۳۸۲/۱۱/۴)</p>	۳				
سطح اقتصادی	<p>۱. طعم تلخ فقر را چشیده باشند (صحیفه امام <small>علیه السلام</small>، ج ۴۱، ص ۱۱)</p> <p>۲. باید طرفدار حقوق محرومین باشد (۱۳۸۶/۱۲/۲۲)</p> <p>۳. ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافیگری (۱۳۸۳/۳/۶)</p> <p>۴. دوری از بیماری رفاه‌زدگی و عشرت‌طلبی (۱۳۷۰/۳/۱۳)</p>	۲				

محتورها	شاخصه‌ها	ضریب	کاندید (۱)	کاندید (۲)	کاندید (۳)	کاندید (۴)
پاک دستی و دوری از فساد و مفسدان مالی	<p>۱. عدم وابستگی به کانون‌های قدرت و ثروت (۱۳۸۲/۱۱/۲۴)</p> <p>۲. دوری از زدوبند نامشروع و فساد مالی و اداری (۱۳۷۰/۳/۱۳)</p> <p>۳. باید ضد فساد هم باشد و با فساد مالی و اقتصادی به شدت و به جد، از بُن دندان و نه به لفظ، مخالف باشد (۱۳۸۲/۱۰/۱۸)</p> <p>۴. وعده عمرانی و پروژه و کار را در منطقه انتخابی خود به مردم ندهد؛ وعده‌هایی که معلوم است نمی‌توانند به آن‌ها عمل کنند (۱۳۸۶/۱۰/۱۰)</p> <p>۵. تبلیغات پُرخرج هم نکنند (۱۳۸۰/۲/۲۸)</p> <p>۶. وامدار ثروتمندان و قدرتمندان نباشد (۱۳۸۲/۱۱/۲۴)</p> <p>۷. نه به مراکز ثروت‌های شخصی متصل باشد و نه به ثروت‌های عمومی و پول بیت‌المال (۱۳۹۰/۱۰/۱۹)</p>	۳				
رای آوری	<p>مراد از رای آوری احتمال رای آوری بعد از یک تلاش تبلیغاتی معقول، منطقی با توجه به امکانات است</p>	*				



مجوړه	شاخصه‌ها	ضريب	کانديد (۱)	کانديد (۲)	کانديد (۳)	کانديد (۴)
کارآمدی و تخصص	<p>۱. توانمند باشد (۱۳۸۲/۱۰/۱۸)</p> <p>۲. کارآمد باشد (۱۳۸۲/۱۱/۲۴)</p> <p>۳. اولویت‌ها را بفهمد (۱۳۷۱/۱/۷)</p> <p>۴. حتی المقدور باتجربه باشد (۱۳۷۸/۱۱/۱۳)</p> <p>۵. دلسوز مردم باشد (۱۳۷۱/۱/۷)</p> <p>۶. جوان‌گرا باشد و به جوانان اعتقاد داشته باشد (۱۳۸۲/۹/۲۵)</p> <p>۷. خدوم، امتحان‌داده، باکفایت، برنامه‌دار، خوش‌نام باشد (۱۳۸۲/۹/۲۵)</p> <p>۸. عالم هم باشد (۱۳۸۲/۱۰/۱۸)</p>	۲				

مجموعه‌ها	شاخصه‌ها	ضریب	کاندید (۱)	کاندید (۲)	کاندید (۳)	کاندید (۴)
اخلاق و شیون نمایندگی	۱. اولین شرط تقواست (۱۳۸۲/۱۰/۱۸)	۱				
	۲. رعایت اخلاق و ادب (۱۳۷۱/۳/۷)					
	۳. کفایت اخلاقی هم لازم است (۱۳۸۲/۹/۲۶)					
	۴. شجاع باشد؛ اگر نگوییم شجاع‌ترین (۱۳۷۴/۱۲/۰۱)					
	۵. با اخلاص (۱۳۷۴/۱۱/۲۰)					
	۶. صادق و صمیمی باشد و بخواهد برای مردم کار کند (۱۳۸۲/۱۰/۱۸)					
	۷. اشخاصی که امین هستند (۱۳۸۷/۱۱/۱۳)					
	۸. از بیماری تکبر و دوری از مردم دور باشد (۱۳۷۰/۳/۱۳)					
	۹. ساده‌لوح نباشد (۱۳۷۸/۱۱/۲۶)					
	۱۰. به خاطر ترس از دیگران، به جای اینکه به ملت گرایش نشان دهد، به دشمن گرایش نشان می‌دهد...، او لایق و شایسته این کار نیست (۱۳۷۸/۱۱/۲۶)					
	۱۱. دلسوز باشد، به خصوص برای طبقات محروم (۱۳۸۲/۱۱/۲۴)					
	۱۲. مردمی بودن؛ نه به این معنا که فقط انسان هرگاهی یک بار به محل انتخابات سرزنند (۱۳۸۷/۳/۲۱)					
جمع امتیازات						



۳

بخش سوم: شبہات انتخاباتی



بخش سوم: شبهات انتخاباتی

مرکز مطالعات و پاسخگویی به سوالات و شبهات حوزه

آیا مسئولین در کشور ما همه توسط مردم انتخاب می‌شوند و پاسخگو هستند؟

در پاسخ به این سؤال مناسب است در قالب دو عنوان به موضوع بپردازیم

۱. جمهوریت نظام

حکومت اسلامی در ایران، جمهوری است، این شکل از حکومت، نشان دهنده نوعی از حکومت انتخابی است که مردم در آن حق تعیین سرنوشت دارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت این حق را به رسمیت شناخته می‌گوید: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.^۱

ملت مسلمان ایران این حق را از مجرای انتخابات و نهادهای سیاسی منتخب خویش اعمال می‌کنند. این انتخاب به دو شکل صورت می‌گیرد؛ یکی مستقیم و دیگری غیر مستقیم.

۱. اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی.

بعضی از نهادهای سیاسی با انتخاب مستقیم ملت ایجاد می‌گردد. نمایندگی مجلس^۱ و ریاست جمهوری^۲ از این نوع است، ولی برخی دیگر به شکل غیر مستقیم و با واسطه انتخاب می‌گردند. رهبری و ریاست قوه قضائیه به این شیوه از سوی مردم گزینش می‌شوند. رهبر را خبرگان انتخاب می‌کند،^۳ در حالی که خود برگزیده مردم است و ریاست قوه قضائیه نیز از سوی رهبری برگزیده می‌شود^۴ که خود به یک واسطه به مردم می‌رسد.

بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که مدیریت سیاسی در کشور جمهوری اسلامی تماماً برگزیده مردم‌اند و هیچ مدیر و مسئولی نیست که به نحوی به انتخاب و گزینش مردم برنگردد.

۲- استقلال نهادهای اساسی کشور و پاسخگویی مسئولین

در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، ضمن بیان قوای حاکم و نهادهای اساسی حاکمیت ملت (قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه) بر استقلال آن‌ها از یکدیگر تصریح شده است. منظور از استقلال قوا این است که هیچ کدام از آن‌ها نمی‌توانند به طور مستقیم و رأساً در کار دیگری دخالت کند و هر کدام باید به طور جداگانه و بدون اعمال نفوذ قوه دیگر، وظایف خود را انجام داده، اختیارات خود را به کار بگیرد. کسانی که استقلال قوا را مطرح کرده‌اند، در واقع اساس آن را حفظ آزادی‌ها و نفی دیکتاتوری دانسته‌اند.^۵

در مجموع می‌توان گفت ما در ساختار قدرت سیاسی جمهوری اسلامی، نهادی که ریشه در انتخاب و گزینش مردم نداشته باشد، نداریم و همه مدیران عالی و نهادها یا به شکل مستقیم یا به شکل غیر مستقیم انتخابی است و به مردم بر می‌گردد و ما در جمهوری اسلامی ایران

۱. اصل ۶۲ قانون اساسی.

۲. اصل ۱۱۴ قانون اساسی.

۳. اصل ۱۰۷ قانون اساسی.

۴. اصل ۱۵۷ قانون اساسی.

۵. مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی، عمید زنجانی، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

مقامی که پاسخگو نباشد، نداریم. برای این‌که هیچ ابهامی باقی نماند، جایگاه قانونی رهبری به عنوان بالاترین مقام در ساختار قدرت سیاسی جمهوری اسلامی، از این نقطه نظر مورد بررسی قرار می‌دهیم. ملاحظه کنید؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی، برای ولی فقیه وظایف و مسئولیت‌های سنگین و متعددی قائل شده است.^۱ این مسئولیت‌ها به طور طبیعی او را در مقام پاسخگویی نیز قرار می‌دهد. این وجه ممیزه مهمی میان مقام سلطنت موروثی و ولایت فقیه از نظر قانون اساسی است. براساس قانون اساسی مشروطه، هیچ مسئولیتی متوجه شاه نبود، او باید تنها سلطنت می‌کرد و نه حکومت و بر این اساس انتقاد و سؤال از شاه نیز موضوعیت پیدا نمی‌کرد و با اتکاء به قانون اساسی از هرگونه پاسخگویی مبرا بود، ولی قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی مسئولیت‌هایی را متوجه رهبری و ولی فقیه ساخته و به همین دلیل او را موظف به پاسخگویی نیز کرده است. اصل یکصد و هفتم بر این موضوع تصریح کرده است که رهبر منتخب خبرگان ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را به عهده دارد و در برابر قوانین با سایر افراد مساوی است.^۲

رهبر معظم انقلاب علیه السلام نیز در یکی از بیانات رسمی خود، ضمن برشماری رنج‌های ملت ایران در طول قرن‌های متوالی سلطه شاهان می‌فرماید: «در نظام اسلامی، اعتبار همه مسئولان به این است که خود را کمر بسته دین خدا و مجری قوانین و متعهد به قانون اساسی بدانند. مردم این را می‌خواهند و انتخاب کرده‌اند. اگر کسی قدم کج بگذارد و از این راه منحرف شود چه خود رهبری باشد، چه رئیس جمهوری باشد چه دیگر مسئولان، قبل از آن که ساز و کار اجرایی برای کنار گذاشتن آن‌ها به کار بیافتد، خودشان منعزل و کنار رفته‌اند.»^۳

راهکارهای نظارتی قانون اساسی نیز از جمله مواردی است که رهبری را در مقام

۱. اصل ۱۱۰ قانون اساسی.

۲. نشریه چشم‌انداز ایران، مهندس میثمی، ش ۱۰، ص ۷.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۸۰/۵/۱۱.

پاسخگویی قرار می‌دهد. اصل یکصد و یازدهم به خبرگان رهبری وظیفه می‌دهد، در صورت ناتوانی یا فقدان برخی از شرایط، رهبری را عزل و برکنار نمایند. طبق اصل یکصد و چهل و دوم داری رهبر توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که افزایش نیافته باشد. اینها هم نشان دهنده این حقیقت است که ما رهبر مسئول و پاسخگو داریم. نه رهبر غیر مسئول و غیر پاسخگو. بدیهی است وقتی رهبری باید در قبال عملکرد خود پاسخگو باشد. دیگر چه مقامی می‌تواند از پاسخگویی امتناع ورزد.

آیا این درست است که در جامعه ما نوجوانانی که از سیاست و قانون اطلاعات کمی دارند رأی‌شان با یک محقق و قانون‌دان و فرد باتجربه در انتخابات بسیار مهمی مثل مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری یکسان باشد؟

در مورد انتخابات و رأی در نظامهای مختلف آراء گوناگونی مطرح است اما امروزه مقبول‌ترین نوع انتخابات آن است که همگانی باشد یعنی همه شهروندان صرف نظر از جنس، (مرد یا زن)، نژاد، کیش و مذهب حق شرکت در انتخابات را داشته باشند. همگانی شدن انتخابات از حقوقی است که آسان به دست نیامده است زمانی بوده که فقط دارندگان ثروت به ویژه ملاکان و صاحبان زمین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشتند و بانوان از حق رأی محروم بودند ولی در دموکراسی‌های معاصر حق رأی مبتنی بر وضع اجتماعی طبقات خاص نیست و دموکراتیک^۱ بودن انتخابات ایجاب می‌کند که همه افراد کشور به طور برابر از حق رأی و انتخاب کردن بهره‌مند باشند مگر آنکه مصلحت اجتماع خلاف آن را ایجاب کند مانند محکومیت‌های جزائی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می‌شود.

۱. مسائل حقوقی اساسی، دکتر جعفر بوشهری، نشر دادگستر، چاپ اول، بهار ۷۶، ص ۷۷.

۲. حقوق اساسی، دکتر منوچهر طباطبایی مؤتمنی، نشر میزان، چاپ اول، ص ۱۴۹.

رأی نابرابر که در سابق در برخی از کشورها مرسوم و متداول بوده امروزه در همه جا ملغی شده است و این محدودیت‌ها مغایر با اصل تساوی حقوق افراد تلقی شده است حال پس از این مقدمه کوتاه می‌خواهیم بدانیم آیا رأی افراد کم اطلاع از قانون و سیاست با افراد آگاه و باتجربه و به طور کلی رأی جاهل با عالم در انتخاب حاکمان یکسان است یا خیر؟ برای این منظور ابتدا باید حق حاکمیت و بنای حقوقی آن را در نظام جمهوری اسلامی ایران تحلیل کنیم. طبق اصل پنجاه و ششم قانون اساسی «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منفعت فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید. اعمال می‌کند» به ترتیبی که ملاحظه می‌شود، قانون اساسی برای اصل حاکمیت دو مبنای الهی و انسانی قائل شده است. طبق مبنای الهی «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست»^۱ زیرا هستی جهان آفرینش از اوست و دستگاه عظیم خلقت تماماً از او نظام یافته است. پس حکم تنها از آن خداوند برتر بلندمرتبه^۲ است.

طبق مبنای انسانی «هم او (خداوند) انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است... ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند» البته «اراده انسانها و دولتی که بر مبنای آن زمام امور را به دست می‌گیرد حق ندارد از نوامیس الهی و قوانین فطری تخلف کند.»^۳ زیرا مردم و به تبع آن دولت حاکمیت خود را به عنوان امانت از خدا می‌گیرند و طبیعی است که نمی‌توانند از اراده او به عنوان سرچشمه قدرت خود سرپیچی کنند به این ترتیب رأی دادن و هر شیوه دیگر اعمال حاکمیت که مخالف با حاکمیت الهی و

۱. «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف/۴۰).

۲. «فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ» (مؤمن/۱۲).

۳. حقوق اساسی، دکتر منوچهر طباطبایی مؤتمنی، نشر میزان، چاپ اول، ص ۲۱۴.

هدف‌ها و مصلحت‌هایی که او تعیین کرده است باشد مشروعیت نخواهد داشت و در مورد ارزش رأی افراد کم اطلاع یا بی اطلاع، اگر جهل و بی اطلاعی این افراد به طوری باشد که رأیشان مخالف حاکمیت الهی (به طور کلی) باشد فاقد ارزش است چنانچه اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است» و اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، ... با رعایت موازین اسلام برخوردارند» علاوه بر این نباید از نظر دور داشت که آراء گوناگونی که در تصمیم‌ها و اعمال سیاسی مؤثر می‌افتد تنها به شمار افراد نیست. نفوذ آگاهان جامعه هیچ تناسبی با تعداد اندک آنان ندارد. این اشخاص از حقایق باخبرند. دلایل وقوع حوادث را می‌دانند. در طرح مسائل ورزیده‌اند اثر شگرف و به درجات بیش از اشخاص دیگر بر جامعه دارند^۱ همچنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُلُوكُ حُكَّامُ النَّاسِ وَالْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى الْمُلُوكِ»^۲ زمامداران فرمانروای مردم و علماء فرمانروای زمامدارانند.» بنابراین به طور خلاصه در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه جمهوریت نظام به اسلامیت آن مقید شده است اگر رأی افراد از چارچوب اسلام خارج شود ارزش و مشروعیت نخواهد داشت بدین سان برابری رأی عالم و جاهل که یک انتقاد اساسی به دموکراسی به شمار می‌آید در جمهوری اسلامی ایران تا حد ممکن تعدیل شده است. در واقع نظام اسلامی ضمن آنکه حافظ رأی مردم اعم از عالم و جاهل هست حافظ عدالت و علم و ایمان و حکم الهی نیز است تا در لابلای آرای عمومی نادیده انگاشته نشود.

۱. مسائل حقوق سیاسی، دکتر جعفر بوشهری، نشر دادگستر، چاپ اول، بهار ۷۶، ص ۱۱۹.

۲. عواندالایام مرحوم نراقی، ص ۱۸۶.

آیا تعدد احزاب در انتخابات نقطه قوت انتخابات است یا مشکل آفرین؟

اصطلاح حزب در معنای گسترده آن یعنی فرقه، گروه، جنبش و دسته سابقه دیرینه‌ای دارد و در همه ادوار جوامع بشری وجود داشته است. حزب در این معنا شامل عده‌ای از افراد بوده که به لحاظ یک ویژگی مشترک مثل زبان و نژاد و یا یک هدف و آرمان مشترک مثل تهذیب نفس با یکدیگر تعامل و کنش و واکنش مشترکی داشته‌اند.

امروزه حزب، به اصطلاحی خاص تبدیل شده است که دارای کارکردهای سیاسی بوده و یکی از نمودهای بارز توسعه سیاسی در کشور به حساب می‌آید. یکی از کارویژه‌های احزاب در موضوع انتخابات متجلی می‌شود و از آنجایی که وجود یا عدم و نیز وحدت یا تعدد احزاب در جهت‌گیری کیفی انتخابات نقش آفرین است، لازم است همه این گزینه‌ها بررسی شده و گزینه‌ای که زمینه ساز انتخاباتی مطلوب است، مشخص و تقویت شود.

به طور کلی در زمینه وجود و تعدد احزاب و نیز مطلوبیت یا عدم مطلوبیت آن می‌توان نظریات متعددی مطرح کرد همچون نظریه طرفداران وجود و تعدد احزاب سیاسی و نظریه عدم مطلوبیت تعدد احزاب و بالاخره نظریه اسلام که در این جا به دو دیدگاه طرفداران تعدد احزاب سیاسی و نظریه اسلام اشاره ای می‌کنیم:

نظریه وجود و تعدد احزاب سیاسی و مطلوبیت آن:

احزاب سیاسی که وظیفه سازماندهی سیاسی کشور را به عهده دارند، ابتدا به عنوان یک فکر و اندیشه سیاسی مطرح می‌گردند. در صورتی که این اندیشه سیاسی پرورانیده شود و با ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و پیشینه سیاسی جامعه سنجیده شود و امکان عملی بودن و عملی شدن آن در کوتاه مدت و دراز مدت معلوم شود می‌تواند نطفه بگیرد، تولد پیدا کند، و پرورش یابد، و زنده بماند و نقش مطلوب خود را به عنوان واسطه میان ملت و دولت ایفا کند.^۱

۱. تحزب در ایران، دکتر غلام عباس، ضرورت توسعه احزاب سیاسی مستقل در جمهوری اسلامی ایران،

احزاب سیاسی تحت تأثیر کیفیت زمان ایجادشان هستند و گروه‌های پارلمانی به لحاظ اشتراک در دکترین‌های سیاسی نتیجه تحول دسته‌های سابق‌اند، ایجاد احزاب با اساس انتخاباتی و پارلمانی را می‌توان مربوط به مرحله خاصی از تحول دموکراتیک دانست.^۱ گسترش احزاب سیاسی به مفهوم نوین آن با توسعه دموکراسی یعنی شرکت عامه مردم در انتخابات و سهم شدن آنان در مزایای نظام‌های پارلمانی همراه بوده است. بسیاری وجود احزاب سیاسی را در فرآیند توسعه و انجام انتخابات آزاد و تشکیل مجالس قانون‌گذاری ضروری دانسته‌اند. اینان بر این عقیده‌اند که در حکومت‌های دموکراتیک احزاب سیاسی به منزله ستون فقرات دموکراسی، نقش اساسی در تأثیر گذاری بر افکار عمومی دارند.

یکی از مهم‌ترین ابزارها و مکانیسم‌های موجود در ساختار نظام‌های حکومتی جدید که در فرآیند ایجاد تحولات کیفی در ساختار اجتماعی و روند سیاسی نقش اساسی دارند احزاب هستند. تأکید بر احزاب سیاسی به عنوان مکانیسم‌هایی که در فرآیند ایجاد تحولات کیفی نقش اساسی دارند زمانی آشکار می‌شود که بدانیم پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام سیاسی و اجتماعی، تقریباً محال است. با توجه به این نکته و عنایت به اینکه اگر محور اصلی توسعه و دگرگونی سیاسی را مشارکت فعالانه و نهادمند مردم در سرنوشت سیاسی کشور در نظر بگیریم، باید بپذیریم که لاجرم یک نظام سیاسی در حال توسعه برای جذب و حل تعارضات موجود و نوپدید در یک جامعه سیاسی باید ظرفیت‌ها و گنجایش‌های لازم را توسط سازمان‌ها و سیستم‌های نهادمند در درون خویش به وجود آورد.

بدین ترتیب بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی خواهد بود. مشارکتی که خود برخوردار از ابزارهای کارآمد و سازمان‌های نهادمند باشد. از این‌رو مهم‌ترین عامل در حیات مشارکت واقعی و فعال، گذر از مسیر پرتلاطم،

ص ۱۱۵، انتشارات همشهری، ۱۳۷۸.

۱. احزاب سیاسی، موریس دوورژه، ترجمه رضا علوی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.

پيچيده، پرافت و خيز، سازنده و آموزش دهنده مبارزات سازمان يافته و حزبي است. آن هم نه هر سازمان و حزبي، بلکه تشکيلاتي نهادينه شده در طول زمان، و بهره مند از محتوای اثربخش و کارآمد و اين امری است که وقوعش در یک جامعه و نظام سياسي سنتی به سادگی میسر نیست.^۱

نظریه اسلام:

به طور قطع حکومت یک حزب فراگیر و توتالیز، نوعی استبداد و ضایع کردن حقوق دیگر مسلمانان است، پس شرعاً جایز نیست. ولی باید توجه داشت که وجود احزاب گوناگون که همگی به اسلام قائل هستند، در تطبیق و نظردهی و انتخاب اصلح بیشتر متبلور است. تعداد احزاب از آن جهت اهمیت دارد و نافع است که:

اولاً در اثر رقابت مثبت میان احزاب سالم و در فضای باز سياسي، بیشترین آزادی برای مردم فراهم می شود به طوری که می توانند با مطالعه بیشتر، افراد صالحی را انتخاب کنند. ثانیاً هر حزبی در اصلاح و آموزش اعضای خود تلاش بیشتری می کند که مبادا رقیب مقابل، آرای بیشتر بدست آورد و این خود، یکی از ابزارها و وسائل اصلاح جامعه است و شایستگی ها و پیشرفت کشور را سبب می شود. و جامعه به رشد و بلوغ سياسي می رسد.^۲ با الهام از آیات قرآنی و روش سياسي امام علی علیه السلام جامعه اسلامي می تواند در پرتو دولت جمهوری اسلامي، با فراغ خاطر و وسعت اندیشه در تفاهم و تعاطی افکار از پیشنهادها و روش های احزاب سالم اجتماعي - اسلامي برخوردار باشد. و این نخستین پایه و شرط جامعه مدنی و اسلامي است.^۳

۱. تحزب در ایران، نبی الله قربانی، انتشارات همشهری، ۱۳۷۸، ص ۳۴۳.

۲. اسلام و تحزب، کتاب سوم تحزب و توسعه سياسي، انتشارات همشهری، ۱۳۷۸.

۳. همان.

بنابراین اگر احزاب سیاسی، به تنازع و تفرقه و اختلافات سیاسی منجر شوند، و تضعیف و سستی قوای دولت اسلامی و امنیت ملی کشور را به ارمغان بیاورند بر اساس آیه «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» (انفال، ۴۶) مشروعیت دینی ندارد. همچنین اگر احزاب با تبلیغات و برنامه‌ها و فشارهای آشکار و پنهان، شخصیت و آزادی فردی را از میان بردارند، فاقد مشروعیت خواهند بود. همچنین فعالیت‌های سیاسی احزاب غیر اسلامی اعم از احزاب اهل کتاب و احزاب سکولار اگر با هدف دشمنی با ارزشها و آموزه‌های قوانین اسلامی باشد، از دیدگاه جامعه و دولت اسلامی که صیانت و حفاظت از اسلام و دستورات او را مرام اساسی خود قرار داده است، مشروعیت ندارد. برای جلوگیری از آفات و زیان‌های احزاب باید بر اساس قوانین، احکام و ارزش‌های اسلامی تلاشی جدی در نهادینه کردن و نظارت قانونی بر فعالیت احزاب فراهم کرد تا با رعایت موازین شرعی و حدود اخلاقی به فعالیت‌های سیاسی بپردازند.

در جامعه مدنی وجود حق رأی، مشارکت سیاسی، شهروند بودن مردم، جایجایی قدرت سیاسی و وجود احزاب سیاسی اصل مهم است. شهید مطهری معتقدند که جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن و انتخاب رئیس حکومت از سوی مردم عام است و محتوای آن اسلامی است. در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی»، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی دموکراتیک می‌دانند، که بر اساس رأی‌گیری مردم شکل گرفته است و مردم، مقامات و مسئولین رده‌های مختلف کشوری را انتخاب می‌کنند. این طرز تفکر دقیقاً مطابق با نظر امام خمینی علیه السلام است.

با توجه به این عبارات و اینکه در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» نظام اسلامی را بر مبنای دموکراسی و حق انتخاب مردم می‌داند جای شکی نمی‌ماند که ایشان با جابه‌جایی قدرت در جامعه اسلامی به شکل مسالمت آمیز و با رقابت سیاسی سالم موافق هستند که یکی از شاخصه‌های مهم برای تکثرگرایی سیاسی است.

از طرفی لازمه وجود رقابت سالم، تشکیل احزاب سیاسی و رقابت آنان برای کسب قدرت

است. این دیدگاه به صورت روشنی در اندیشه شهید مطهری مطرح است: «همان طور که رهبر و امام ما مکرّر گفته‌اند: در حکومت اسلامی احزاب آزادند... اما ما اجازه توطئه‌گری و فریبکاری نمی‌دهیم. احزاب و افراد در حدّی که عقیده خودشان را صریحاً می‌گویند و با منطق خود به جنگ منطق ما می‌آیند، آن‌ها را می‌پذیریم. اما اگر بخواهند در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خود را بگویند ما حق داریم از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم اسلام چنین چیزی نمی‌گوید.»^۱

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. موریس دوورژه، احزاب سیاسی، ترجمه رضا علوی، انتشارات امیرکبیر، تهران
۲. اسلام و تحزب، انتشارات همشهری، ۱۳۷۸ (کتاب اول و دوم و سوم)
۳. تحزب و توسعه سیاسی، همشهری، ۱۳۷۸
۴. احزاب سیاسی، دکتر حسن محمدی نژاد، انتشارات امیرکبیر.

اگر مشارکت در انتخابات کم شود چه تأثیری بر نظام دارد؟

در ساختار سیاسی جهان امروز، برگزاری انتخابات و گزینش افراد اصلح یکی از متداول‌ترین اصول دموکراسی محسوب می‌شود؛ بدین معنا که آن چه موجب قوام و حافظ این اصول است، صرفاً ساختار قانونی نیست، بلکه مشارکت مردم است و این حضور سیاسی، با بارزترین مولفه انتخابات یعنی حق رأی شهروندان همراه است.

از پیش شرط‌های لازم برای تحقق قانون، در نظر داشتن این حق و اهمیت مشارکت مردمی است، از این رو رأی ملت، به واقع مجرای ارتباطی مردم و حکومت شده و این‌گونه تعامل لازم بین دو قطب محقق می‌شود.

۱. پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مرتضی مطهری، ص ۱۷.

خواست و اراده مردم زیر بنا و ستون مردم‌سالاری دینی است و نظام سیاسی محقق نمی‌شود مگر با مشارکت و خواست همگانی.

نظام جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن دو ویژگی اساسی، از دیگر نظام‌های حکومتی جهان متمایز می‌گردد. ۱. اسلامی بودن؛ ۲. مردمی بودن. افتخار نظام جمهوری اسلامی ایران در میان نظام‌های حکومتی، برخورداری از ویژگی خدا باوری و مردم گرایی آن است. هنگامی که مردم مسلمان کشورمان به رهبری حضرت امام - قدس سره - مبارزه با رژیم شاهنشاهی را به سرانجام رساندند، نظامی را جایگزین حکومت طاغوت کردند که شکل و خصوصیات آن با موازین اسلامی و دیدگاه‌های دینی هم خوانی داشت و ارزش‌ها و احکام الهی مبنای عمل مسؤلان آن بود.

این نظام که از متن مردم برخاسته بود و آرای عمومی جامعه را نیز با خود همراه داشت؛ هویت، روح و معنایش را از حضور مردم می‌گرفت، و مردم در چارچوب احکام دین و قوانین شرع مقدس در سرنوشت خود تأثیرگذار بودند.

از آن جا که جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدار آن با حضور و مشارکت گسترده اقشار مختلف مردم در صحنه‌هایی چون انتخابات تامین می‌گردد.

بر این اساس شرکت در انتخابات به عنوان یکی از مهم ترین تکالیف شرعی و اجتماعی تلقی شده و هر نوع عاملی که سبب کاهش حضور و کم رنگ شدن نقش مردم در صحنه‌های انتخابات گردد، از عوامل باز دارنده انقلاب اسلامی محسوب خواهد شد.^۱

انتخابات، مهم ترین نمود مشارکت سیاسی و نیز نقش آفرینی مردم در تعیین سرنوشت جامعه اسلامی است و دقیقاً به همین علت امام خمینی - قدس سره - می‌فرمایند:

نگوئید که دیگران رأی می‌دهند؛ من هم باید رأی بدهم. تو هم باید رأی بدهی، آن

۱. انتخابات مردم، شیرازی، علی، ص ۱۴-۱۵.

روستایی هم که کنار مزرعه خودش کار می‌کند باید رأی بدهد. تکلیف است، این یک تکلیف الهی است.^۱

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز مسأله انتخابات را ناظر به حضور مردم دانسته و می‌فرماید: روح نظام اسلامی مترادف با حضور مردم در همهٔ امور است در این صورت استقلال و عزت، ماندگاری و وحدت نظام تامین خواهد شد. و با حضور واقعی مردم، دفاع از نظام و مرزهای کشور در مقابل دشمن نیز امکان پذیر خواهد بود.^۲

عدم حضور مردم در صحنه‌های انتخابات، پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران را سست می‌کند و باعث تضعیف دین و ارزش‌ها می‌گردد.

حضور مردم در عرصه انتخابات، شگردهای تبلیغی دشمنان اسلام و ایران را خنثی می‌کند. آرزوی مستکبران و مخالفان دین و ایران، روی گردانی مردم از نظام الهی است. برای رسیدن به این آرزو، آنان با طرح برخی از کاستی‌ها و دشواری‌های اقتصادی، بر آنند تا شاید بتوانند مردم را از حکومت اسلامی جدا کنند و ملت نیز با عدم حضور خود در پای صندوق‌های رأی، ناخرسندی خود از حاکمیت و اعراض خویش از نظام جمهوری اسلامی را اعلام نمایند. حضور آحاد مردم در انتخابات با آمار دقیق، زیر نظر چشمان تیز بین و خشم آلود دشمنان این نظام الهی و مردمی است.

از این رو حضور پر شور و چشم گیر مردم در پای صندوق‌های رأی، علاوه بر تقویت نظام و انقلاب اسلامی، سیلی محکمی به صورت معاندان و دشمنان و خط بطلانی بر توطئه توطئه گران خواهد بود.^۳

۱. ر.ک: صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۸.

۲. ر.ک: انتخابات، مولفه‌ها و آموزه‌ها، ص ۶۶، و انتخابات مردم، علی شیرازی، انتشارات خادم الرضا علیه السلام، ص ۱۶.

۳. انتخابات مردم، شیرازی، علی، انتشارات خادم الرضا علیه السلام، ص ۹۰-۹۱.



معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

انتخابات مردم، علی شیرازی، انتشارات خادم الرضا ع، قم.

چرا همیشه مشارکت و انتخاب مردم به عنوان ادای تکلیف خواسته می‌شود و مشارکت مردم کمتر به عنوان حق تلقی می‌گردد؟

قبل از پاسخ سوال، لازم است رابطه حق و تکلیف، در مباحث حقوقی شناخته شود تا بتوانیم این مطلب را خوب ارزیابی کنیم. هر تکلیفی در مقررات حقوقی، ملازم با حقی است که برای دیگران در نظر گرفته شده است و هر حقی نیز برای دیگران تکلیفی را به همراه دارد. از این رو می‌گویند: حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و به یک معنی دو روی یک سکه‌اند. وقتی می‌گوییم: کسی حقی دارد این درست به این معنی است که دیگران تکلیف دارند حق او را محترم بشمارند. و نیز اگر گفته شود افراد نباید در مال کسی بدون اذن او تصرف کنند، این بدان معنی است که مالک حق تصرف و بهره‌وری دارد. البته تلازم حق و تکلیف در مقررات حقوقی به دو گونه است: نخست آنکه هر گاه حقی برای کسی در نظر گرفته شود، طبعاً تکلیفی برای دیگران نیز خواهد بود و بر عکس. دوم آنکه هر گاه حقوقی برای کسی یا کسانی در نظر گرفته شود طبعاً در ازای آن حقوق و امتیازها، بر همان افراد، یک رشته تکالیفی هم ثابت است و بر عکس. این تلازم به معنی دوم بیشتر مورد بحث ما خواهد بود: زیرا چنین نیست که برای شخص یا اشخاصی تنها حقوق و مزایا جعل شود، اما هیچ تکلیفی نداشته باشند.

از این رو گفته شده است: بسیاری از حقوق اجتماعی افراد در برابر تکالیفی است که بر عهده آنان گذارده شده است و یا بر عکس، بنابراین؛ هر تکلیف و مسؤولیتی مستلزم حقی است و هر حقی، تکلیف و مسؤولیتی را به دنبال دارد. طبیعتاً افرادی که توانایی تکلیف‌پذیری را دارند ولی تن به مسؤولیت نمی‌دهند نه تنها حقوق و مزایایی برای آنان نخواهد بود بلکه

احیاناً به خاطر عدم پذیرش مسؤلیت مستحق مجازات نیز خواهند بود.^۱ به دلیل همین تلازم حق و تکلیف است که در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی آمده است: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف است.» یعنی از سویی نگهداری بچه‌ها حق والدین است و از سویی نگهداری و سرپرستی تکلیفی بر عهده پدر و مادر است که هیچ یک از پدر و مادر حق ندارند، از نگهداری کودک خودداری کنند. اما اینکه «حضانت» حق والدین است بدین معناست که کسی حق مزاحمت آنان را نداشته و نمی‌تواند آنان را از نگهداری فرزندشان منع نماید و یا فرزند را از آن‌ها گرفته و جدا نماید و اینکه گفته می‌شود «حضانت» یک تکلیف است بدین معناست که پدر و مادر نمی‌توانند از حضانت یعنی نگهداری و تربیت فرزند خود سرباز زنند لذا در صورت امتناع اجبار خواهند شد. بنابراین حضانت فرزند، هم حق است به نفع پدر و مادر و هم تکلیف است به ضرر آن‌ها و به نفع طفل.^۲

با ذکر این مقدمه روشن می‌گردد که اگر مشارکت مردم در سرنوشت اجتماعی خویش به عنوان ادای تکلیف خواسته شده است هرگز به معنی نفی حقوق آن‌ها نیست. بلکه در عین حال که دارای حق و امتیاز برای شرکت در سرنوشت خود می‌باشند، دارای تکلیف و مسؤلیت نیز می‌باشند، زیرا حق و تکلیف با هم ملازم هستند. یعنی هر تکلیف و مسؤلیتی مستلزم حقی است و هر حقی، تکلیف و مسؤلیتی را به دنبال دارد. و اگر بیشتر به جنبه تکلیفی مشارکت مردم توجه شده است و کمتر به جنبه حق بودن آن پرداخته شده است، به جهت روشنی حق بودن آن است نه به معنی نفی حق آن‌ها. به عبارت دیگر، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود به عنوان یک حق در تمام کشورها از جمله کشور ما پذیرفته شده است و لذا وقتی قانون اساسی کشورمان را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم، قانون اساسی با تأکید بر

۱. فلسفه حقوق، قدرت‌الله خسروشاهی، مصطفی دانش پژوه، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ پنجم، ۱۳۸۰، ص ۲۴ و ۲۵.

۲. حقوق مدنی، حبیب‌الله طاهری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۳۲۶.

حاکمیت ملت در اصل پنجاه و ششم، ضمن اذعان به حاکمیت مطلق خداوند مقرر می‌دارد: «هم او (خداوند) انسان را حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش ساخته است. هیچ کسی نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد» در این ارتباط «مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به عنوان یک اصل بنیادین در اصل سوم قانون اساسی مطرح می‌گردد. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران مطابق قانون اساسی، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود و در اجرای این دستورات کلی است که مردم در همه‌پرسی و انتخابات رهبری (غیر مستقیم) ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراها می‌توانند مشارکت فعال و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.^۱ اما این حق باید توأم با مسئولیت باشد. و از این مسئولیت و تکلیف کمتر بحث شده است و کمتر توجه شده است، لذا برای روشن شدن این تکلیف و بیان اهمیت مشارکت مردم، تأکید بیشتری بر عنوان ادای تکلیف بوده است و این تأکید هرگز به معنی نفی حقوق مردم در سرنوشت خویش نبوده است. ضمن این که بر این مسئولیت در قانون اساسی کشورمان بند ۶ اصل دوم نیز به صراحت تأکید کرده است که جمهوری اسلامی ایران، بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند» است. یعنی پرداختن به سعادت فردی، بدون توجه به حیات اجتماعی، خالی از ایراد نیست و اسلام دینی است که اساس آیین خود را بر پایه اجتماع قرار داده است و در هیچ شأنی از شؤون خود نسبت به اجتماع بی‌اعتنا نبوده است. بدین جهت است که خداوند در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران ضمن دعوت به صبر و شکیبایی فردی، همکاری‌های اجتماعی را برای زندگی توأم با پرهیزگاری، طلب می‌کند تا مقدمه‌ای برای رستگاری مردم باشد. بنابراین، اصل کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت افراد ملت در برابر

۱. حقوق اساسی جمهوری ایران، سید محمد هاشمی، مجتمع آموزش عالی قم، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۳.

خداوند، شرط ادامه حیات نظام جمهوری اسلامی ایران نیز است و شکی نیست که غیبت مردم از صحنه سیاسی، و عدم توجه به مسئولیت و تکلیف خود، می‌تواند موجب سست شدن و حتی فروریختن نظام گردد.^۱ علامه محمد تقی جعفری، اشتراک همه افراد جامعه را در تنظیم حیات اجتماعی خود یک ضرورت دانسته و از آن به عنوان یک تکلیف مقدس یاد می‌کند و می‌گوید: «ضرورت شرکت همه افراد و گروه‌های جامعه در سرنوشت حیات سیاسی خود، به قدری بدیهی است که نیازی به شرح و بسط مفصل ندارد.»^۲ ایشان برای اثبات مکلف بودن هر انسانی به شرکت در نظم و مدیریت حیات اجتماعی و فردی خود از دیدگاه اسلام از همه دلایل چهارگانه معتبر (قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل) بهره‌برداری می‌نماید. در نتیجه شرکت مردم در سرنوشت خویش نه حق تنها و نه تکلیف تنهاست بلکه هم حق و هم تکلیف است. و تأکید بر تکلیف بودن آن به جهت مهم بودن جنبه تکلیفی آن و بدیهی و روشن بودن حق شرکت در سرنوشت خویش بوده است.

برای مطالعه بیشتر می‌توان به این کتاب‌ها مراجعه کرد:

- الف. محمد تقی مصباح یزدی، ولایت فقیه، خبرگان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۷۷، ص ۲۰ - ۲۵
- ب. ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، بایسته‌های حقوق اساسی، مؤسسه نشر یلدا، چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۲۷۷ و ۲۷۸
- ج. سید محمد طباطبایی، تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۵۷ - ۱۶۶.

۱. حقوق اساسی جمهوری ایران، سید محمد هاشمی، مجتمع آموزش عالی قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. حکمت اصول سیاسی اسلام، محمد تقی جعفری، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۹۴.

چگونه می‌گویید انتخابات در ایران آزاد است در حالی که مانع شرکت مخالفان در رقابت‌های انتخاباتی می‌شوید؟

هر گونه قضاوت و داوری در مورد آزادی انتخابات در ایران، در گرو مشخص شدن منظور از انتخابات آزاد و شاخصه‌های آن است، تا بر اساس آن بتوانیم انتخابات کشورمان را بسنجیم. در مورد آزاد بودن انتخابات، چند تلقی و برداشت مختلف ممکن است تصور شود که به ارزیابی آن‌ها و تبیین معنای صحیح انتخابات آزاد می‌پردازیم.

برداشت نخست از آزاد بودن انتخابات این است که انتخابات آزاد، انتخاباتی است که در آن همه افراد بدون در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های خاصی بتوانند به عنوان نامزد انتخابات مطرح شوند اشکال عمده این برداشت این است که در این صورت هیچ انتخاباتی را نمی‌توان پیدا کرد که آزاد باشد، زیرا در تمام کشورها و نزد تمامی عقلای عالم برای تصدی مسئولیت‌های مهم، شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود، تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی‌کفایتی مسئول برگزیده پایمال نگردد، از این رو امروزه در فرآیند انتخاباتی کشورها، شرایط ویژه‌ای برای انتخاب شوندگان در نظر گرفته می‌شود و عقل و منطق حکم می‌کند که باید میان افرادی که نامزد انتخابات می‌شوند و مسئولیتی که قرار است بر عهده بگیرند، تناسب وجود داشته باشد و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط و صلاحیت‌های عمومی افراد، به همه افراد اجازه داد تا نامزد انتخابات شوند.

بر این اساس، آزادی در انتخابات نمی‌تواند به معنای آزادی بدون قید و شرط و در نظر گرفتن شرایط، هر چند شرایط عمومی، برای نامزدهای انتخاباتی باشد و این برداشت از انتخابات آزاد، صحیح و منطقی به نظر نمی‌رسد.

برداشت دیگر از انتخابات آزاد، فقدان نهاد نظارتی بر انتخابات است. در این نگاه، انتخاباتی آزاد است که نهاد نظارتی برای تشخیص صلاحیت داوطلبان انتخاباتی و نظارت بر روند انتخابات وجود نداشته باشد و انتخابات ایران چون با نظارت شورای نگهبان صورت

می‌گیرد و صلاحیت‌های افراد توسط این شورا تعیین می‌گردد و همه افراد نمی‌تواند نامزد انتخابات شوند، نمی‌تواند انتخابات آزاد باشد.

مشکل این برداشت این است که از آنجا که وجود یک سلسله ویژگی‌ها، شرایط و توانایی‌ها در افراد برای عهده دار شدن مسئولیت‌ها لازم و ضروری است، مرجعی نیز باید وجود داشته باشد که وجود این شرایط را در افراد احراز نماید. بر این اساس، در همه کشورها نهاد خاصی مسئولیت نظارت بر انتخابات و احراز شرایط داوطلبان انتخابات را بر عهده دارد. این نهاد رسمی عهده دار بررسی وضعیت و روند اجرای انتخابات و وجود یا عدم شرایط لازم در داوطلبان می‌باشد که در نتیجه به تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان می‌انجامد. بنابراین، نظارت امری شایع، عقلایی و قانونی در تمامی کشورها و نظام‌های موجود دنیا می‌باشد به عنوان مثال یکی از شرایط معتبر در کلیه نظام‌های حقوقی جهان این است که کاندیدای مورد نظر سابقه کیفری نداشته باشد و افراد دارای سوء سابقه کیفری از پاره‌ای از حقوق اجتماعی، از جمله انتخاب شدن برای مجالس تصمیم‌گیری، هیأت‌های منصفه، شوراها و غیره محروم‌اند.^۱ آیا وجود مرجعی برای احراز این شرط و شرایطی از این قبیل مخالف آزادی انتخاب است؟

از این رو نمی‌توان، فقدان نهاد نظارتی را به عنوان شاخصه و معیار انتخابات آزاد برشمرد؛ زیرا در این صورت نیز نمی‌توان هیچ انتخاباتی را انتخابات آزاد دانست و به هر حال در همه کشورها مرجعی رسمی مسئولیت برگزاری انتخابات و احراز شرایط داوطلبان و نظارت بر روند انتخابات را بر عهده خواهد داشت. البته روشن است که شرایط و راهکارهای در نظر گرفته شده در نظام‌های سیاسی مختلف به حسب نوع نگرش، مبانی نظری و ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها متفاوت باشد، اما در اصل نظارت و وجود مرجعی در این زمینه با یکدیگر تفاوتی ندارند. برداشت سوم از انتخابات آزاد، آزادی همه افراد حتی مخالفان با اصل آن نظام سیاسی در

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، محمد تقی مصباح یزدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۷۶.

انتخابات است. بر این اساس، انتخاباتی، انتخابات آزاد محسوب می‌گردد که همه افراد بدون در نظر گرفتن اعتقاد به مبانی و اصول نظام سیاسی و قانون اساسی آن کشور بتوانند نامزد مسئولیت شوند و برای انتخاب شدن تلاش نمایند.

اشکال چنین برداشتی این است که نتیجه چنین نگاهی نقض غرض از انتخابات و سست شدن پایه‌های نظام سیاسی و اختلال در روند حرکت کشور خواهد بود، چه اینکه معنای شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات، پذیرش چارچوب‌های حاکم بر آن نظام سیاسی و قواعد پذیرفته شده در آن نظام سیاسی است. کسی که در یک کشور برای عهده دار شدن یک مسئولیت داوطلب می‌شود در صورتی که قانون اساسی و چارچوب‌های پذیرفته شده آن کشور را قبول نداشته باشد، چگونه می‌تواند در آن مسئولیت به وظایف خود عمل نماید. اگر معنای انتخابات آزاد این برداشت است در هیچ کشوری چنین انتخاباتی وجود ندارد و هیچ نظام سیاسی اجازه نمی‌دهد کسانی که اصل آن نظام سیاسی و قانون اساسی کشور را قبول نداشته باشند نامزد چنین مسئولیت‌هایی شوند. در همه نظام‌های سیاسی رئیس جمهور و نمایندگان مجلس ... پس از انتخاب، سوگند یاد می‌کنند که از کلیت آن نظام و اصول آن و قانون اساسی نهبانی و حراست نمایند آیا از کسی که اعتقادی به مبانی یک نظام سیاسی ندارد، می‌توان انتظار داشت که به چنین سوگندی پایبند باشد؟.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره فرمودند: «در هیچ جای دنیا به کسانی که به قانون اساسی و اصول آن کشور معتقد نیستند، اجازه نمی‌دهند در بخش حاکمیت وارد شوند. در کجای دنیا چنین اجازه‌ای داده می‌شود؟ آیا در آمریکا و انگلیس و جاهای دیگر به کسی که با اصول و ارزش‌های آمریکایی مخالف است، اجازه می‌دهند در رأس حکومت بیاید؟ شما می‌بینید در مبارزات انتخاباتی شان اختلاف بین دو حزب و دو جناح بر سر چیزهای بسیار جزئی تر از این حرف هاست... مگر در دنیای دموکراسی اجازه می‌دهند که کسانی که با اصول و مبانی یک نظام مخالفند بیایند داخل حاکمیت آن نظام شوند؟ هیچ جای دنیا چنین اجازه‌ای نمی‌دهند. البته معلوم است که ما هم اجازه نمی‌دهیم کسانی که قانون اساسی را قبول ندارند، اینها بیایند

در رأس نظام جمهوری اسلامی قرار بگیرند.^۱

برداشت چهارم از انتخابات آزاد، آزادی حضور احزاب، گروهها و جریان‌های سیاسی مختلف معتقد به مبانی و چارچوب‌های پذیرفته شده یک نظام سیاسی با سلیق و برنامه‌های گوناگون در عرصه انتخابات و رقابت سیاسی در این زمینه است.

با روشن شدن نادرستی و غیرمنطقی بودن برداشت‌های سه‌گانه یاد شده از انتخابات آزاد، می‌توان این برداشت را به عنوان برداشتی صحیح و منطقی از انتخابات آزاد برشمرد، زیرا در این نگاه، فضا و میدان برای حضور، فعالیت و رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی با سلیق و افکار مختلف اما باورمند به اصول و مبانی حاکم بر نظام سیاسی، فراهم می‌شود و از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای پیشرفت کشور استفاده می‌گردد.

در کشور ما آزادی انتخابات به این معنا وجود دارد و همه احزاب و جریان‌های سیاسی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و مبانی آن و قانون اساسی هستند، می‌توانند نامزد معرفی نموده و در عرصه انتخابات فعالیت نمایند و احراز صلاحیتی که توسط شورای نگهبان در مورد افراد صورت می‌گیرد، چیزی جز احراز پایبندی به اصول و مبانی نظام و قانون اساسی در افراد نیست. هر چند دشمنان و بدخواهان نظام جمهوری اسلامی چنین وانمود می‌کنند که وجود نظارت شورای نگهبان، آزادی انتخابات را زیر سؤال می‌برد و برخی از افراد و گروه‌های سیاسی نیز سخنان آنان را تکرار می‌کنند، اما احراز دارا بودن شرایط عمومی داوطلبان و پایبندی به اصول نظام و قانون اساسی از مواردی است که در نظام‌های سیاسی این کشورها نیز این میزان از نظارت و احراز صلاحیت مورد قبول بوده و انجام می‌شود. مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند: «در انتخابات، همه سلیقه‌ها و جریان‌های معتقد به جمهوری اسلامی باید شرکت کنند؛ این، هم حق همه است، هم وظیفه همه است. انتخابات مال یک سلیقه خاص، مال یک جریان

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان کرمان،

۸۴/۲/۱۹

فکری و سیاسی خاص نیست. همه کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و به استقلال کشور معتقدند، به آینده کشور اهمیت می‌دهند، دلشان برای منافع ملی می‌سوزد، باید در انتخابات شرکت کنند. روگرداندن از انتخابات، مناسب کسانی است که با نظام اسلامی مخالفند.^۱

ایشان به دنبال طرح «انتخابات آزاد» توسط رسانه‌های بیگانه و تکرار آن توسط برخی از افراد در داخل کشور فرمودند: «هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد. خب، معلوم است که انتخابات باید آزاد باشد. ما از اول انقلاب تا حالا سی و چند تا انتخابات داشته‌ایم؛ کدامش آزاد نبوده است؟ در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران می‌گذرد، آزادتر است؟ کجا صلاحیتها ملاحظه نمی‌شود، که اینجا روی این مسائل هی تکیه بکنند، هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم به وجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده‌ای ندارد؟ این یکی از خواسته‌های دشمن است. آن کسانی که در داخل، این حرف‌ها را می‌زنند، ممکن است غفلت کنند. من می‌گویم غفلت نکنید، حواستان باشد، کار شما جدول مورد نظر دشمن را پر نکند؛ مقصود او را تکمیل و متمیم نکنند.»^۲

چه موانعی بر سر راه تحقق همبستگی ملی و مشارکت عمومی وجود دارد؟

الف. موانع همبستگی ملی

همبستگی و وحدت ملی می‌تواند مهمترین هدف و اولویت یک نظام سیاسی را تشکیل دهد. این مقوله، امری مهم و حیاتی برای جامعه محسوب می‌شود. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «با وحدت ملی، آبروی ملت را بهتر می‌شود حفظ کرد. یک ملت تمام آرمان‌های

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۲/۱/۱.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار مردم استان قم در سالروز قیام نوزده دی،

۹۱/۱۰/۱۹.

بزرگ خودش را در سایه وحدت ملی می‌تواند به دست آورد. اختلاف، تفرق کلمه، جدایی دل‌ها از یکدیگر، رو در رو قرار دادن جناح‌ها و گروه‌ها و اشخاص و شخصیت‌ها با یکدیگر، نمی‌تواند هیچ خدمتی بکند.^۱ با این مقدمه، می‌توان عواملی که به عنوان موانع بر سر راه تحقق وحدت و همبستگی ملی به شمار می‌روند را این‌گونه بیان کرد:

۱. توطئه دشمنان: حضرت امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: «... دست‌های اجنبی در کار است تا دوباره ما را به وضع اولیه برگرداند، تفرقه بین صفوف ایرانیان بیندازد.»^۲ و در جایی دیگر خاطر نشان می‌کنند: «از آغاز انقلاب تا کنون یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است، دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمان‌های اجتماعی - سیاسی اسلام بوده است.»^۳

۲. تشویش اذهان ملت: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد می‌گویند: «یکی از چیزهایی که این وحدت را خدشه دار می‌کند، مفاهیم مشتبهی است که دائماً در فضای ذهنی مردم پرتاب می‌شود؛ هر کس هم به‌گونه‌ای معنا می‌کند؛ یک عده از این طرف، یک عده از آن طرف؛ جنجال و اختلاف غیر لازم تولید می‌شود! البته دشمن در همه این مسائل سود می‌برد و به احتمال زیاد در این مسائل یا در همه‌اش یا در بعضی‌اش هم دست دارد.»^۴

۳. هواهای نفسانی: یکی دیگر از عواملی که مانع بزرگ در راه وحدت و همبستگی ملی محسوب می‌شود، پیروی از هواهای نفسانی توسط بسیاری از انسان‌هاست. به تعبیر امام علیه السلام، «اختلاف ریشه‌اش از حبّ نفس است».^۵ ایشان همچنین تأکید می‌کنند: «هر اختلاف و

۱. پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۶۰.

۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۳.

۴. پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۴۲.

۵. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۶.

نزاعی شروع شود، از باطن خود انسان است و هر اتحاد و انسجامی که حاصل شود، از خداست.^۱

۴. اظهارات نسنجیده برخی نخبگان: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: «یکی از چیزهایی که وحدت ملّی را تأمین می‌کند، این است که آن کسانی که سخنانشان در میان مردم، حوزه تأثیری دارد _ یا مسئول‌اند یا چهره موجه دینی‌اند، چهره روحانی‌اند، چهره سیاسی‌اند _ در اظهارات خودشان کاری نکنند که یک گروه و جناح از مردم، دل‌هایشان نسبت به دیگران چرکین شود؛ فتنه‌انگیزی نکنند.»^۲

۵. گروه‌گرایی: یکی از مهم‌ترین موانع بر سر همبستگی ملی، گروه‌گرایی کاذب و بعضاً مضر توسط برخی از افراد این مرز و بوم است. امام خمینی علیه‌السلام؛ در این مورد خاطر نشان می‌کنند: «همه قشرها به اسلام توجّه بکنند، و این اختلافات و این مسائل که همه مضر برای کشور ماست... از این‌ها دست بردارند، گروه‌گروه نشوند.^۳ و در جایی دیگر نیز تأکید می‌کنند: «ای گروه‌های مختلف! اگر شما برای کشور خودتان دلسوز هستید و برای ملت خودتان دلسوز هستید، باید بدانید که این ایجاد گروه‌های مختلف برای ملت سمّ قاتل است... شماها اجتماع مسلمین را به هم می‌زنید و موجب تفرقه می‌شوید.»^۴

ب. مشارکت عمومی

مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم در حوزه علوم سیاسی و فلسفه سیاسی است. اسلام نیز اهمیت خاصی برای این مقوله قائل است. به عنوان نمونه می‌توان

۱. همان، ج ۱۳، ص ۴۵.

۲. پرسش و پاسخ از محضر رهبر معظم انقلاب، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۵۹.

۳. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۸۹.

۴. همان، ج ۸، ص ۴۰.

به قسمت‌هایی از نامه مولا علی علیه السلام خطاب به مردم مصر اشاره نمود. ایشان می‌فرمایند: «ای مردم مصر! نگویید ما سرپرستی چون مالک اشتر و امامی چون علی داریم. اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید. ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم. جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند.»^۱ با این توضیح، می‌توان عواملی که به عنوان موانع بر سر راه تحقق مشارکت عمومی به شمار می‌روند را به اختصار این گونه بیان کرد:

۱. ساختار سیاسی: ساختار سیاسی یک نظام، نقش بسیار زیادی در افزایش یا کاهش مشارکت عمومی دارد. اصولاً در نظام‌های سیاسی که مشارکت عمومی در آن‌ها زیاد است موارد و عوامل زیر رعایت می‌شود:

الف. قانون اساسی آن کشور اجازه می‌دهد که قشرهای وسیع‌تری به مجالس یا دیگر پست‌های انتخابی راه یابند.

ب. امکان تماس بین مردم و مسئولان سیاسی، آسان و زیاد است.^۲

طبیعی است عدم رعایت دو نکته فوق از جمله موانع اصلی مشارکت عمومی محسوب می‌شود.

۲. تحولات جمعیتی: تحولات جمعیتی نیز از عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش مشارکت است. وجود جمعیت جوان از عوامل گسترش مشارکت است، زیرا کهن سالان غالباً به مشارکت سیاسی و اجتماعی تمایل چندانی ندارند. البته این مدعا عمومیت ندارد ولی بی‌تأثیر در کاهش یا افزایش مشارکت عمومی نیست.^۳

۳. عدم افزایش جمعیت شهری: از دیگر عواملی که مانع مشارکت عمومی می‌شود، عدم افزایش جمعیت شهری است؛ چراکه اقشار شهری بیشتر مشارکت جو هستند. البته منظور از مشارکت جو بودن افراد یک جامعه، شرکت در انتخابات نیست؛ بلکه شاخصه‌های دیگری مانند

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۲.

۲. راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۰، ص ۸۰.

۳. همان، ص ۸۱.

شرکت در مباحثات سیاسی، جمعیت‌ها و تشکل‌ها و خواندن مطبوعات سیاسی را نیز در بر می‌گیرد.^۱

۴. مسائل اقتصادی: عدالت اجتماعی، اقتصادی و فقر زدایی، محور مهمی است که در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. خداوند در قرآن، عدالت اجتماعی و اقتصادی را هدف اجتماعی بعثت پیامبران الهی می‌داند.^۲ شهید مطهری در این مورد می‌گوید: «اول انسان باید سیر باشد بعد دنبال ایمانش می‌رود _ چه رسد به مشارکت سیاسی و اجتماعی _ اینکه می‌گویند: شکم گرسنه ایمان ندارد، یک حرف درستی است. جان، قدرت و مقام پس از این است که شکم سیر باشد. انسان پس از سیری شکم، دنبال این عواطف می‌رود. انسان در درجه اول، نگاهش به مسائل اقتصادی است.»^۳

واقعیت آن است که وجود فقر و بی‌عدالتی، مانع بزرگی بر راه تحقق مشارکت عمومی خواهد بود.

۵. بی‌اعتمادی به مسئولان: دوگانگی عملکرد مسئولان در قبل و بعد از انتخابات موجب بی‌اعتمادی و کاهش مشارکت می‌شود. پرهیز از وعده‌های غیر ممکن و نقد عملکرد مسئولان از راه‌های کاهش بی‌اعتمادی است.

پس در کل می‌توان عواملی از قبیل توطئه دشمنان، تشویش اذهان ملت، پیروی از هواهای نفسانی، اظهارات نسنجیده بعضی از بزرگان و گروه‌گرایی را از جمله موانع مهم بر سر راه همبستگی ملی قلمداد کرد. همچنین می‌توان عواملی از قبیل ساختار سیاسی، تحولات جمعیتی، عدم افزایش جمعیت شهری، مسائل اقتصادی، و بی‌اعتمادی به مسئولان را به عنوان مهم‌ترین موانع مشارکت عمومی محسوب کرد.

۱. همان، ص ۸۲.

۲. حدید، / ۲۵.

۳. اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، ج ۲، ص ۱۲۶.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۰.
۲. وحدت و امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری، سلمان شایان فر، تهران، نشر ندیر.
۳. وحدت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تبیان، دفتر پانزدهم.
۴. مشارکت سیاسی، علی اکبر علیخانی، سفیر، تهران.

آیا حضور مردم در انتخابات ایران نمایشی است و صرفاً جنبه تبلیغاتی در برابر غربی‌ها دارد؟

پیش از پرداختن به پاسخ این سؤال، لازم است به این نکته اشاره نماییم که به طور کلی انتخابات در سطح دنیا به دو دسته تقسیم می‌شوند:

انتخابات آزاد و انتخابات نمایشی

انتخابات آزاد انتخاباتی است که در آن بر اساس شرایط و فرهنگ سیاسی حاکم بر یک کشور، شرایط یک انتخابات آزاد که در ادامه ذکر خواهد شد همچون آزاد بودن حضور سلايق سیاسی و آزادی حضور انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و... رعایت شود.

در مقابل، انتخابات نمایشی عبارت است از انتخاباتی که صرفاً ظاهری از انتخابات را داشته و رأی و نظر واقعی مردم در آن لحاظ نمی‌شود، به عبارت بهتر انتخابات نمایشی انتخاباتی است که شرایط انتخابات آزاد در آن لحاظ نمی‌گردد.

در کشورهایی که در آن‌ها فرد و یا عده معدودی حاکمیت دارند و با وجود این که عنوان دموکراتیک و یا جمهوری را بر خود دارند ولی انتخابات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که امکان انتخاب گزینه‌ای غیر از گزینه دولت خواسته وجود ندارد و از طرفی مردم هم در آن کشورها هیچ استقبالی از

انتخابات نمی‌کنند، در واقع در آن کشورها تنها ظاهری از دموکراسی وجود داشته و انتخاباتی هم که برگزار می‌شود نمایشی خوانده می‌شود همچون مصر در دوران مبارک.

البته در این میان برخی تلاش دارند تا انتخابات ریاست جمهوری ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را نیز از نوع انتخابات نمایشی قلمداد نمایند و حال آنکه اساساً چنین اتهامی به این نظام و انتخابات آن وارد نیست؛ چرا که تمامی اصول مردم‌سالاری و نیز شرایط واقعی بودن انتخابات، در آن لحاظ شده و وجود برخی محدودیت‌ها نیز همچون محدودیت‌هایی که در هر کشور مدعی مردم‌سالاری مطرح است مانعی در واقعی بودن انتخابات تلقی نمی‌شود و گر نه در هیچ کشوری انتخابات واقعی وجود خارجی ندارد و انتخابات حتی در کشورهای غربی هم باید یک نمایش دروغین بزرگ تلقی شود.

در واقع در جمهوری اسلامی ایران همچون هر نظام مردم‌سالار دیگر علاوه بر اصل نظام که به واسطه مردمی بودن آن، مردم‌سالاری به معنای حقیقی کلمه در آن وجود دارد، فرایند انتخابات موجود در آن نیز به‌گونه‌ای است که در مجموع، برگزاری انتخابات به صورت یک امر واقعی و نه یک نمایش دروغین محقق می‌شود.

برای اینکه بگوئیم در یک کشور انتخابات به شکل واقعی برگزار شده و فاقد عنوان نمایشی بودن باشد لازم است چند نکته در نظر گرفته شود که در جمهوری اسلامی ایران نیز همه آن‌ها مد نظر قرار می‌گیرد:

۱. حق مردم در رأی دادن

یکی از مهم‌ترین اصولی که آن را می‌توان جزو پایه‌های انقلاب اسلامی قرار داد حق مردم در تعیین سرنوشت خود است که از جمله نمادهای آن مشارکت مردم در انتخابات است. این حق به عنوان یک حق معتبر از سوی رهبران نظام همواره مورد تأکید بوده است و در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قانونگذاران بوده است به‌گونه‌ای که به این موضوع یعنی دخالت انسان بر سرنوشت خویش و مظاهر آن که از جمله آن‌ها عبارت است از

حق رأی دادن و انتخاب کردن در قانون اساسی تصریح شده است. به عنوان مثال در بند ۸ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.» به عنوان یکی از مواردی در نظر گرفته شده است که دولت جمهوری اسلامی باید همه امکانات خود را در جهت نیل به آن به کار گیرد. همچنین بر اساس اصل ۶ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آرا عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» که این اصل و اصول مشابه آن حاکی از این است که مردم حق دارند در انتخابات مختلف مشارکت کرده و از این طریق در سرنوشت سیاسی کشور خویش سهیم باشند. بر این اساس در کشوری که امور آن به اتکا آرای مردم اداره می‌شود، نمی‌توان گفت که رأی مردم نمایشی است.

۲. حق مردم در انتخاب شدن

بر اساس اصول مختلف قانون اساسی، هر فردی که شرایط و صلاحیت‌های لازم برای تصدی مسئولیتی را دارد حق دارد که خود را در معرض انتخاب دیگران قرار دهد و مردم با اعلام نظر خود در انتخابات، از میان افرادی که صلاحیت لازم را دارا هستند فرد اصلح را انتخاب می‌کنند. البته برخی تلاش می‌کنند تا مشروط بودن حضور افرادی که خود را در معرض انتخاب می‌گذارند به داشتن شرایط خاص را مغایر با انتخابات واقعی تلقی نمایند و حال آنکه این موضوع یک اصل عقلی بوده و در هر جامعه‌ای نیز برای تصدی مسئولیت‌های مختلف یک سری شرایط در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال بر اساس قانون اساسی فرانسه رئیس‌جمهور باید شرایط ذیل را داشته باشد:

«داشتن ملیت فرانسوی، عدم محرومیت از حقوق مدنی در ارتباط با واجد شرایط بودن، داشتن سن ۱۸ سال تمام (تا سال ۲۰۱۱ سن تعیین شده برای واجدین شرایط نامزدی ۲۳ سال

بود)، ثبت‌نام در لیست انتخاباتی، جمع‌آوری ۵۰۰ امضا معرفی [از شهرداران، نمایندگان و مقامات فرانسوی] و ارائه گزارشی از اوضاع موروثی.^۱

بنابراین هر کشوری به اقتضای شرایط خود، برای کاندیداهای ریاست جمهوری شرایطی در نظر گرفته است که باید آن‌ها را به دقت رعایت نماید و به همین دلیل وجود چنین شرایطی مغایر با حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ندارد. همچنین وجود ناظرانی که بر انطباق شرایط کاندیدها با موارد مذکور در قانون اساسی، نظارت می‌کنند نیز امری است که در همه قوانین انتخاباتی کشورها لحاظ شده است. به عنوان مثال در فرانسه شورای قانون اساسی وظیفه نظارتی شامل دریافت پرونده‌ها، انتشار لیست نامزدها، نظارت بر تطابق روند انتخابات با قوانین و اعلام نتایج انتخابات را بر عهده دارد.^۲

۳. برگزاری انتخابات سالم از طریق ابزارهای کنترلی و نظارتی سالم

یکی از عواملی که باعث می‌شود تا انتخابات یک کشور از حالت نمایشی بودن خارج شود نظارت دقیق و موثر بر انتخابات به منظور برگزاری انتخاباتی سالم و واقعی است تا به این ترتیب کسانی که واقعاً مردم به آن‌ها رأی داده‌اند، بتوانند زمام امور کشور را در دست بگیرند. در هر کشوری به منظور تحقق چنین امری ساز و کاری پیش بینی شده است و در کشور ما نیز شورای نگهبان قانون اساسی (غیر از انتخابات شوراها) به همراه ابزارهای نظارتی دیگری که در ادامه ذکر خواهد شد زمینه‌ساز چنین امری شده است. البته ممکن است برخی افراد وجود نظارت شورای نگهبان را باعث فرمایشی شدن انتخابات عنوان نمایند که البته اصل چنین شائبه‌ای ممکن است وجود داشته باشد اما مساله اینجاست که با اندکی تامل در برخی شواهد می‌توان نتیجه گرفت که اساساً چنین شائبه‌ای نباید مطرح شود و یا در صورت مطرح شدن قابل

۱. نگاهی به نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه، خبرگزاری فارس.

۲. همان.

رفع است. چرا که به لحاظ نظری نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، زمینه ساز انتخاباتی است که در آن صرفاً افراد با صلاحیت و کسانی که شرایط اولیه را دارا هستند در فرایند رقابت حاضر شده و کسانی که صرفاً تلاش می‌کنند تا به مدد پول و امکانات و جاذبه‌های تبلیغاتی به کسب رأی بپردازند نتوانند به سوء استفاده از فضا پرداخته و بر مسندی تکیه بزنند که صلاحیت آن را ندارند. به لحاظ عملی نیز از تجلی حضور مردم در انتخابات‌های مختلف می‌توان دریافت که حضور شورای نگهبان و نظارت هر چه دقیق تر نه تنها مانعی در جهت مشارکت مردم نیست؛ بلکه عاملی در جهت حضور هر چه بیشتر مردم است به عنوان مثال مردم کشور ما در اکثر قریب به اتفاق انتخابات‌هایی که تاکنون برگزار شده است حد نصاب بسیار بالایی از مشارکت را تجربه کرده‌اند به گونه‌ای که در برخی از انتخابات‌ها همچون دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۸۵ درصد مردم در انتخابات مشارکت کردند و یا در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی حدود ۶۵ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند که نشان دهنده این بود که مردم به انتخاباتی که نظارت‌های دقیقی بر آن اعمال می‌شود اعتماد بیشتری دارند. بنابر این شواهد حاکی از آن است که مردم خواستار انتخاباتی هستند که در آن ناظرانی امین به نمایندگی از آنان ابتدا افراد قابل اعتماد و واجد صلاحیت اولیه را شناسایی کرده و در مرحله بعدی مردم به راحتی بتوانند زمام امور کشور خود را به دست فرد اصلح از میان افراد صالح بسپارند.

نکته دیگری که در زمینه موضوع نظارت بر انتخابات وجود دارد این است که فرایند نظارت در جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که شائبه هرگونه تخلف گسترده و تقلبی را از میان می‌برد و باعث جلب اعتماد مردم به نتایج انتخابات می‌گردد. چرا که حداقل سه دسته در انتخابات جمهوری اسلامی ایران بر آن نظارت می‌کنند که عبارتند از:

- الف.** شورای نگهبان در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری، خبرگان و فرماندوم‌ها و نیز در انتخابات شوراها هیات‌های نظارت بر انتخابات
- ب.** هیئت‌های اجرایی که متشکل از معتمدان محلی هستند و اکثر آن‌ها از افراد فرهنگی،

اهل علم دانشگاهی و حوزوی و... هستند به همراه مجریانی که اغلب از میان قشر فرهنگی کشور برگزیده می‌شوند.

ج. ناظران کاندیداها که بنابر قانون تا آخرین لحظه کار اخذ رأی حق دارند در حوزه رای‌گیری حضور داشته باشند و بر فرایند انتخابات نظارت نمایند.

علاوه بر این سه دسته، برخی بخش‌ها همچون دادستان کل کشور و نیز دادستان‌های حوزه‌های انتخابی و... به تناسب نقشی که دارند در این انتخابات نظارت‌هایی هم دارند. بنابر این با توجه به چنین مسائلی، هر چند امکان تخلف جزئی وجود دارد اما امکان تقلب و یا تخلف گسترده وجود ندارد و به همین دلیل مردم، با اعتمادی که به نتایج چنین انتخاباتی پیدا می‌کنند حضور فعالانه‌ای در انتخابات پیدا می‌کنند و نباید این حضور را نمایشی دانست.

۴. حضور سلايق سياسي مختلف در عرصه انتخابات

یکی از دلایل واقعی بودن انتخابات در جمهوری اسلامی ایران این است که سلايق سياسي مختلف در انتخابات حق حضور و مشارکت فعال دارند. در جمهوری اسلامی ایران هم از حضور همه سلايق سياسي در عرصه انتخابات استقبال می‌شود. البته در نظام اسلامی نیز همچون هر نظام مردم سالار دیگری حضور سلايقي که بسیاری از چارچوب‌های نظام را قبول ندارند و یا با آن عناد می‌ورزند با عملکردشان با مسئولیت‌هایی که باید آن‌ها را عهده دار شوند سازگاری ندارد نامعقول است به عنوان مثال ریاست جمهوری نهادی است که در رأس آن فردی قرار می‌گیرد که عنوان مسئول اجرای قانون اساسی را داراست. بر این اساس جریانی که هیچ اعتقادی به قانون اساسی ندارد و یا هیچ التزامی به آن نداشته و با اقدامات خود نیز بارها قانون شکنی خود را به اثبات رسانده است قطعاً صلاحیت حضور در این مسند را نخواهد داشت، چرا که لازمه اولیه اجرای قانون، پذیرش آن قانون است و کسی که قانونی را نمی‌پذیرد و خود اولین ناقض آن است صلاحیت اجرای آن و تصدی مسئولیت اجرای قانون اساسی بنا بر

اصل اختیارات ریاست جمهوری را نخواهد داشت. علاوه بر این، قطعاً جریان‌ات معارض همچون تروریست‌های منافق نیز صلاحیت حضور در انتخابات را نخواهند داشت کما اینکه هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد تروریست‌ها و کسانی که استقلال و تمامیت ارضی کشور را تهدید می‌کنند همچون تجزیه طلبان و کسانی که با عوامل بیگانه درارتباط هستند و در صدد زمینه سازی برای بسط سلطه بیگانه بر کشور هستند و نیز غارتگران بیت المال که صلاحیت حفاظت از آن را ندارند و... در معرض انتخابات قرار گیرند و با این حال، هیچ کسی ادعا نمی‌کند که انتخابات این کشورها نمایشی است.

۵. گردش و تغییر نخبگان و سلايق سياسي مختلف

یکی دیگر از شواهد عدم نمایشی بودن انتخابات این است که سلايق سياسي مختلف علاوه بر حضور در انتخابات، امکان انتخاب شدن هم داشته باشند و در نتیجه در طول زمان، سلايق سياسي مختلف زمام امور را به دست گیرند به گونه‌ای که به صورت متوالی اکثریت به اقلیت تبدیل و اقلیت به اکثریت تبدیل شود و یا افراد و نیز جریان‌ات خارج از اقلیت و اکثریت امکان حضور در دور رقابتها راه پیدا کنند و حتی بتوانند به بالاترین مناصب رسمی کشور دست پیدا کنند که چنین امری در کشور ما بارها اتفاق افتاده است و کشور در دستان جناح‌های سياسي مختلف دست به دست گشته است، به گونه‌ای که در برخی انتخابات‌ها افرادی پیروز میدان بوده‌اند که وابسته به هیچ یک از جناح‌های مشهور نبوده‌اند و یا افرادی به این سمت برگزیده شده‌اند که حتی با رهبری، دارای اختلاف سلیقه‌هایی بوده‌اند و اگر فرض کسانی که ادعا می‌کنند که فرد مورد نظر رهبری قطعاً در انتخابات پیروز خواهد شد درست باشد این انتخاب‌ها متناقض با آن خواهد بود و همین حاکی از بطلان چنین فرضیه‌ای است.

اصولاً آیا شرکت در انتخابات و رأی دادن کار دینی و عبادت است؟

از دیدگاه اسلام، دین مجموعه به هم پیوسته‌ای از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی

الهی در رابطه با جهان، انسان و جهان پس از مرگ است که هدف آن هدایت انسان به سوی روش بهتر زیستن و کامل‌تر شدن است.

مرحوم علامه جعفری رحمته‌الله می‌گوید: «هر حقیقت و پدیده‌ای که برای تنظیم و اصلاح حیات انسانی در ارتباط چهارگانه (ارتباط انسان با خویش، ارتباط انسان با خدا، ارتباط با جهان هستی و ارتباط انسان با هم نوع خویش) قابل بهره‌برداری باشد، از دیدگاه اسلام جزء دین محسوب می‌شود.^۱»

انسان در قبال خدا وظایفی دارد که آن وظایف عبارت‌اند از:

۱. عبادت‌های فردی: مربوط به فصل عبادات است: طهارت، نماز، زکوات، خمس، روزه، اعتکاف و... که از واجبات عبادی است که هر انسان مسلمانی باید آن را انجام دهد.
۲. عبادت‌های غیرفردی (اجتماعی) که شامل بقیه فصول فقهی است از جمله احکام اجتماعی حقوقی، سیاسی، اجتماعی که عبادت‌های جمعی به شمار می‌آیند و آنچه محل بحث است مشارکت سیاسی است که در اسلام دین از سیاست جدا نیست و سیاست به منزله عبادت است. امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید: «در اسلام آن قدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده است، در عبادات وارد نشده است. شما پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه کنید، هشت تایش کتابی است که مربوط به عبادات است، باقیش مربوط به سیاست و اجتماعات و معاشرات و این طور چیزهاست. ما همه آن‌ها را گذاشتیم کنار و یک بعد را، یک بعد ضعیفش را، گرفتیم.»^۲

مرحوم محقق حلی نویسنده کتاب شرایع الاسلام (و بسیاری از فقهای دیگر) احکام فقهی را به چهار قسم اصلی یعنی: عبادات، عقود، ایقاعات و احکام مشتمل بر ۴۸ باب تقسیم کرده

۱. مجله قیسات، شماره ۱، ص ۶۶.

۲. کوثر، مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی، ج ۳، چ اول، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲ و ۱۱۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.

است که فصل مربوط به عبادات تنها شامل ده باب می‌شود.^۱ نگاهی به عناوین دهگانه نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها نیز منحصر، به رابطه فرد با خدا نیست؛ بلکه مستقیم و یا غیر مستقیم ناظر به احکام مربوط به جنبه‌هایی از روابط اجتماعی هستند و صرفاً از آن جهت که قصد قربت شرط صحت آن‌ها بوده است در زمره عبادات شمرده شده‌اند. ضمن آن که حتی در مورد باب‌هایی همانند طهارت و نماز که در فصل عبادات آمده است نیز جنبه‌های اجتماعی متعددی را می‌توان یافت که تشریح آن‌ها نیز ملحوظ شارع مقدس بوده است. بدیهی است که احکام مندرج در ذیل سه فصل عقود و ایقاعات و احکام ناظر به وظایف فرد نسبت به دیگران (فرزند، خانواده، جامعه، حکومت، طبیعت) و مربوط به حقوق اجتماعی و آداب معاشرت و آئین کسب و تجارت و دیگر روابط اقتصادی و احکام مربوط به دادرسی و اقامه حدود و وظایف حکومت در قبال افراد و جامعه است.

نگاهی گذرا به قرآن کریم نیز گویای این است، که انسان باید به ارتباط خود با انسان‌های دیگر در مناسبات اجتماعی اهمیت دهد. این قضیه آنقدر مهم است که حتی بعضی از سوره‌های قرآن تماماً یا بخش اعظم آن در راستای همین ارتباط بوده است.^۲ اساساً در بینش توحیدی اسلام هیچگاه دنیا و آخرت در برابر یکدیگر قرار ندارند تا رفتارهای مربوط به جنبه‌های دنیایی زندگی انسان‌ها را بتوان از مسایل عبادی و معنوی جدا کرد. ولذاست که امام خمینی بارها فرموده‌اند که اسلام همه‌اش سیاست است و سیاستش عین عبادت و عبادتش عین سیاست. در بینش دینی، مسلمان مکلف است از قانون خدا در همه رفتارهای ارادی خود پیروی کند و دین اسلام آیات قرآنی و احادیث و سیره عملی معصومین علیهم‌السلام و آراء بزرگان دین با رهبانیت و گوشه‌گیری و عزلت به شدت مبارزه کرده است و از این روست که در زبان آیات و روایات اخلاقی، جهاد، تلاش و کار و کسب و نیایش و خدمت به خلق خدا و هر حرکتی که انسان مؤمن با انگیزه الهی و بر طبق

۱. طهارت، صلوة، زکوة، خمس، روزه، اعتکاف، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.

۲. سوره حجرات.

احکام او انجام دهد عبادت (به معنای عام) است و گاه شود که اثر یک حرکت اجتماعی نزد خداوند بارها مطلوبتر از صدها ذکر و نیایش باشد.

چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «صَرَبْتُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» و این منطوق یک مسلمان واقعی است که «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». جامعیت دین اسلام یکی از علل گسترش روزافزون آن است. واقعیت این است که یکی از اساسی‌ترین عوامل صف‌بندی دولت‌های غربی و آمریکا و بلوک الحادى کمونیسم (قبل از فروپاشی) در مقابل انقلاب اسلامی ایران همین مطلب است که اسلام تنها یک آیین عبادی و فردی نیست.

دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نفی شرک و کوشش در مقابل هر چه غیر خداست آغاز می‌شود (لا اله الا الله) و به مرحله پذیرش آگاهانه احکامی می‌رسد که هیچ زمینه‌ای از رفتارهای فردی و خانوادگی و اجتماعی بشر را فروگذار نکرده است.

برای اثبات این مدعا کافی است فهرست عناوین ابواب مجموعه‌های روایتی (اصول و فروع کافی، بحارالانوار، وسائل الشیعه و...) ملاحظه شود و موضوعات مطروحه در قرآن کریم مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس احکام اخلاقی و فقهی اسلام نیز دسته‌بندی شده‌اند. حتی در رساله‌های علمیه فقها نیز علاوه بر احکام عبادات و معاملات و احکام حقوقی، مسایل همچون، احکام نگاه کردن و... را به تفصیل می‌توان دید. به طور کلی یکی از معتقدات مسلمانان آن است که هیچ حرکت و رفتار و فعل آگاهانه (و حتی نیت و قصدی) نیست که مشمول حکمی از احکام فقهی نباشد.^۱

امام خمینی علیه السلام در جای دیگر فرموده‌اند: «اسلام دین سیاست است، حکومت دارد. شما بخشنامه حضرت امیر به مالک اشتر را بخوانید ببینید چیست. دستورهای پیامبر و دستورهای امام علیه السلام در جنگ‌ها و در سیاست ببینید چه دارد.»

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی، ج ۳، چ اول، ۱۳۷۳، ص ۴۵۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

حضرت علی علیه السلام نیز در جای جای نهج البلاغه به این نکته اشاره دارند که اسلام دین اجتماع و سیاست است و تکالیف عبادی و فردی نمی‌توانند جایگزین مسایل اجتماعی و سیاسی بشوند. پس مشارکت سیاسی نیز نه تنها عبادت بلکه در مواردی از مهم‌ترین آنهاست مثلاً امام حسین علیه السلام برای جهاد و مبارزه با ظالمان، حج که از مهم‌ترین عبادت‌ها به حساب می‌آید را ترک کردند. بسیاری از بزرگان از علمای ما تنها به خاطر پاسخ‌گویی به نیازهای فکری، عقیدتی، فرهنگی، تربیتی و حتی سیاسی جامعه، گاه دست از زندگی زاهدانه خود می‌کشیدند و مستقیماً به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌پرداختند، نظیر آن را از قدیم تاکنون، بخصوص دوران معاصر می‌توان دید. این همان سیره مقدس رسول الله است، ایشان برای هدایت مردم و به عهده گرفتن رهبری همه جانبه (به‌خصوص سیاسی و حکومتی) عبادت‌های فردی خویش در غار حرا را ترک گفتند، نه اینکه عبادت را ترک کردند بلکه نوع آن را بنا به مقتضیات زمان تغییر دادند.

شاید یک آیه از قرآن کریم در اثبات مدعی کافی باشد که خدای تعالی فلسفه بعثت را در یک چیز خلاصه کرده است و آن برقراری قسط و عدالت در تمام شئون حیات فردی و اجتماعی است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱ «همانا رسولان خود را، با آیات روشن فرستادیم و به آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا برای مردمان قسط به پا دارند و... و واضح است که اقامه قسط به قرینه «کتاب و میزان و حدید» جز با تشکیل حکومت و تدارک وسایل آن امکان ندارد. به‌علاوه مسایل عبادی و فردی خود اهمیتش در این است که می‌تواند زمینه‌ساز حضور مثبت انسان در جامعه بشود.

۱. حدید/۲۵.



۴

بخش چهارم:
احکام انتخاباتی



بخش چهارم: احکام انتخاباتی

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

اشاره

از مهم‌ترین رخدادهای سیاسی - اجتماعی تمام کشورها «انتخابات» و «تعیین فرد اصلح» برای تصدی جایگاه «ریاست جمهوری»، «نماینده‌گی مجلس» و... است. انتخابات در هر کشوری متناسب با قوانین همان کشور برگزار می‌شود. در ایران، علاوه بر رعایت قوانین موجود درباره انتخابات، مسائل شرعی مربوطه نیز باید مورد توجه قرار گیرد و مسئولین، نامزدها و مردم، از ابتدا تا پایان رأی‌گیری، خود را ملزم به رعایت آن‌ها بدانند. از این روی، در این مقاله برخی مسائل شرعی درباره انتخابات جمع‌آوری شده است که امیدواریم مورد استفاده همگان قرار گیرد.

لزوم حضور کاندیدای اصلح

مسئله: بر کسانی که حقیقتاً خود را دارای شرایط لازم برای خدمت‌گزاری به نظام اسلامی می‌دانند، واجب کفایی است خود را به‌عنوان نامزد و کاندیدای ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و... معرفی کرده، ثبت‌نام کنند.^۱

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام: farsi.khamenei.ir، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵؛ با استفاده

سؤال: اگر افراد متعهد و آشنای با مبانی اسلامی (مانند روحانیون) که توان حضور در مجلس شورای اسلامی را دارند، در انتخابات ثبت‌نام نکنند، ممکن است افرادی وارد این عرصه شوند که قوانین غیراسلامی را تصویب کنند. در این صورت حضور روحانیون و افراد متعهد، چه حکمی دارد؟

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی رحمته‌الله‌علیه: ظاهر این است که حضور و شرکت آنان (با شرایطی که ذکر شد)، واجب است.^۱

منع حضور کاندیدای غیر اصلح

سؤال: فردی که علم دارد شرایط کاندید شدن در انتخابات را ندارد؛ ولی با این حال ثبت‌نام می‌کند و از بیت‌المال برای بررسی شرایط او هزینه‌های زمانی، کاغذ، حق‌الزحمه بررسی و... می‌شود، آیا در قبال این هزینه‌ها مسئول است؟

مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه: اگر علم دارد که شایستگی کاندید شدن را ندارد و افراد شایسته دیگری وجود دارند؛ در این فرض ثبت‌نام کردنش و مصرف بیت‌المال برای او، جایز نیست و ضامن بیت‌المال است.^۲

تبلیغ نامزد اصلح

مسئله: همگان (به‌ویژه خواص و علما) وظیفه دارند با حداکثر دقت، افراد اصلح و شایسته را با حجت شرعی شناسایی کرده، به مردم معرفی کنند و آن‌ها را در انتخاب درست

از استفتانات جدید، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب رحمته‌الله‌علیه، ج ۱، ص ۵۱۶، س ۱۶۹۵.
۱. استفتانات جدید، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۵۱۶، س ۱۶۹۵؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.
۲. استفتای پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه، ۴۰۰/۱/۲۹.

یاری دهند. عدم دخالت یا دخالت بدون بصیرت و حجت، خطرناک است.^۱

سؤال: آیا تبلیغ برای کسی که او را صالح و شایسته می‌دانیم و برای نظام و انقلاب مفید می‌باشد، واجب است؟

مقام معظم رهبری علیه السلام: در مواردی که مصلحت اهمی وجود دارد، تبلیغ برای فرد اصلح، عقلاً لازم است.^۲

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی علیه السلام: خوب است.^۳

تبلیغ کاندیدای غیر اصلح

مسئله: اگر شخص بداند یک نامزد، شایستگی و شرایط لازم کاندیدا شدن را ندارد، تبلیغ کردن برای او حرام است؛ اما اگر با علم یا احتمال قوی به شایستگی آن فرد، تبلیغ کنند، اشکال ندارد.^۴

دریافت هدیه توسط کاندیدا

سؤال: آیا کسی که کاندیدای یک مسئولیت اجرایی مانند ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و... است، می‌تواند از دیگران هدایای نقدی و غیر نقدی بگیرد؟

مقام معظم رهبری علیه السلام: در صورتی که منع قانونی ندارد و در قبال این هدیه، تعهدی^۵ نسبت

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام: farsi.khamenei.ir، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵.
۲. استفتای پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، ۴۰۰/۱/۳۱.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.
۴. استفتای پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، ۴۰۰/۱/۲۹.
۵. کاندیدا در برابر گرفتن این امتیاز یا پول، در آینده خود را ملزم به جبران برای هدیه دهنده نداند؛ مثلاً بخواهد به او امتیازاتی بدهد یا در کارهای اقتصادی، حق خاصی برایش قائل شود.

به هدیه دهنده نداشته باشد، اشکال ندارد.^۱

سؤال: برخی افراد برای رسیدن به اهداف سیاسی یا اقتصادی خود، به نامزدهای ریاست جمهوری یا مجلس شورای اسلامی و یا شورای شهر و روستا، به طرق مختلف پول یا امتیاز می دهند. آیا کاندیداها می توانند آن را بپذیرند؟

مقام معظم رهبری علیه السلام: اگر هدیه دادن به قصد دستیابی به هدفی خلاف شرع و قانون و یا به منظور ایجاد تمایل در مسئول قانونی به موافقت با چیزی که حق موافقت با آن را ندارد، صورت بگیرد، گرفتن آن هدیه جایز نیست؛ بلکه واجب است از قبول آن خودداری شود و بر مسئولین هم واجب است از آن جلوگیری نمایند.^۲

استفاده از بیت المال

مسئله: استفاده از اموال بیت المال بدون مجوز شرعی و قانونی برای انتخابات و تبلیغات آن، جایز نیست^۳ و موجب ضمان است.^۴

تخریب کاندیداها

سؤال: برخی از رسانه‌ها و مطبوعات، به ویژه در فضای مجازی، بدون تحقیقات کافی و لازم، مطالبی را درباره اشخاص حقیقی و حقوقی منتشر می کنند که موجب تخریب شخصیت آنان و از بین رفتن آبروی آن‌ها می شود؛ آیا این کار اشکال دارد؟

۱. استفتای پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، ۴۰۰/۱/۲۶.

۲. با استفاده از أجوبة الاستفتانات مقام معظم رهبری علیه السلام، دفتر معظم له، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ص ۴۱۱، س ۱۷۴۱ و ۱۷۴۳.

۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام: farsi.khamenei.ir، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

۴. همان.

امام خمینی علیه السلام: اگر شخص نتواند ادعایش را ثابت کند، تعزیر دارد.^۱

مقام معظم رهبری علیه السلام: بیان ضوابط و شرایط و نقد برای روشن شدن اذهان مانعی ندارد؛ ولی باید از هتک حرمت، تهمت و توهین اجتناب کرد.^۲

آیت الله العظمی مکارم شیرازی علیه السلام: تخریب افراد مطلقاً (در انتخابات، در غیر آن، با نشر اکاذیب و اهانت و بدون آن) جایز نیست.^۳

آیت الله العظمی شبیری زنجانی علیه السلام: حرام است.^۴

سؤال: گاهی در ایام انتخابات، طرفداران یک کاندیدا برای تخریب چهره نامزد دیگر، در فضای مجازی اکانت و صفحاتی را ایجاد کرده و از این طریق، دروغ‌هایی را به دیگران نسبت می‌دهند یا دیدگاه‌های مجعولی را منتشر می‌کنند. حکم این کار چیست؟

آیت الله العظمی شبیری زنجانی علیه السلام: چنین کارهایی حرام است و در بعضی از موارد موجب ضمان است.^۵

سؤال: برخی از کاندیداها یا طرفداران آن‌ها، ممکن است برای کم کردن رأی نامزدهای دیگر، با استفاده از نرم‌افزارهای فتوشاپ، چهره یا تصویر آنان را تغییر داده (مثلاً آن‌ها را در کنار یک زن نامحرم قرار می‌دهند یا آن‌ها را در مکان‌هایی نشان می‌دهند که هیچ‌گاه در آنجا نبوده‌اند) و با این کار، آبروی اشخاص را می‌برند و یا از آن‌ها اخاذی می‌کنند. این کار چه حکمی دارد؟

۱. استفتانات، امام خمینی علیه السلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۵۲، س ۱۵.

۲. همان.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

۴. استفتا از دفتر آیت الله شبیری، کد ۳۱۶۶۳، ۹۵/۴/۲۷ و کد ۳۱۷۶۸، ۹۵/۴/۳۰.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله شبیری: www.zanjani.net، استفتانات، س ۱۰۰۲.

جواب: جایز نیست^۱ و در برابر از بین رفتن آبروی دیگران ضامن هستند و اگر برای این کار پولی دریافت کرده باشند، حلال نیست و واجب است جبران کنند.^۲

سؤال: برخی افراد برای کم کردن محبوبیت یک کاندیدا، سخنان او را متناسب باهدف خود گلچین و تقطیع کرده و در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر می‌کنند، درحالی‌که این کار موجب برداشت اشتباه مخاطبین و گاهی سبب هتک شخصیت آن نامزد می‌شود. این کار چه حکمی دارد؟
مقام معظم رهبری علیه‌السلام: اگر باعث برداشت بد شود، یا مفسده داشته باشد و یا سبب از بین رفتن آبروی دیگران شود، حرام است.^۳

آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی علیه‌السلام: چنانچه مستلزم کذب باشد، حرام است. در غیر این صورت نیز اگر سبب هتک یا ایدای گوینده باشد یا موجب شود ضرری به او برسد، جایز نیست.^۴

آیت‌الله‌العظمی سیستانی علیه‌السلام: تهمت زدن به مؤمن و هتک و غیبت او، حرام است.^۵
آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی علیه‌السلام: هرگونه عملی که به مخاطب القای خلاف واقع کند، انتشار و تقطیع آن جایز نیست.^۶

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی علیه‌السلام: اگر موجب وهن و تهمت باشد، جایز نیست.^۷

۱. استفتا از دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۹۴/۱۱/۲۲؛ استفتا از دفتر آیت‌الله شبیری، کد ۲۶۸۸۰؛ استفتا از دفتر

آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله مکارم، ۹۴/۱۱/۲۰.

۲. استفتا از دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۹۴/۱۱/۲۲.

۳. همان، ۹۷/۱۰/۲۶.

۴. با استفاده از پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله شبیری: zanjani.ir، استفتانات، س ۲۲۴۸؛ و استفتا از دفتر ایشان، کد

۶۱۵۱۶، ۹۷/۱۱/۳.

۵. استفتا از دفتر آیت‌الله سیستانی، ۹۷/۱۰/۲۶.

۶. استفتا از دفتر آیت‌الله مکارم، ۹۷/۱۰/۲۶.

۷. استفتا از دفتر آیت‌الله صافی، ۹۷/۱۰/۲۹.

کاریکاتور نامزدها

سؤال: در ایام انتخابات، برخی از افراد کاریکاتور نامزدهای ریاست جمهوری و کاندیداهای مجلس و... را کشیده و به مردم نشان می‌دهند. آیا این عمل جایز است؟
مقام معظم رهبری علیه السلام: اگر موجب اهانت و بی‌احترامی به شخص کاندیدا باشد، جایز نیست.^۱

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی علیه السلام: در صورتی که اهانتی نسبت به صاحبان تصاویر نباشد، اشکال ندارد؛ ولی استهزا و هتک حرمت مؤمن حرام است.^۲

گفت‌وگو درباره کاندیداها

سؤال: معمولاً در ایام انتخابات، مردم در جمع‌های خانوادگی و دوستانه درباره کاندیداها صحبت می‌کنند و مطالبی را (با آگاهی یا بدون علم از صحت یا کذب آنها) از دیگران درباره نامزدها نقل می‌کنند. حکم این کار چیست؟
آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی علیه السلام: نسبت دادن شایعات به یکدیگر، نوعی تهمت (فرا تر از غیبت) است.^۳

بیان نقاط ضعف کاندیداها

سؤال: در ایام انتخابات جهت شناخت کاندیدای مناسب، می‌بایست نواقص و عیوب و امتیازات آنها را در گذشته و حال تفحص کرد تا فرد لایق را پیدا نمود. آیا صحبت کردن در غیاب کاندیداها برای انتخاب فرد اصلح جایز است؟

۱. استفتای پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۴۰۰/۱/۲۷.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، اهانت، سخره و استهزا.

۳. استفتانات جدید، آیت‌الله مکارم، ج ۳، ص ۱۶۹، سؤال ۴۸۶.

جواب: در صورتی که در مقام مشورت برای رأی دادن به آن‌ها باشد، اشکالی ندارد؛^۱ ولی باید صفات آن‌ها را بیان کرد، نه توهین و مذمت و تحقیر و تخریب و یا خدای نکرده تهمت به آن‌ها زده شود.^۲

وعده‌های غیرواقعی

سؤال: در ایام انتخابات، نامزدها وعده‌هایی به مردم می‌دهند که در برخی مواقع اصلاً توان انجام آن را ندارند. حکم این وعده‌ها چیست؟

مقام معظم رهبری علیه‌السلام: [از ویژگی‌های یک کاندیدای اصلح و انقلابی این است که] از طرح اموری که در اختیار آن‌ها نیست، پرهیز کند.^۳

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی علیه‌السلام: کاندیداهای ریاست جمهوری یا مجلس شورای اسلامی و... جایز نیست به مردم وعده‌های فراتر از اختیارشان بدهند یا دروغ بگویند یا کاری را که می‌دانند انجام نمی‌شود، مطرح کنند. این کار نوعی تدلیس است که جایز نیست. کاندیداها باید وعده‌هایی بدهند که می‌توانند انجام دهند یا در توان آن‌ها هست که انجام بدهند.^۴

شایعه در انتخابات

سؤال: متأسفانه در زمان انتخابات، برخی از کاندیداها و طرفدارانشان شایعه و سخنان غیرواقعی را درباره نامزدهای دیگر در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام: farsi.khamenei.ir، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵؛ استفتانات جدید، آیت‌الله مکارم، ج ۱، ص ۵۲۵، س ۱۷۳۰.
۲. استفتانات جدید، آیت‌الله مکارم، ج ۱، ص ۵۲۵، س ۱۷۳۰.
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام: farsi.khamenei.ir، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

حکم این عمل چیست؟

آیت‌الله‌العظمی شیری زنجانی رحمته‌الله‌علیه: اگر مخاطبین، این سخنان و مطالب را مطابق با واقعیت تلقی کنند یا عناوینی مانند غیبت، تهمت و غیره بر آن صدق کند یا مفسده دیگری داشته باشد، جایز نیست.^۱

آیات عظام سیستانی رحمته‌الله‌علیه و صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه: دروغ، حرام است.^۲

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی رحمته‌الله‌علیه: شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، مطلقاً (خواه در ایام انتخابات و خواه در غیر آن) جایز نیست و از گناہانی است که در قرآن صریحاً عذاب درباره آن ذکر شده است^۳ و باید از ارسال این گونه مطالب به‌طور جدی اجتناب شود.^۴

پوسترهای تبلیغاتی

مسئله: چسباندن پوستر تبلیغات انتخاباتی کاندیداها بر روی دیوار منازل و مغازه‌های مردم بدون اجازه، جایز نیست.^۵

مسئله: پاره کردن پوسترهای تبلیغاتی نامزدهای ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، اشکال دارد.^۶

سؤال: برخی از طرفداران نامزدهای انتخاباتی، پوستر تبلیغاتی کاندیدای خودشان را روی پوستر نامزدهای دیگر می‌چسبانند. آیا این کار اشکال دارد؟
مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه: اگر در این زمینه قانونی باشد، لازم است مراعات شود. اگر قانونی

۱. استفتا از دفتر آیت‌الله شیری، کد ۲۶۸۱۲، ۹۴/۱۱/۲۰.

۲. استفتا از دفتر آیت‌الله سیستانی، ۹۴/۱۱/۱۸ و آیت‌الله صافی، ۹۴/۱۱/۲۵.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم: makarem.ir، احکام شرعی، استفتانات، انتخابات.

۴. استفتا از دفتر آیت‌الله مکارم، ۹۳/۱۱/۱۸.

۵. استفتا پیامکی از دفتر مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه، ۱۴۰۰/۱/۲۸.

۶. همان.

هم وجود ندارد، بهتر است از این کار اجتناب شود.^۱

سؤال: در ایام انتخابات، برخی از طرفداران نامزدهای انتخاباتی در شب آخر تبلیغات، پوسترهای باقیمانده کاندیدای خودشان را در خیابان‌ها و کوچه‌ها رها می‌کنند. حکم این کار چیست؟

مقام معظم رهبری علیه‌السلام: اسراف در هر موردی باشد، ناپسند و حرام است.^۲

سؤال: در برخی از پوسترهای تبلیغات انتخاباتی، اسماء متبرکه وجود دارد. متأسفانه برخی از طرفداران، آن‌ها را در خیابان و کوچه رها می‌کنند و در بعضی موارد، عابرین پیاده‌روی آن‌ها را می‌گذارند. این کار اشکال دارد؟

مقام معظم رهبری علیه‌السلام: اسماء متبرکه نباید در جایی که مورد اهانت و بی‌احترامی قرار می‌گیرد، واقع شود.^۳

تبلیغ در مسجد

سؤال: تبلیغ کاندیداهای مجلس شورای اسلامی در مساجد چه حکمی دارد؟
مقام معظم رهبری علیه‌السلام: باید بر طبق قوانین و مقررات نظام اسلامی عمل شود.^۴

ادامه دارد...

۱. همان، ۱۴۰۰/۱/۳۰.

۲. همان، ۱۴۰۰/۱/۲۹.

۳. همان.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: farsi.khamenei.ir، احکام شرعی انتخابات، ۹۶/۲/۲۵.

مقام معظم رهبری حفظه الله تعالى

همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعات، جوانان، افراد در داخل خانواده، اینها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات، انتخابات پرشوری خواهد شد.